



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



www.azhar.org

حَدِيثُ الْبَيْتِ الْمَقَامِ

# بَيْتِي

مؤلف: محمد حسين زحرفاني



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ندای آسمانی

نویسنده:

حسن زمانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۴	ندای آسمانی
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۸	فهرست مطالب
۳۲	تقدیم
۳۴	مقدمه
۳۴	الف. موضوع نوشتار
۳۴	ب. اهمیت ندای آسمانی
۳۶	ج. اهداف ندای آسمانی
۳۶	اشاره
۳۶	۱. شناساندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهانیان
۳۷	۲. ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳۸	۳. بشارت و امید برای اهل ایمان
۳۹	۴. اتمام حجتی برای همگان
۳۹	د. پیشینه تحقیق درباره ندای آسمانی
۴۲	بخش اول: کلیات
۴۲	اشاره
۴۳	فصل اول: واژه ها و لغات کلیدی ندای آسمانی
۴۳	اشاره
۴۸	پاسخ به دو سؤال:
۵۶	فصل دوم: علامات قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۵۶	یکم. تعریف علامات قیام
۵۷	دوم. تقسیم نشانه های قیام

- ۵۸ ..... سوم. آثار مطرح شدن نشانه های قیام
- ۵۸ ..... اشاره
- ۵۸ ..... الف. امید بخشی
- ۶۰ ..... ب. آماده شدن برای ظهور
- ۶۰ ..... ج. دلیلی بر حقانیت پیشوایان دین
- ۶۰ ..... د. روشی برای شناخت و برنامه ریزی درست
- ۶۱ ..... ه. روشی برای شناخت مدعیان دروغین
- ۶۱ ..... و. جلوگیری از انحرافهای فکری
- ۶۱ ..... ز. احترام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیشوازی از آمدن او
- ۶۱ ..... چهارم. نشانه های قیام و مشخص نبودن زمان ظهور
- ۶۶ ..... پنجم. نشانه های حتمی و بداء
- ۶۶ ..... اشاره
- ۷۰ ..... آیا ندای آسمانی از نشانه های حتمی است؟
- ۷۲ ..... ششم. نمادین یا حقیقی بودن ندای آسمانی
- ۷۷ ..... فصل سوم: ندای آسمانی در قرآن کریم
- ۷۷ ..... اشاره
- ۷۷ ..... آیه اول:
- ۷۷ ..... اشاره
- ۷۷ ..... تفسیر اجمالی آیه
- ۷۸ ..... جایگاه آیه در بحث مهدویت
- ۸۰ ..... دیدگاه مفسران
- ۸۱ ..... جمع بندی و نتیجه گیری
- ۸۵ ..... آیه دوم:
- ۸۵ ..... اشاره
- ۸۵ ..... تفسیر اجمالی آیه
- ۸۵ ..... جایگاه آیه در بحث مهدویت

۸۷	جمع بندی و نتیجه گیری
۸۷	آیه سوم:
۸۷	اشاره
۸۸	تفسیر اجمالی آیه
۸۸	جایگاه آیه در بحث مهدویت
۸۹	جمع بندی و نتیجه گیری
۹۰	آیه چهارم:
۹۰	اشاره
۹۰	تفسیر اجمالی آیه
۹۱	جایگاه آیه در بحث مهدویت
۹۲	جمع بندی و نتیجه گیری
۹۳	آیه پنجم:
۹۳	اشاره
۹۳	تفسیر اجمالی
۹۳	جایگاه آیه در بحث مهدویت
۹۴	جمع بندی و نتیجه گیری
۹۶	فصل چهارم: پیشینه ندای آسمانی
۹۶	اشاره
۹۶	الف. پیشینه ندای آسمانی در ادیان قبل از اسلام
۹۹	ب. پیشینه ندای آسمانی در تاریخ اسلام
۹۹	اشاره
۹۹	اول: ندای آسمانی جبرئیل علیه السلام در بیان شجاعت حضرت علی علیه السلام
۱۰۲	دوم: ندای جبرئیل امین در شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام
۱۰۳	سوم: ندای ابلیس در عقبه
۱۰۶	بخش دوم: معرفی ندای آسمانی
۱۰۶	اشاره

- فصل اول: ویژگی های ندای آسمانی ----- ۱۰۷
- الف. منادی «ندا دهنده» ----- ۱۰۷
- ب. مکان ندای آسمانی ----- ۱۰۷
- اشاره ----- ۱۰۷
- دو برداشت از آسمانی بودن ندای آسمانی ----- ۱۰۸
- ج. زمان ندای آسمانی ----- ۱۰۹
- اشاره ----- ۱۰۹
- یکم: زمان مطرح شده در احادیث برای ندای آسمانی ----- ۱۰۹
- اشاره ----- ۱۰۹
- سؤال اول، ندای آسمانی در چه ماهی واقع می شود؟ ----- ۱۱۰
- سؤال دوم، ندای آسمانی در چه روزی واقع می شود؟ ----- ۱۱۱
- سؤال سوم، ندای آسمانی در چه زمانی از شب یا روز واقع می شود؟ ----- ۱۱۱
- نظر اندیشمندان در این مورد ----- ۱۱۶
- جمع بندی و نتیجه گیری ----- ۱۱۸
- دوم: حوادث قبل از ندای آسمانی ----- ۱۱۹
- اشاره ----- ۱۱۹
- بیان حوادث قبل از ندای آسمانی ----- ۱۲۱
۱. اختلاف بنی عباس ----- ۱۲۱
۲. آیه ای در ماه رجب ----- ۱۲۲
۳. سختی، ترس، کشتار و مرگ ----- ۱۲۳
۴. یأس و ناامیدی ----- ۱۲۶
- سوم: حوادث بعد از ندای آسمانی ----- ۱۲۸
- اشاره ----- ۱۲۸
- سه دسته از احادیث ----- ۱۲۸
- جمع بندی این سه دسته از روایات ----- ۱۳۴
- نظر اندیشمندان ----- ۱۳۵



۱۳۸	د. محتوای ندای آسمانی
۱۳۸	اشاره
۱۳۸	یکم: محتوای اخباری
۱۳۸	اشاره
۱۳۸	۱. معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب
۱۴۰	۲. بیان امارت و حکومت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۴۱	۳. معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان
۱۴۲	۴. معرفی توصیفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۴۲	۵. خبر دادن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۴۲	۶. خبر از پایان حکومت جباران
۱۴۳	دوم: محتوای انشایی
۱۴۳	اشاره
۱۴۳	۱. دستور رفتن به مکه
۱۴۴	۲. دستور به پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۴۴	۳. دستور قیام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۴۵	۴. بازداشتن از قتل و خونریزی
۱۴۶	ه. مخاطبان ندای آسمانی
۱۴۶	اشاره
۱۴۶	یکم: بیان همگانی بودن ندای آسمانی
۱۴۶	۱. شنیدن اهل مشرق و مغرب
۱۴۶	۲. شنیدن تمام اهل زمین
۱۴۷	۳. شنیدن تمامی جانداران
۱۴۸	۴. ندای آسمانی عام است نه خاص
۱۴۸	دوم: شنیدن هر قومی به زبانشان
۱۴۹	سوم: یکنواختی صدا برای همگان
۱۵۰	نکته پایانی

۱۵۱	و. غیر منتظره بودن ندای آسمانی
۱۵۱	اشاره
۱۵۱	یکم: کرنش و ایمان ابتدایی
۱۵۳	دوم: بیرون آمدن دختران پرده نشین
۱۵۵	سوم: بیدار شدن افراد خواب
۱۵۶	چهارم: وحشت افراد بیدار
۱۵۶	پنجم: نشستن افراد ایستاده و ایستادن افراد نشسته
۱۵۸	فصل دوم: پی آمدهای ندای آسمانی
۱۵۸	اشاره
۱۵۸	الف. خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۵۹	ب. عکس العمل اهل ایمان
۱۵۹	ج. عکس العمل کافران
۱۵۹	د. ندای شیطانی
۱۵۹	اشاره
۱۶۳	یکم: ویژگی های ندای شیطانی
۱۶۳	۱. ندا دهنده
۱۶۴	۲. مکان ندای شیطانی
۱۶۶	۳. زمان ندای شیطانی
۱۶۶	اشاره
۱۶۶	دسته اول: احادیثی که زمان ندای شیطانی را آخر روز می دانند:
۱۶۷	دسته دوم: احادیثی که زمان ندای ابلیس را آخر شب معرفی می کنند
۱۶۷	دسته سوم: احادیثی که زمان ندای شیطانی را فردای ندای آسمانی می دانند
۱۶۸	جمع بندی و نتیجه گیری
۱۶۹	۴. محتوای ندای شیطانی
۱۶۹	اشاره
۱۶۹	دسته اول: احادیثی که بیان کننده ادعای مظلومیت است:

- دسته دوم: احادیثی که بیان کننده ادعای حقانیت و رستگاری است. ----- ۱۷۰
۵. تشبیه ندای شیطانی ----- ۱۷۴
- دوم: هدف از ندای شیطانی ----- ۱۷۵
- سوم: تأثیر ندای شیطانی ----- ۱۷۶
- اشاره ----- ۱۷۶
۱. شک و تردید در ندای آسمانی ----- ۱۷۶
۲. بازگشت از ندای آسمانی ----- ۱۷۷
- فصل سوم: وظیفه مخاطبان ندای آسمانی ----- ۱۸۰
- اشاره ----- ۱۸۰
- الف. شناخت ندای آسمانی ----- ۱۸۰
- اشاره ----- ۱۸۰
- یکم: اول بودن ندای آسمانی ----- ۱۸۰
- دوم: شناخت قبلی ----- ۱۸۱
- سوم: شناخت از روی محتوا ----- ۱۸۴
- چهارم: پرسش از عالمان دین ----- ۱۸۴
- ب. پیروی از ندای آسمانی ----- ۱۸۵
- بخش سوم: ندهای آسمانی دیگر ----- ۱۸۸
- اشاره ----- ۱۸۸
- الف. ندای بعد از بیعت ----- ۱۸۹
- ب. ندای در ماه رجب ----- ۱۹۲
- ج. ندای خسف بیداء ----- ۱۹۶
- د. ندای باد ----- ۱۹۸
- ه. ندای قبل از پایان دنیا ----- ۱۹۹
- بخش چهارم: ندای آسمانی از نگاه عامه ----- ۲۰۲
- اشاره ----- ۲۰۲
- فصل اول: بررسی صوت در ماه مبارک رمضان ----- ۲۰۴

- ۲۰۴ ..... اشاره
- ۲۰۵ ..... الف. ویژگی های صوت ماه مبارک رمضان
- ۲۰۵ ..... یکم: زمان صوت
- ۲۰۶ ..... دوم: مکان صوت
- ۲۰۶ ..... سوم: ندا دهنده
- ۲۰۷ ..... چهارم: محتوای صیحه
- ۲۰۸ ..... پنجم: مخاطبان صوت
- ۲۰۹ ..... ششم: تأثیرات صیحه
- ۲۰۹ ..... اشاره
- ۲۰۹ ..... ۱. بیدار شدن افراد خواب
- ۲۱۰ ..... ۲. وحشت افراد بیدار
- ۲۱۰ ..... ۳. خارج شدن دختران پرده نشین
- ۲۱۰ ..... ۴. نشستن افراد ایستاده
- ۲۱۱ ..... ب. حوادث قبل و بعد از صوت
- ۲۱۱ ..... اشاره
- ۲۱۱ ..... یکم: حوادث قبل از صیحه
- ۲۱۲ ..... دوم: حوادث بعد از صیحه
- ۲۱۳ ..... ج. وظیفه مخاطبان صوت
- ۲۱۵ ..... فصل دوم: بررسی ندای آسمانی از نگاه عامه
- ۲۱۵ ..... اشاره
- ۲۱۶ ..... الف. ویژگی های ندای آسمانی
- ۲۱۶ ..... یکم: زمان ندا
- ۲۱۷ ..... دوم: مکان ندا
- ۲۱۷ ..... سوم: ندا دهنده
- ۲۱۷ ..... چهارم: محتوای ندا
- ۲۱۹ ..... پنجم: مخاطبان ندای آسمانی

۲۲۰	ب. حوادث قبل از ندای آسمانی
۲۲۰	اشاره
۲۲۰	۱. ظهور سفیانی و حاکمیت او بر دمشق
۲۲۱	۲. سلسله حوادثی که از ماه رمضان شروع می شود و در ماه محرم ندای آسمانی داده می شود
۲۲۱	۳. ظهور فتنه و خاموش نشدن آن
۲۲۲	۴. وقوع خسف قبل از ندا
۲۲۳	۵. هنگام مواجهه سپاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی
۲۲۳	۶. قتل نفس زکیه
۲۲۴	ج. پی آمدهای ندای آسمانی
۲۲۴	یکم: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۲۵	دوم: ندای شیطانی
۲۲۸	د. وظیفه مخاطبان ندای آسمانی
۲۲۸	اشاره
۲۲۸	یکم: رفتن به سوی مکه
۲۲۸	دوم: اطاعت و پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۳۰	فصل سوم: ندای بعد از خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۳۰	اشاره
۲۳۲	نکته پایانی
۲۳۴	خاتمه
۲۳۴	اشاره
۲۳۵	الف. اشتراکات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی
۲۳۶	ب. افتراقات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی
۲۳۸	کتابنامه
۲۴۵	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: ندای آسمانی/حسن زمانی

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۲۰ص.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۱۲۹۱۱

۱. آخرالزمان. ۲. آخرالزمان \_ جنبه های قرآنی. ۳. آخرالزمان \_ احادیث. ۴. مهدویت. ۵. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. \_ الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج). ب. مرکز تخصصی مهدویت. ج. عنوان.

۴ن / ۸ز / ۲۲۴ / ۵ / ۲۹۷ / ۴۶۲ BP

ص: ۱

اشاره

ندای آسمانی

سید حسن زمانی

ندای آسمانی

مؤلف / سید حسن زمانی

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

نوبت چاپ / دوم، پاییز ۸۹

شمارگان / سه هزار نسخه

طراح جلد و صفحه آرا / عباس فریدی

ویراستار / سید جواد میر خلیلی

بها / ۲۷۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) / تلفن: ۴-۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

[WWW.IMAMMAHDI-313.COM](http://WWW.IMAMMAHDI-313.COM)

[info@imammahdi-s.com](mailto:info@imammahdi-s.com)

شابک: ۱-۷۸-۷۴۲۸-۹۶۴-۹۷۸

ص: ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣





تقدیم ۱۳

مقدمه ۱۵

الف. موضوع نوشتار ۱۵

ب. اهمیت ندای آسمانی ۱۵

ج. اهداف ندای آسمانی ۱۷

۱. شناساندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهانیان ۱۷

۲. ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۸

۳. بشارت و امید برای اهل ایمان ۱۹

۴. اتمام حجتی برای همگان ۲۰

د. پیشینه تحقیق درباره ندای آسمانی ۲۰

بخش اول:

کلیات ۲۳

فصل اول: واژه ها و لغات کلیدی ندای آسمانی ۲۴

پاسخ به دو سؤال: ۲۹

فصل دوم: علامات قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۷

یکم. تعریف علامات قیام ۳۷

دوم. تقسیم نشانه های قیام ۳۸

سوم. آثار مطرح شدن نشانه های قیام ۳۹

الف. امید بخشی ۳۹

ب. آماده شدن برای ظهور ۴۱

ج. دلیلی بر حقانیت پیشوایان دین ۴۱

د. روشی برای شناخت و برنامه ریزی درست ۴۱

ه. روشی برای شناخت مدعیان دروغین ۴۲

و. جلوگیری از انحرافهای فکری ۴۲

ز. احترام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیشوازی از آمدن او ۴۲

ص: ۵

چهارم. نشانه های قیام و مشخص نبودن زمان ظهور ۴۲

پنجم. نشانه های حتمی و بداء ۴۷

آیا ندای آسمانی از نشانه های حتمی است؟ ۵۱

ششم. نمادین یا حقیقی بودن ندای آسمانی ۵۳

فصل سوم: ندای آسمانی در قرآن کریم ۵۸

آیه اول: ۵۸

تفسیر اجمالی آیه ۵۸

جایگاه آیه در بحث مهدویت ۵۹

دیدگاه مفسران ۶۱

جمع بندی و نتیجه گیری ۶۲

آیه دوم: ۶۶

تفسیر اجمالی آیه ۶۶

جایگاه آیه در بحث مهدویت ۶۶

جمع بندی و نتیجه گیری ۶۸

آیه سوم: ۶۸

تفسیر اجمالی آیه ۶۹

جایگاه آیه در بحث مهدویت ۶۹

جمع بندی و نتیجه گیری ۷۰

آیه چهارم: ۷۱

تفسیر اجمالی آیه ۷۱

جایگاه آیه در بحث مهدویت ۷۲

جمع بندی و نتیجه گیری ۷۳

آیه پنجم: ۷۴

تفسیر اجمالی ۷۴

جایگاه آیه در بحث مهدویت ۷۴

جمع بندی و نتیجه گیری ۷۵

فصل چهارم: پیشینه ندای آسمانی ۷۷

الف. پیشینه ندای آسمانی در ادیان قبل از اسلام ۷۷

ب. پیشینه ندای آسمانی در تاریخ اسلام ۸۰

اول: ندای آسمانی جبرئیل علیه السلام در بیان شجاعت حضرت علی علیه السلام ۸۰

ص: ۶

دوم: ندای جبرئیل امین در شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام ۸۳

سوم: ندای ابلیس در عقبه ۸۴

بخش دوم:

معرفی ندای آسمانی ۸۷

فصل اول: ویژگی های ندای آسمانی ۸۸

الف. منادی «ندا دهنده» ۸۸

ب. مکان ندای آسمانی ۸۸

دو برداشت از آسمانی بودن ندای آسمانی ۸۹

ج. زمان ندای آسمانی ۹۰

یکم: زمان مطرح شده در احادیث برای ندای آسمانی ۹۰

سؤال اول، ندای آسمانی در چه ماهی واقع می شود؟ ۹۱

سؤال دوم، ندای آسمانی در چه روزی واقع می شود؟ ۹۲

سؤال سوم، ندای آسمانی در چه زمانی از شب یا روز واقع می شود؟ ۹۲

نظر اندیشمندان در این مورد ۹۷

جمع بندی و نتیجه گیری ۹۹

دوم: حوادث قبل از ندای آسمانی ۱۰۰

بیان حوادث قبل از ندای آسمانی ۱۰۲

۱. اختلاف بنی عباس ۱۰۲

۲. آیه ای در ماه رجب ۱۰۳

۳. سختی، ترس، کشتار و مرگ ۱۰۴

۴. یأس و ناامیدی ۱۰۷

سوم: حوادث بعد از ندای آسمانی ۱۰۹

سه دسته از احادیث ۱۰۹

جمع بندی این سه دسته از روایات ۱۱۵

نظر اندیشمندان ۱۱۶

د. محتوای ندای آسمانی ۱۱۹

یکم: محتوای اخباری ۱۱۹

۱. معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب ۱۱۹

۲. بیان امارت و حکومت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۱

ص: ۷

۳. معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان ۱۲۲

۴. معرفی توصیفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۳

۵. خبر دادن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۳

۶. خبر از پایان حکومت جباران ۱۲۳

دوم: محتوای انشایی ۱۲۴

۱. دستور رفتن به مکه ۱۲۴

۲. دستور به پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۵

۳. دستور قیام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۵

۴. بازداشتن از قتل و خونریزی ۱۲۶

۵. مخاطبان ندای آسمانی ۱۲۷

یکم: بیان همگانی بودن ندای آسمانی ۱۲۷

۱. شنیدن اهل مشرق و مغرب ۱۲۷

۲. شنیدن تمام اهل زمین ۱۲۷

۳. شنیدن تمامی جانداران ۱۲۸

۴. ندای آسمانی عام است نه خاص ۱۲۹

دوم: شنیدن هر قومی به زبانشان ۱۲۹

سوم: یکنواختی صدا برای همگان ۱۳۰

نکته پایانی ۱۳۱

و. غیر منتظره بودن ندای آسمانی ۱۳۲

یکم: کرنش و ایمان ابتدایی ۱۳۲



دوم: بیرون آمدن دختران پرده نشین ۱۳۴

سوم: بیدار شدن افراد خواب ۱۳۶

چهارم: وحشت افراد بیدار ۱۳۷

پنجم: نشستن افراد ایستاده و ایستادن افراد نشسته ۱۳۷

فصل دوم: پی آمدهای ندای آسمانی ۱۳۹

الف. خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۳۹

ب. عکس العمل اهل ایمان ۱۴۰

ج. عکس العمل کافران ۱۴۰

د. ندای شیطانی ۱۴۰

یکم: ویژگی های ندای شیطانی ۱۴۴

۱. ندا دهنده ۱۴۴

ص: ۸

۲. مکان ندای شیطانی ۱۴۵

۳. زمان ندای شیطانی ۱۴۷

دسته اول: احادیثی که زمان ندای شیطانی را آخر روز می دانند: ۱۴۷

دسته دوم: احادیثی که زمان ندای ابلیس را آخر شب معرفی می کنند: ۱۴۸

دسته سوم: احادیثی که زمان ندای شیطانی را فردای ندای آسمانی می دانند: ۱۴۸

جمع بندی و نتیجه گیری ۱۴۹

۴. محتوای ندای شیطانی ۱۵۰

دسته اول: احادیثی که بیان کننده ادعای مظلومیت است: ۱۵۰

دسته دوم: احادیثی که بیان کننده ادعای حقانیت و رستگاری است: ۱۵۱

۵. تشبیه ندای شیطانی ۱۵۵

دوم: هدف از ندای شیطانی ۱۵۶

سوم: تأثیر ندای شیطانی ۱۵۷

۱. شک و تردید در ندای آسمانی ۱۵۷

۲. بازگشت از ندای آسمانی ۱۵۸

فصل سوم: وظیفه مخاطبان ندای آسمانی ۱۶۱

الف. شناخت ندای آسمانی ۱۶۱

یکم: اول بودن ندای آسمانی ۱۶۱

دوم: شناخت قبلی ۱۶۲

سوم: شناخت از روی محتوا ۱۶۵

چهارم: پرسش از عالمان دین ۱۶۵

ب. پیروی از ندای آسمانی ۱۶۶

بخش سوم:

نداهاى آسمانى ديگر ۱۶۹

الف. نڊاى بعد از بيعت ۱۷۰

ب. نڊاى در ماه رجب ۱۷۳

ج. نڊاى خسف بىءاء ۱۷۷

د. نڊاى باد ۱۷۹

ه. نڊاى قبل از پايان دنيا ۱۸۰

ص: ۹

بخش چهارم:

ندای آسمانی از نگاه عامه ۱۸۳

فصل اول: بررسی صوت در ماه مبارک رمضان ۱۸۵

الف. ویژگی های صوت ماه مبارک رمضان ۱۸۶

یکم: زمان صوت ۱۸۶

دوم: مکان صوت ۱۸۷

سوم: ندا دهنده ۱۸۷

چهارم: محتوای صیحه ۱۸۸

پنجم: مخاطبان صوت ۱۸۹

ششم: تأثیرات صیحه ۱۹۰

۱. بیدار شدن افراد خواب ۱۹۰

۲. وحشت افراد بیدار ۱۹۱

۳. خارج شدن دختران پرده نشین ۱۹۱

۴. نشستن افراد ایستاده ۱۹۱

ب. حوادث قبل و بعد از صوت ۱۹۲

یکم: حوادث قبل از صیحه ۱۹۲

دوم: حوادث بعد از صیحه ۱۹۳

ج. وظیفه مخاطبان صوت ۱۹۴

فصل دوم: بررسی ندای آسمانی از نگاه عامه ۱۹۶

الف. ویژگی های ندای آسمانی ۱۹۷

یکم: زمان ندا ۱۹۷۱

دوم: مکان ندا ۱۹۸۱

سوم: ندا دهنده ۱۹۸۸

چهارم: محتوای ندا ۱۹۸۱

پنجم: مخاطبان ندای آسمانی ۲۰۰

ب. حوادث قبل از ندای آسمانی ۲۰۱

۱. ظهور سفیانی و حاکمیت او بر دمشق ۲۰۱

۲. سلسله حوادثی که از ماه رمضان شروع می شود و در ماه محرم ندای آسمانی داده می شود ۲۰۲

۳. ظهور فتنه و خاموش نشدن آن ۲۰۲

ص: ۱۰

۴. وقوع خسف قبل از ندا ۲۰۳

۵. هنگام مواجهه سپاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی ۲۰۴

۶. قتل نفس زکیه ۲۰۴

ج. پی آمدهای ندای آسمانی ۲۰۵

یکم: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۰۵

دوم: ندای شیطانی ۲۰۶

د. وظیفه مخاطبان ندای آسمانی ۲۰۹

یکم: رفتن به سوی مکه ۲۰۹

دوم: اطاعت و پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۰۹

فصل سوم: ندای بعد از خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۱۱

نکته پایانی ۲۱۳

خاتمه ۲۱۵

الف. اشتراکات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی ۲۱۶

ب. افتراقات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی ۲۱۷

کتابنامه ۲۱۹

ص: ۱۱



«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

(انبیا (۲۱) ۱۰۵)

و به راستی در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم همانا زمین را بندگان درستکار من به ارث می برند.

لَا تقدیم به پیشگاه سکاندار هدایت و یگانه نجات دهنده بشر از ظلم و بیداد و لبریز کننده جهان از عدالت و درستی؛ تقدیم به او که با آمدنش، نور و درخشندگی می آید و تاریکی ها رخت بر می بندد؛

لَا تقدیم به او که تمام برگزیدگان خداوند، منتظر قدم مبارکش بودند و دنیا بدون آمدن او معنا ندارد؛ تقدیم به او که مانند خورشید پشت ابر، مدیریت جهان را بر عهده دارد و تمامی برکات و نعمت ها به واسطه او به ما می رسد.

لَا و تقدیم به او که این توفیق را به بنده بی مقدار داد تا بتوانیم با آن، عرض ادبی خدمت مولایش انجام دهیم.

امید، آن که این مختصر صفحاتی که به عشق و محبت آن یگانه هستی نگاشته شد \_ که بسان برگ سبزی است تحفه درویش \_ مورد عنایتشان قرار گیرد.

«ان شاء الله»





**الف. موضوع نوشتار**

موضوع این پژوهش، «ندای آسمانی» است. ندای آسمانی، صدایی است که از آسمان شنیده می شود و در آن به معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، و بیان نام، نسب و حقانیت او و پیروانش می پردازد. این صدا توسط همگان شنیده می شود و می توان آن را معجزه ای دانست که بدون هیچ وسیله ارتباطی، همگان، حتی افراد خواب، نیز آن را می شنوند. ندای آسمانی با الفاظ «ندا»، «صیحه»، «صوت»، «اعلان»، «فزع» و «هده» در احادیث شیعه و عامه مطرح شده است.

**ب. اهمیت ندای آسمانی**

انسان ها همواره مشتاق دانستن آینده و سرنوشت و فرجام خود و جهان پیرامون خود بوده و هستند. به سبب این میل همگانی، بازار پیشگویان و طالع بینان همیشه از رونق برخوردار بوده است. پیش گویی و خبر از آینده را می توان به انواع آسمانی و زمینی تقسیم کرد. آینده بینان آسمانی از طرف

پروردگار، برگزیده شده اند و حجت او بر آدمیان هستند. کلام آنان ریشه در وحی آسمانی دارد و از افق بالا به هستی می نگرند. و خبر دادن از گذشته، حال یا آینده، برایشان تفاوتی نمی کند و اخبار آنان از آینده به میزان گفتارشان در مورد گذشته و حال حقیقت دارد؛ ولی آینده نگران زمینی با دید محدود خود، بیشتر سوداگرانی هستند که با استفاده از ساده اندیشان و نادانان، بازار خود را رونق می دهند.

وعده ظهور نجات بخش هستی و برقرار کننده عدالت در گیتی و برچیننده ظلم، از جهان برجسته ترین آینده بینی حجت های پروردگار آفرینش است که تمامی ادیان الهی از آن خبر داده اند. این حادثه به قدری باارزش است که آینده نگران آسمانی، نشانه ها و حوادث پیرامون آن را نیز برای مردم بازگو کرده اند. بخش زیادی از روایات اسلامی در بحث مهدویت، مربوط به علامت های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و حدود صد حدیث از شیعه و عامه در مورد «ندا یا صیحه آسمانی» به دست ما رسیده است که اهمیت و جایگاه آن را می رساند، و جوهی که می توان برای اهمیت ندای آسمانی برشمرد، به شرح ذیل است:

۱. مطرح شدن آن در قرآن کریم، آیه ۴ سوره شعراء طبق روایات تفسیری بر آن دلالت دارد؛

۲. روایات زیادی که در مورد آن به دست ما رسیده است؛

۳. مطرح شدن آن در توقیع آخر که برای نایب چهارم، علی بن محمد سمیری فرستاده شد که مشاهده و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این توقیع؛ منوط به خروج سفیانی و صیحه آسمانی معرفی شده است؛

۴. حتمی بودن ندای آسمانی؛ در روایاتی که علایم حتمی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شمرده می شود، یکی از آن علایم، «ندای آسمانی» است؛

۵. اعلان جهانی نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و کلید ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با «ندای آسمانی» زده می شود و مردم از زمان ظهور آگاه می شوند؛

۶. این ندا، اتمام حجتی برای جهانیان خواهد بود که آیا با شناختن راه حق، باز هم دنباله رو راه های باطل خواهند بود یا نه؟

## ج. اهداف ندای آسمانی

### اشاره

هر کاری برای مقصود و هدفی صورت می گیرد. خواست و هدف پروردگار متعال از معرفی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهانیان به واسطه فرشته وحی، یعنی جبرئیل امین علیه السلام چیست؟ در این قسمت به بیان اهداف و تأثیراتی که ندای آسمانی بر جای می گذارد، می پردازیم این موارد عبارتند از:

### ۱. شناساندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهانیان

قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انقلابی جهانی است و شناسایی او نیز باید جهانی باشد تا حجت بر همگان تمام شود و نگویند راه و مسیر حق را نشناختیم و ندای آسمانی با اعلام نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیان حقانیت او برای جهانیان، بشارت به آمدن او را می دهد و با این معیار که مدعیان دروغین از آوردن آن عاجزند، آن حضرت به همگان معرفی می شود.

عبدالله بن ابی یعفور از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد: مراد از «صوت» چیست؟ آیا مراد، همان ندا دهنده است؟ امام فرمود:

ص: ۱۷

«نعم و به يعرف صاحب هذا الامر(۱)؛ بله و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می شود.

## ۲. ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از دلایل پیروزی سریع حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رعب و وحشتی است که دشمنان ایشان از وی در دل دارند و یکی از عوامل ایجاد رعب، امداد های غیبی است که به کمک حضرت مهدی می آید. برای مثال در حدیثی می خوانیم وقتی رومیان می بینند، یاران حضرت مهدی بر روی آب راه می روند، می گویند یاران او بر روی آب راه می روند، پس خود او چگونه است و تسلیم می شوند و یکی از امداد های غیبی و مواردی که باعث رعب در دل دشمنان حضرت می شود ندای آسمانی است که باعث می شود دشمنان حضرت بفهمند در مقابل قدرت آسمانی او توانی ندارند و نمی توانند مقاومت کنند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«يؤيده ثلاثة اجناد الملائكة و المؤمنون و الرعب؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سه لشکر یاری می شود؛ ملائکه و مؤمنان و رعب (در دل دشمنان)»(۲)

در روایات ندای آسمانی می خوانیم وقتی ندا داده می شود، گردن های دشمنان حضرت در مقابل آن خاضع می شود و به همین جهت، ندای آسمانی را عذابی برای کافران معرفی می کنند.

ص: ۱۸

---

۱- الغیبه نعمانی، ص ۲۶۶، باب ۱۴، ح ۱۶. روایت از جهت سند معتبر است.

۲- الغیبه نعمانی، ص ۲۰۴، باب ۱۱، ح ۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹، باب ۲۲، ح ۴۶.

«... قد نودوا نداء يسمع من بعد كما يسمع من قرب، يكون رحمه على المؤمنين و عذاباً على الكافرين (۱)»؛ آنان ندا داده می شوند به خدایی که از دور همان گونه شنیده می شود که از نزدیک، آن رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران می باشد. و یا آن را روز سختی برای آنان معرفی می کنند: «فذلك يومئذ يوم عسير على الكافرين غير يسير (۲)».

### ۳. بشارت و امید برای اهل ایمان

پیروان حق و حقیقت با شنیدن ندای آسمانی، نشاط و شادابی خاصی پیدا می کنند و آگاه می شوند که مولایشان بعد از قرن ها انتظار می آید و در پرتو آن، حق و عدالت، همه جا را نورانی خواهد کرد؛ به همین دلیل، روح تازه ای با شنیدن آن در وجودشان دمیده می شود.

حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام روایت می کند که فرمود:

هنگام فقدان ماء معین، بسیاری از مردان و زنان مؤمن، دلسوخته و متاسف و اندوهناکند؛ گویا آنان را در ناامیدترین حالاتشان می بینم که ندا را می شنوند؛ ندایی که از دور، مانند شنیده شدن از نزدیک شنیده می شود و آن رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است: «يكون رحمه على المؤمنين (۳)».

ص: ۱۹

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، ح ۳؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۴.

۲- تأویل الآیات الظاهره، ص ۷۰۸

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، ح ۳، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۶، باب ۳۰، ح ۱۴.

#### ۴. اتمام حجتی برای همگان

ندای آسمانی، همگانی است و هر کس با زبان خود، این ندا را می شنود<sup>(۱)</sup> و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به وسیله آن با نام و نسب می شناسد و دیگر جایی برای عذر و بهانه باقی نمی ماند که اگر ما واقعاً می دانستیم او حجت خداوند است، از او پیروی می کردیم. مفضل بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«... و ینادی باسمه و کنیته و نسبه و یكثر ذلك علی افواه المحقین و المبطلین و الموافقین و المخالفین لتلزمهم الحجة بمعرفتهم به...»؛ به اسم و کنیه و نسب حضرت ندا داده می شود و این مطلب، دهان به دهان بین اهل حق و باطل و موافقان و مخالفان می چرخد تا حجت را بر آنان در شناختن او تمام کند.<sup>(۲)</sup>

#### د. پیشینه تحقیق درباره ندای آسمانی

ندا یا صیحه یا صوت آسمانی، یک پیشگویی آسمانی است؛ بنابراین ریشه در احادیث اسلامی دارد. از طرف دیگر، امر مشترکی میان شیعه و عامه است و در کتاب های حدیثی هر دو مطرح شده است. و از صدر اسلام نیز بوده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در کنار معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی از نشانه های قیام او را ندای آسمانی بیان داشته است. همچنین این مطلب به صورت واضح و روشن تر در زمان پیشوایان معصوم علیهم السلام؛ به خصوص در زمان امام محمد باقر و

ص: ۲۰

---

۱- رجوع شود به بخش دوم، فصل اول، بحث مخاطبان ندای آسمانی.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳، باب ۲۸، ح ۱؛ الهدایه الکبری، ص ۳۹۳.

امام جعفر صادق علیهما السلام که بیشتر احادیث شیعه از این دو بزرگوار است، بیان شده است. این روایات در کتاب هایی چون:

۱. کافی؛ اثر محمد بن یعقوب کلینی که مهم ترین کتاب روایی شیعه است.
۲. کمال الدین؛ اثر شیخ صدوق که به دستور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نگاشته شده است.
۳. الغیبه؛ اثر شیخ طوسی که مؤلف آن از پایه گذاران فقه شیعه است.
۴. الغیبه؛ اثر محمد بن ابراهیم نعمانی که ایشان شاگرد و کاتب صاحب کتاب کافی بوده است.
۵. تفسیر علی بن ابراهیم قمی و تفسیر عیاشی که از کتاب های تفسیری متقدم شیعه هستند.

از شیعه و کتاب هایی چون؛

۱. الفتن لابن حماد مروزی (۲۲۹ ق)

۲. الملاحم لابن جعفر المنادی (۳۳۶ ق)

۳. المعجم الكبير للطبرانی (۳۶۰ ق)

۴. مسند احمد بن حنبل (۲۴۱ ق)

۵. السنن الواردة فی الفتن للدانی (۴۴۴ ق)

۶. الحاوی للفتاوی سیوطی (۹۱۱ ق)

از عامه و کتاب های دیگری که در مباحث آتی مطرح می شوند، بیان شده اند.

به بحث «ندای آسمانی» به صورت موضوعی، کمتر توجه شده است؛ ولی در کنار سایر موضوعات، برخی از اندیشمندان مباحث مهدویت به آن

ص: ۲۱



توجه داشته اند. از باب نمونه در دو کتاب «تاریخ الغیبه الکبری» و «تاریخ ما بعد الظهور»، بهتر از کتاب های دیگر به بررسی آن پرداخته شده است. همچنین در کتب «معجم موضوعی احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و «یوم الخلاص» و «مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف» و «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور» به بررسی «ندای آسمانی» در کنار سایر موضوعات مهدویت پرداخته شده است. امید است در این نوشتار با عنایت پروردگار متعال و توجه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قدمی در راه روشن تر کردن این بحث از مباحث مهدویت برداشته شود.

بخش اول: کلیات

اشاره

ص: ۲۳

واژه های به کار رفته در احادیث در مورد «ندای آسمانی» به شرح ذیل است:

۱. نداء ۲. صیحه ۳. صوت ۴. اعلان ۵. فزعه ۶. هدّه.

معنای لغوی واژه ها عبارت است از:

۱. «نداء» به معنی خواندن با صدای بلند است.

در «مفردات» آمده است:

«النداء رفع الصوت و ظهوره»؛ نداء، بلند کردن و آشکار کردن صدا را گویند. (۱)

مثال قرآنی، «اذا نادیتم الی الصلوه (۲)» ای دعوتهم. یعنی وقتی آنان را به سوی نماز فرا خواندید.

در بیشتر احادیثی که واژه «نداء» در آنها مطرح شده است، «نداء»،

ص: ۲۴

---

۱- «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۴۸۶.

۲- مائده (۵): آیه ۵۸.

صدایی با محتوا آمده است.

پس می توان آن را صدایی رسا که به معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد، دانست.

۲. «صیحه» به معنی فریاد یا صدای بسیار بلند است.

در «مجمع البحرین» آمده است: مراد از صیحه، «الصوت بأقصى الطاقه»، صدا با نهایت توان است. سپس مثال قرآنی می آورد: «وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ (۱)»، مراد از صیحه، عذاب است و گفته می شود جبرئیل امین علیه السلام بر آنها فریادی کشید و آنان هلاک شدند. (۲)

زوایای مختلف عذاب قوم ثمود با واژه های «صیحه (۳)»، «رجفه (۴)»، «طاغیه (۵)» و «صاعقه (۶)» در قرآن کریم توصیف شده است. یعنی قوم ثمود با صدای وحشتناک و زمین لرزه ای شدید و یک عامل ویرانگر و صاعقه آسمانی هلاک شدند.

در قرآن کریم، پایان جهان با یک صیحه خواهد بود:

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ؛ جز بانگ مرگبار یگانه ای را انتظار نمی کشند و در حالی که ستیزه می کنند آنان را فرو می گیرد. (۷)

ص: ۲۵

۱- هود (۱۱): آیه ۶۷.

۲- «مجمع البحرین»، ج ۲، ص ۳۸۹.

۳- هود (۱۱): آیه ۶۷.

۴- اعراف (۷): آیه ۷۸.

۵- الحاقه (۶۹): آیه ۵.

۶- فصلت (۴۱): آیه ۱۷.

۷- یس (۳۶): آیه ۴۹.

همین طور رستاخیز با صیحه آغاز می شود:

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ؛ صیحه واحدی بیش نیست؛ در آن هنگام، آنان همگی نزد ما حاضر خواهند شد. (۱)

اما در احادیث ندای آسمانی؛ واژه «صیحه» برای صدای بامحتوا نیز به کار رفته است که با آن به معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد. (۲) در نتیجه می توان مراد از «صیحه» را صدای بسیار بلند بامحتوا یا بدون محتوا دانست.

۳. صوت؛ به معنی صدای سخن است.

در «مجمع البحرین» آمده است: «و الصوت فی العرب جرس الکلام»؛ صوت در زبان عرب به معنای صدای سخن است.

مثال قرآنی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ؛

ای کسانی که ایمان آوردید، صداهایتان را بلندتر از صدای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبرید. (۳)

در چندین روایت از احادیث مربوط به ندای آسمانی، کلمه «صوت» آمده است. در حدیثی، عبدالله بن ابی یعفر از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد:

ص: ۲۶

---

۱- یس (۳۶): آیه ۵۳.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۶۰۳، باب ۳۲، حد ۱۶ و ...

۳- حجرات (۴۹): آیه ۲.

قلت: و ما الصوت، هو المنادی؟ فقال: نعم، و به يعرف صاحب هذا الامر؛ پرسیدم مراد از صوت چیست؟ آیا همان ندادهنده است؟ فرمود: بلی و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می شود. (۱)

از این حدیث استفاده می شود مراد از «صوت»، همان ندای آسمانی است.

۴. اعلان؛ به معنی «آشکار کردن» آمده است.

در کتاب «العین» آمده است: «علن الامر ای شاع و ظهر»؛ علقن الامر، یعنی آن چیز را پخش و آشکار کرد. (۲)

مثال قرآنی:

«ثم انی اعلنت لهم و اسررت لهم اسراراً»؛ آن گاه آشکارا ایشان را خواندم و پنهانی، ایشان را دعوت کردم. (۳)

در میان احادیث ندای آسمانی، تنها در یک روایت، کلمه «یعلن» آمده است. این حدیث از امام رضا علیه السلام نقل شده است که می فرماید بردن نامش در دوران غیبت، جایز نیست:

حتی پیراه و یعلن باسمه و یسمعه کل خلق؛ (۴) تا این که ایشان را ببینند و نامش اعلان می شود و تمامی مردم آن را می شنوند.

ص: ۲۷

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، ح ۱۶؛ «اثبات الهداه»، ج ۳، ص ۷۳۶، باب ۳۴، فصل ۹، حد ۱۰۳.

۲- «العین»، ج ۲، ص ۱۴۱، ماده علقن .

۳- نوح (۷۱): آیه ۹.

۴- «الهدایه الکبری»، ص ۳۶۴؛ «مستدرک الوسائل»، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

در نتیجه «اعلان» در این حدیث به معنی آشکارا بیان شدن نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تمامی مخلوقات آمده است.

۵. فزعه؛ «فزع» به معنی ترس است.

در «السان العرب» آمده است؛ «فزع منه...؛ أخافه و روعه (۱)».

فزع منه، یعنی از او ترسید و هراسناک شد.

مثال قرآنی:

«اذ دخلوا علی داود ففزع منهم، قالوا؛ لا تخف؛ آن گاه که بر داود علیه السلام وارد شدند و او از ایشان ترسید، گفتند؛ مترس. (۲)»

در میان احادیث، سه روایت در مورد «فزعه» آمده است. در این فصل به بررسی آنها می پردازیم و اگر در مورد ندای آسمانی، این واژه را بپذیریم، ترسناکی ندای آسمانی، برای ما آشکار می شود.

۶. هدّه؛ به معنی صدایی است که از فرو ریختن یا انهدام چیزی شنیده می شود.

در کتاب «معجم مقاییس اللغه» آمده است «الّهْدَه»؛ صوت وقع الحائط؛ (۳) هدّه، صدایی است که از ریختن دیوار شنیده می شود.

و در «مفردات» آمده است:

الهدّ هدم له وقع و سقوط شیء ثقیل و الّهْدَه صوت وقعهِ؛ (۴) «الهدّ» به معنی انهدامی است که همراه فروریختن و سقوط چیز سنگینی باشد و

ص: ۲۸

---

۱- «لسان العرب»، ج ۸، ص ۲۵۱

۲- سوره ص (۳۸): آیه ۲۲

۳- «معجم مقاییس اللغه»، ص ۱۰۱۴.

۴- «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۵۳۷، ماده هدد.

«الهدّه»، صدای فروریختن آن است.

در روایات شیعه، تعبیر «هدّه» نیامده است، ولی در احادیث عامه از «صیحه»، تعبیر به «هدّه» شده است و تعداد قابل توجهی از آنها با این واژه آمده است. در روایتی نقل شده است که: عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: «ما الصیحه یا رسول الله؟ قال: هدّه فی النصف من رمضان(۱)»؛ مراد از صیحه چیست ای رسول خدا؟ فرمود: صدایی است که در نیمه ماه رمضان شنیده می شود.

### پاسخ به دو سؤال:

سؤال اول: آیا مراد از «فزع»، همان ندای آسمانی است یا مقصود، چیز دیگری است؟

بیشتر نویسندگان، مراد از «فزع» را همان «صیحه یا ندای آسمانی» دانسته اند و مقصود از آن را بیان ترسناکی ندای آسمانی معرفی می کنند. در این میان، نویسنده ای، این مطلب را رد و دلایلی را مطرح می کند:

ایشان می نویسند: [کلمه «فزع» که به معنی ترس و وحشت است و در چند خبر، بیشتر نیامده است، ارتباطی با نداء، صیحه یا صوت ندارد]، سپس دلایلی برای یکی نبودن آنها نقل می کند؛ دلایل ایشان: «نخست: معنای آنها با یکدیگر متفاوت است. دوم: بر اساس روایت ها، فزع در ماه رمضان است؛ ولی در میان ده ها روایت نداء، تنها چهار روایت، وقوع نداء یا صیحه را در این ماه می داند و این چهار روایت هم به دلیل وجود برخی اشکالات در

ص: ۲۹



متن آنها، چندان قابل اعتماد نیستند. سوم؛ در چند روایت، سخن از کسوف در ماه رمضان است که به نظر می رسد مقصود از فزعه در رمضان، همان باشد؛ چون بنا به روایات، این کسوف بر خلاف حساب منجمان، بی سابقه خواهد بود؛ از این رو، وحشت (فرع) عمومی را به همراه دارد. چهارم: در یک حدیث، نداء و فزعه در کنار هم ذکر شده است که نشان می دهد نداء با فزعه، تفاوت دارد(۱).

برای رسیدن به پاسخ مناسب، در آغاز، نگاهی به احادیث مطرح شده در مورد «فزعه» می اندازیم. در مورد «فزعه»، سه روایت در منابع ما آمده است. بیان این روایات؛

حدیث اول؛ روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام:

«انه قال، النداء من المحتوم و السفیانی من المحتوم و... قال: و فزعه فی شهر رمضان توقظ النائم و تفرع الیقظان و تخرج الفتاه من خدرها»؛ فرمود: ندا از امور حتمی است و سفیانی محتوم است و... فرمود: و فزعه در ماه رمضان است که خوابیده را بیدار می کند و بیدار را می ترساند و دختران را از سراپرده شان بیرون می آورد.(۲)

حدیث دوم؛ روایت داود دجاجی از امام محمد باقر علیه السلام:

«قال؛ سئل امیرالمؤمنین علیه السلام... فقال: انتظروا الفرج من ثلاث، فقيل: یا امیرالمؤمنین و ما هن؟ فقال: اختلاف اهل الشام بینهم و الرايات السود من

ص: ۳۰

---

۱- تأملی در روایات علایم ظهور؛ «انتظار»، سال سوم، ش ۹ و ۸، ص ۳۲۸.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۱، باب ۱۴، ح ۱۱- «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۳، باب ۲۵، ح ۹۸.

خراسان و الفزعه فی شهر رمضان، فقیل: و ما الفزعه فی شهر رمضان؟ فقال: أو ما سمعتم قول الله عزوجل فی القرآن «إن نشأ نزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین(۱)» هی آیه تخرج الفتاه من خدرها و توقظ النائم و تفرع الیقظان؛ از امیر مؤمنان علی علیه السلام سؤال شد: ... فرمود: از سه چیز، گشایش را انتظار داشته باشید. گفته شد: ای امیر مؤمنان، آنها چیست؟ فرمود: اختلاف میان اهل شام و پرچم های سیاه از خراسان و فرعه در ماه رمضان. سؤال شد: مراد از فرعه در ماه رمضان چیست؟ فرمود: آیا کلام خدای عزوجل را نشنیده اید: «اگر بخواهیم از آسمان بر آنان معجزه ای نازل می کنیم تا گردن هایشان مقابل آن افتاده شود». آن آیه ای است که دختران را از سرپرده شان بیرون می آورد و خواب را بیدار می کند و بیدار را به ترس و می دارد.(۲)

حدیث سوم؛ مضمون حدیث دوم را دارد ولی از معلی بن خنیس از امام جعفر صادق علیه السلام و ایشان از جدشان امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می کنند.(۳)

حدیث اول به دلیل مجهول بودن «علی بن احمد البندنجی» و «عبید الله بن موسی علوی» و حدیث دوم به دلیل توثیق نشدن «داوود دجاجی»، ضعیف محسوب می شوند و حدیث سوم در کتب متأخر ذکر شده است. و گرچه راویان این حدیث توثیق شده اند، ولی «یونس بن عبدالرحمن» از «صفوان بن یحیی»، حدیث نقل نمی کند، بلکه نقل حدیث از «صفوان بن

ص: ۳۱

---

۱- شعراء (۲۶): آیه ۴.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۰، باب ۱۴، ح ۸.

۳- «تأویل الآیات الظاهره»، ص ۳۸۴؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۸۵، باب ۲۶، ح ۱۴.

مهران» دارد و «صفوان بن یحیی»، نقل حدیث از «یونس بن عبدالرحمن» می‌کند و در سند این روایت، «یونس بن عبدالرحمن» از «صفوان بن یحیی» نقل حدیث کرده است. اما از جهت دلالت، نکاتی از این روایات استفاده می‌شود:

۱. «فزع» در ماه مبارک رمضان است. هر سه حدیث، این مطلب را دارند.

۲. اثرهای این «فزع» عبارتند از: بیدار شدن افراد خواب و به هراس افتادن افراد بیدار و خارج شدن دختران از سراپرده شان، که نشان از غیر منتظره بودن و ترسناکی «فزع» است.

۳. در دو حدیث آخری، «فزع» مصداق آیه ۴ سوره شعراء معرفی شده است. این مطلب می‌رساند که باید محل وقوع «فزع»، طبق بیان آیه، آسمان باشد و همچنین باعث کرنش و خضوع افراد ستم‌گر در برابر آن شود.

این نویسنده در بیان فرق «فزع» با «صیحه یا نداء»، دلایلی آورده بود. دلیل اول ایشان، تفاوت در معنا بود. می‌گوییم: گرچه «فزع» به معنی ترس است، ولی احادیث «فزع» می‌توانند نشان‌گر ترسناکی صیحه آسمانی باشند و از این جهت به جای «صیحه»، کلمه «فزع» استفاده شده است. دلیل این مطلب می‌تواند تأثیرات مشترک «فزع» و «صیحه» باشد که در روایات هر دو دسته آمده است. دلیل دوم ایشان، بودن «فزع» در ماه مبارک رمضان بود و گفتند: در میان ده‌ها روایت نداء، تنها چهار حدیث، وقوع نداء یا صیحه را در ماه رمضان می‌دانند که این چهار روایت نیز اضطراب در متن دارند.

ولی با مراجعه به احادیثی که زمان صیحه یا ندای آسمانی را از جهت ماه و روز مشخص می کنند، می بینیم نه روایت، بر واقع شدن صیحه یا ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان دلالت می کنند که از میان آنها سه حدیث از جهت سند صحیح می باشند. علاوه بر این، در اکثر این احادیث، اضطراب در متن مشاهده نمی شود.<sup>(۱)</sup>

ایشان در ادامه، «فزع» را بر «کسوف» در ماه مبارک رمضان تطبیق می دهد. اما در هیچ یک از احادیث «فزع» به این مطلب اشاره نشده است. و ثانیاً بیشتر روایاتی که «کسوف» را مطرح می کنند، در کنار آن، «خسوف» را ذکر کرده اند که یکی در وسط ماه و دیگری در آخر ماه رخ می دهد<sup>(۲)</sup> و اگر مراد احادیث «فزع»، این دو علامت در ماه مبارک رمضان بود، می بایست به جای «فزع»، «فزعتان» آورده می شد. در پایان، نویسنده، ذکر شدن «نداء» و «فزع» را در یک حدیث، دلیلی بر دو تا بودن آنها می گیرد. این حدیث، روایت اولی است که در صفحات قبل آورده شد، ولی احتمال دارد قسمت دوم حدیث که با «قال» شروع می شود، بیان تفصیلی ندای آسمانی باشد که در قسمت اول حدیث، فقط به حتمی بودن آن اشاره شده است، ولی در قسمت دوم، تأثیرهای آن بیان می شود. و یا این که قسمت دوم را راوی از امام شنیده است و به حدیث اضافه کرده است؛ چون قسمت اول حدیث تمام می شود و قسمت دوم حتی عطف بر قسمت اول نشده و با

ص: ۳۳

---

۱- رجوع شود به بخش دوم، فصل اول، بحث زمان ندای آسمانی.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۴۴، ح ۴۳۹؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۴۵ و ۴۶.

«قال» شروع شده است.

نتیجه: گرچه به صورت صد در صد نمی توان گفت که مراد از «فزع»، همان نداء یا صوت یا صیحه است، ولی نمی توان این احتمال را به وسیله این دلایل رد کرد و این مطلب به سبب ابهامی است که در احادیث «فزع» مشاهده می شود و به صورت واضح مشخص نمی کنند که مراد از «فزع» چیست. علاوه بر این در مورد «فزع»، سه روایت \_ که دو تای آنها یکی است \_ وجود دارد و دو مورد از آنها ضعف سندی دارند و سومی در کتب متأخر آمده است و اضافه یا کم کردن آنها تأثیری بر روایات ندای آسمانی نمی گذارد.

سؤال دوم. آیا مراد از «صیحه»، همان «ندای آسمانی» است یا خیر؟

در دو حدیث، «صیحه» و «ندای آسمانی» در کنار هم ذکر شده است و این مطلب، دلالت بر یکی نبودن «صیحه» و «ندای آسمانی» در ابتدا می کند. بیان دو حدیث:

روایت اول: حدیث محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام:

«... و ان من علامات خروجه، خروج السفیانی من الشام و خروج الیمانی من الیمن و صیحه من السماء فی شهر رمضان و مناد ینادی من السماء باسمه و اسم ابیه؛ و از نشانه های خروج ایشان (حضرت مهدی علیه السلام) خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمین و صیحه ای از آسمان در ماه رمضان است و منادی از آسمان که به نام او و نام پدرش ندا می دهد. (۱)»

روایت دوم: حدیث ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام:

ص: ۳۴

«... ثم قال: الصيحه لاتكون الا في شهر رمضان لأن شهر رمضان شهر الله و الصيحه فيه هي صيحه جبرئيل الى هذا الخلق، ثم قال، ينادى مناد من السماء باسم القائم عليه السلام فيسمع من بالشرق و من بالمغرب...»؛ سپس فرمود: صيحه نمی باشد مگر در ماه رمضان؛ زیرا ماه رمضان، ماه خدا است و صيحه در آن، همان صيحه جبرئيل برای این مردم است. سپس فرمود: منادی از آسمان به اسم قائم عليه السلام ندا می دهد، پس کسی که در مشرق است و کسی که در مغرب است، آن را می شنود. (۱)

پاسخ: این دو حدیث از جهت سند، ضعیف می باشند. حدیث اول به دلیل مجهول بودن «اسماعیل بن علی قزوینی» و «علی بن اسماعیل» و حدیث دوم به دلیل توثیق نشدن «احمد بن یوسف بن یعقوب» و ضعف «حسن بن علی بن ابی حمزه» ضعیف محسوب می شوند. علاوه بر این، احتمال دارد تکرار با واژه های متفاوت برای بیان بیشتر مطلب باشد. در حدیث اول از خصوصیات «صیحه» آسمانی و در ماه رمضان بودن آن مطرح شده است و سپس با واو عطف «ندا» مطرح می شود که در آن محتوای ندا بیان می شود و همچنین در حدیث دوم در بیان ویژگی های «صیحه» در ماه رمضان و از جبرئیل علیه السلام بودن آن مطرح می شود و در ادامه، ندای آسمانی با ویژگی های، معرفی محتوای ندا و همگانی بودن و تأثیرات آن می آید. ثالثاً وقتی به احادیث دیگر ندای آسمانی می نگریم، می بینیم خصوصیات مشابه با واژه های «صوت»، «صیحه» و «ندا» مطرح شده است. (۲)

ص: ۳۵

- 
- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، ح ۱۳.
  - ۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، ح ۶ و ۱۶؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، ح ۱۷ و باب ۱۶، حد ۶؛ «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «الغیبه طوسی»، ص ۴۵۲، ح ۴۵۸.

در نتیجه نمی توان با اختلاف در واژه ها قائل به جدا بودن آنها از یکدیگر شد. اغلب نویسندگانی که مباحث ندای آسمانی را آورده اند، قائل به اشتراک بین واژه های «صیحه» و «نداء» شده اند و محققى برای این مطلب، دلایلی ذکر می کند، ایشان می گوید:

و على ذلك عدة قرائن، من هذه الأخبار نفسها، منها، ان الصيحه و النداء معاً نسباً إلى جبرئيل عليه السلام بشكل مستفيض، و منها: ان وقتها معا في ليله الجمعة الثالث و العشرين من شهر رمضان. و انها: انما جميعاً تورث الاهتمام الكبير، يستيقظ النائم و يقوم القاعد و تخرج العذراء من خدرها، و منها: ان الصيحه و النداء من المحتوم، إلى غير ذلك مما لا يخفى على المتتبع؛ و برای این مطلب، قرینه هایی از خود این اخبار یافت می شود؛ از جمله، نسبت داده شدن نداء و صیحه به جبرئیل علیه السلام به صورت مستفیض و زمان صیحه و نداء که شب جمعه، بیست و سوم از ماه مبارک رمضان است و این که هر دو، باعث توجه همگان شده و افراد خواب را بیدار می کند، نشسته را می ایستاند و دختران باحیا را از پرده ها ایشان بیرون می آورد و همچنین حتمی بودن صیحه و نداء و مشترکات دیگری که بر اهل تحقیق، مخفی نیست. (۱)

البته، این نکته، قابل ذکر است که ندا یا صیحه آسمانی بر فرض یکی بودن مقصود از آن دو، آیا یک بار واقع می شود یا دو بار؟ و این بحث در بخش دوم، فصل اول، قسمت زمان ندای آسمانی مطرح می شود.

ص: ۳۶

## فصل دوم: علامات قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### یکم. تعریف علامات قیام

در روایات نشانه های قیام، دو کلمه «علامه» و «علامات» استعمال شده است و «علامات»، جمع «علامه» است؛ مانند: «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات (۱)» یا «علامه خروج المهدی» (۲).

در «لسان العرب» آمده است:

العلامه و العلم شیء ینصب فی الفلوات تهتدی به الضالہ؛ علامت و علم، چیزی است که در بیابان ها نصب می شود تا گمشدگان، راهنمایی شوند. (۳)

علامت یا نشانه، چنان که از نامش پیداست، کارکردی جز حکایت گری ندارد؛ مانند: سرفه زیاد که نشان از درد سینه است یا شنیده شدن صدای قطار که نشانه آمدن آن است. در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آمدنش، علامت هایی در احادیث اسلامی آمده است که نشان از فاصله ما تا قیام آن

ص: ۳۷

- 
- ۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، ح ۸.
  - ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۰، باب ۱۴، ح ۴۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴۲، باب ۲۵، ح ۱۱۴.
  - ۳- «لسان العرب»، ج ۱۲، ص ۴۱۹.



یگانه هستی است و ندای آسمانی، یکی از نشانه های حتمی آن است.

## دوم. تقسیم نشانه های قیام

در کتاب های مختلف، تقسیم هایی برای نشانه های قیام مطرح شده است که در این جا به طور خلاصه بیان می شود:

الف. نشانه های حتمی و غیر حتمی؛ توضیح آن در صفحات بعد خواهد آمد.

ب. نشانه های متصل و منفصل.

متصل. علامت هایی که نزدیک قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع می شوند؛ به صورتی که فاصله زمانی میان آنها و قیام حضرت، مشخص است. مانند قتل نفس زکیه که پانزده شب با قیام، فاصله دارد. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

لیس بین قیام القائم و بین قتل النفس الزکیه إلا خمس عشره ليله؛ بین قیام قائم علیه السلام و قتل نفس زکیه، فاصله ای نیست؛ مگر پانزده شب. (۱)

منفصل. نشانه هایی که فاصله زمانی آنها با قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشخص نیست و تحقق آنها باعث اطمینان قلبی مؤمنان و ایجاد روحیه امید در میان آنان می شود. مانند: اختلاف بنی عباس. هنگامی که آنان در اوج قدرت بودند و شیعیان زیر فشار آنها قرار داشتند؛ اهل بیت علیهم السلام از اختلاف و نابودی آنان سخن می گفتند و آن را جزء علامت های قیام برمی شمردند. (۲) هم اکنون از زوال بنی عباس، صدها سال می گذرد.

ص: ۳۸

---

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۴۵، حد ۴۴۰؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۴، باب ۵۷، حد ۲.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴، ح ۶۷؛ «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۴.

ج. نشانه های عادی و غیر عادی.

عادی. نشانه هایی که واقع شدن آنها مانند پیدایش سایر پدیده ها، روال عادی و طبیعی دارد. مانند خروج سفیانی و قتل نفس زکیه.

غیر عادی. نشانه هایی که واقع شدن آنها از راه عادی و طبیعی، ممکن نیست و نیازمند معجزه هستند. مانند ندای آسمانی و خسف بیداء.

د. نشانه های آسمانی و زمینی.

آسمانی. برخی نشانه ها در آسمان پدید می آیند. مانند: خورشید و ماه گرفتگی در ماه رمضان یا ندای آسمانی.

زمینی. محل وقوع برخی علامت ها زمین است. مانند: خسف بیداء و قتل نفس زکیه.

در این میان، ندای آسمانی از نشانه های حتمی، متصل، غیر عادی و آسمانی شمرده می شود.

### سوم. آثار مطرح شدن نشانه های قیام

#### اشاره

بخش زیادی از روایات مهدویت، مربوط به علامات قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این توجه پیشوایان معصوم علیهم السلام به نشانه های قیام برای چیست؟ برای روشن شدن این مطلب، آثار و پی آمدهای نشانه ها را توسط پیشوایان دین بررسی می کنیم.

#### الف. امید بخشی

نقش حیاتی و شگفت انگیز امید در سعادت فرد و جامعه بر کسی پوشیده نیست. وقتی امید می آید، تلاش و حرکت، جای گزین رخوت و سستی می شود

و در یک سخن، انسان با امید زنده است. نشانه های قیام، علامت های نزدیک شدن برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام است. با پدیدار شدن هر یک از نشانه ها، نور امید در دل های مؤمنان، پر فروغ تر می شود و بر اثر آن، مقاومتشان در برابر سختی های دوران غیبت و حیرت، بیشتر و تلاششان برای آمادگی همراهی امامشان، فزون تر می گردد. در روایتی، علی بن یقین از امام موسی کاظم علیه السلام نقل می کند که فرمود: «الشیعه تربی بالامانی منذ مائتی سنه»<sup>(۱)</sup>. علامه مجلسی در توضیح این جمله می گوید: مراد از «تربی بالامانی» این است که آنان، وعده نزدیکی گشایش و قرب ظهور دولت حق را به شیعیان نشان می دادند تا مایوس نشوند و دینشان را رها نکنند.<sup>(۲)</sup>

در ذیل این روایت گفت و گوی علی بن یقین با پدرش که از عامه بود، خواندنی است. یقین به پسرش می گوید: چرا آن چه درباره ما گفتند، محقق شد، ولی آن چه درباره شما گفتند، پدیدار نشد؟ علی بن یقین پاسخ می دهد. آن چه درباره ما و شما گفته شده، از یک جاست جز این که زمان حکومت شما، حالا است، پس مطابق آن چه به شما گفته اند، واقع شده است و هنوز زمان حکومت ما نرسیده است؛ پس آن را با آرزوها برایمان آراستند و اگر به ما گفته می شد این امر تا دویت یا سیصد سال دیگر اتفاق نمی افتد، دلها ناامید می شد و اکثر مردم از اسلام بر می گشتند؛ ولی گفتند؛ چه زود است و چه نزدیک است واقع شود تا دل ها آماده شود و چشم به انتظار گشایش بمانند. این روایت می رساند همان طور که طبق پیشگویی اهل

ص: ۴۰

---

۱- «اصول کافی»، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۶؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۳۴۱، حد ۲۹۲.

۲- «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۰۲، باب ۲۱، ذیل ح ۴.

بیت علیهم السلام، حکومت بنی عباس محقق شد، حکومت اهل بیت علیهم السلام هم حتماً واقع می شود؛ ولی چون بعد از زمانی طولانی اتفاق خواهد افتاد، اهل بیت علیهم السلام، آن را امری نزدیک جلوه می دادند تا دل ها به آن امیدوار باشند.

### **ب. آماده شدن برای ظهور**

با تحقق هر یک از نشانه های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤمنان خود را برای آن روز بزرگ و یاری امامشان، آماده تر می کنند و کسانی که خود را مشغول به کارهای دیگری کرده اند، به خود می آیند تا گذشته خویش را جبران کنند و به بیان دیگر، آنان بر اثر پدیدار شدن هر یک از نشانه ها از جهت روحی، جسمی، فردی و اجتماعی، خود را برای شرکت در حکومت حضرت آماده می کنند. از طرف دیگر، بخشی از نشانه های قیام، چون سفیانی و یمانی از امور سیاسی اسلام به حساب می آیند که همگان به خصوص مسئولان باید به آنها توجه کنند و خطر آنها را به حداقل رسانده و به تقویت یاران و همفکران خود پردازند.

### **ج. دلیلی بر حقانیت پیشوایان دین**

با رخداد هر یک از نشانه ها، حقانیت سخن پیشوایان دین، بیشتر نمایان می شود و همچنین باعث اطمینان بیشتر به نشانه های به وقوع نپیوسته و تحقق اصل ظهور می شود.

### **د. روشی برای شناخت و برنامه ریزی درست**

نشانه های قیام مهدی آل محمد علیهم السلام، حوادث آینده بشر است. اهل بیت علیهم السلام با بیان آنها، آینده را پیش روی ما گذاشته اند تا در هنگام رخ دادن هر یک از آنها، برای

مواجهه درست با آنان، برنامه ریزی مناسب را انجام دهیم.

### **ه. روشی برای شناخت مدعیان دروغین**

با شناخت نشانه های واقعی قیام، به سادگی، دروغ بودن ادعاهای کسانی که پیش از تحقق نشانه های حتمی، ادعای مهدویت دارند، روشن می شود. همان گونه که در توفیق آخر، دستور به تکذیب مشاهده حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از ظهور سفیانی و ندای آسمانی داده شده است.

### **و. جلوگیری از انحرافهای فکری**

آدمی، همواره مشتاق شنیدن خبرهایی در مورد آینده است. با طرح این اخبار واقعی از روایات اسلامی، جلوی پخش اخبار کاهنان و غیب گویان شاید گرفته می شود و انسان های باایمان، شناخت درستی از حوادث آینده پیدا می کنند.

### **ز. احترام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیشوازی از آمدن او**

آغاز هر کاری با مقدماتی صورت می گیرد. هر مقدار، آن کار، اهمیت بیشتری داشته باشد، مقدماتش گرانسنگ تر خواهد بود. پروردگار باعظمت برخی از نشانه های قیام، مانند باران های پیاپی و ندای آسمانی را، به پیشوازی نماینده خود و تشکیل دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام می آورد.

### **چهارم. نشانه های قیام و مشخص نبودن زمان ظهور**

بر اساس برخی از احادیث مهدویت، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمی توان به زمان خاصی محدود کرد، بلکه در همه وقت، احتمال ظهور وجود دارد. بیان این روایات:

الف. روایاتی که به مؤمنان توصیه می کنند باید پیوسته در هر صبح و شام، منتظر گشایش باشند.

مثال: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

... توقعوا الفرج صباحاً و مساءً؛ هر صبح و شام، منتظر گشایش باشید. (۱)

ب. احادیثی که ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ناگهانی و در زمانی که انتظار آن نمی رود، مطرح می کنند.

مثال: امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمود:

به پیامبر گرامی اسلام گفته شد: ای رسول خدا، قائم از ذریه شما چه وقت خروج می کند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مثله مثل الساعة لا یجلیها لوقتها إلا هو... لا تأتیکم إلا بغتة؛ مثل زمان خروج قائم اهل بیت علیهم السلام، مانند زمان قیامت است که وقتش را جز خداوند نمی داند... و آن نمی آید مگر به صورت ناگهانی. (۲)

ج. روایاتی که بر اساس آنها، امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در یک شب، اصلاح خواهد شد.

مثال: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

المهدی منا اهل البيت یصلح الله له امره فی ليله؛ مهدی از ما اهل بیت

ص: ۴۳

---

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۷، ح ۴۶۸؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۱۶۵، باب ۱۰، حد ۱.

۲- «عیون اخبار الرضا»، ج ۲، ص ۲۶۶، باب ۶۶، ح ۳۵؛ «بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۱۵۴، باب ۸، حد ۴.

است و خداوند، امرش را در یک شب، درست می کند. (۱)

د. احادیثی که مشخص کنندگان زمان ظهور را تکذیب می کنند.

مثال: وقتی فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام پرسید: آیا برای این امر (ظهور)، وقت مشخصی است؟

امام در پاسخ، سه بار فرمود: «کذب الوقتون» (۲) و در حدیثی دیگر، امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

کذب الوقتون و هلك المستعجلون و نجا المسلمون؛ تعیین کنندگان وقت دروغ گفتند و عجله کنندگان، هلاک شدند و تسلیم شدگان نجات یافتند. (۳)

بر اساس این احادیث، نشانه های قیام قائم آل محمد علیهم السلام به دلیل تعیین کردن وقت و تدریجی بودن وقوعشان در امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی تواند جایگاهی داشته باشد؛ زیرا این امر با مشخص نبودن زمان ظهور و ناگهانی بودن و تکذیب مشخص کنندگان وقت برای ظهور، سازگار نیست.

بیان چند فرض برای پاسخ:

فرض اول: مراد از تعیین وقت برای ظهور، مشخص کردن سال ظهور است، اما ماه و روز ظهور، مشخص باشد. اشکالی وارد نمی کند و در هیچ یک از علایم قیام، سال ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشخص نشده است و کسی نمی داند در چه سالی امر ظهور، رخ خواهد داد؛ به عبارت دیگر، علایم قیام به صورت دقیق و مشخص، وقتی را برای ظهور مشخص نمی کنند و مراد از

ص: ۴۴

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۳۰۲، باب ۶ حد ۴؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۸۰، باب ۲۶، حد ۷.

۲- «اصول کافی»، ج ۱، ص ۳۶۸، حد ۵؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۲۵، حد ۴۱۱.

۳- «اصول کافی»، ج ۱، ص ۳۶۸، حد ۲؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۲۶، حد س ۴۱۳.

توقیت، مشخص کردن وقتِ دقیق، مثلاً پنجاه سال دیگر است. (۱)

این پاسخ، گرچه مشکل توقیت را نسبت به سال پاسخ می دهد، اما ناگهانی بودن امر ظهور را پاسخ نمی دهد.

فرض دوم: در برخی روایات، کلمه «فرج» آمده است که به معنی گشایش است و می تواند مقصود از آن، هر نوع گشایشی برای مؤمنان باشد و اختصاصی به امر ظهور ندارد.

این پاسخ، گرچه دسته ای از احادیث را توجیه می کند و جواب می دهد؛ ولی روایات دیگر، بی پاسخ می ماند.

فرض سوم: اصلاح امر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب و ناگهانی بودن ظهور را می توان با نشانه های قیام جمع کرد و آن، این که علامت های متصل به قیام را جزئی از امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانست؛ به عبارت دیگر، نشانه های متصل به قیام \_ که به فاصله اندکی از قیام حضرت روی می دهد \_ به غلط به عنوان نشانه های ظهور مطرح می شوند؛ در حالی که این نشانه ها، جزئی از فرایند ظهور است؛ نه نشانه هایی قبل از ظهور. برای مثال در روایت داریم: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی ندای آسمانی را می شنوند؛ خارج می شوند؛ (۲) در حالی که زمان ندای آسمانی، بیست و سوم ماه مبارک رمضان گفته شده است و زمان قیام از کنار کعبه، روز دهم محرم.

یا در حدیثی آمده است، حضرت در مدینه به سر می برد که سفیانی با خبر می شود و سپاهی برای یافتن او می فرستد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طرف مکه

ص: ۴۵

---

۱- برگرفته از «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۲۲۰.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳ و ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.



می رود و سپاه سفیانی به دنبال او می آید و در سرزمین بیداء به زمین فرو می روند و آن هنگام، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار کعبه آغاز می شود. (۱) یعنی قبل از قیام حضرت مهدی، ایشان ظهور کرده است؛ به صورتی که دشمنان، از وجود او در مدینه، با خبر می شوند و سپاهی برای دستگیری او می فرستند.

در نتیجه می توان گفت: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اعلان نام مبارکشان آغاز می شود و ایشان، زمینه ها را برای قیام در روز دهم محرم آغاز می کند. و آن چه ناگهانی است، ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و بعد از آن با فاصله اندکی، قیام آغاز می شود و نشانه ها میان این دو قرار دارند؛ یعنی نشانه های قیام، محسوب می شوند؛ نه نشانه های ظهور.

فرض چهارم: چشم به انتظار ظهور بودن در هر حال با واقع شدن آن در هر زمان ملازمت ندارد. چه بسا با پدیدار نشدن آن امر نیز سازگاری داشته باشد. برای مثال: کسی که می داند محبوبش سال دیگر می آید؛ ولی از هم اکنون، هر لحظه منتظر اوست و از تمام وجودش چشم به راهی، مشاهده می شود. برای همین می بینیم، امام جعفر صادق علیه السلام با این که می داند با ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سال ها فاصله دارد، اما این جمله های زیبا را در وصف ایشان، در حالی که اشک از چشمان مبارکشان سرازیر است، بیان می فرماید:

سیدی غیبتک نفت رقادی و ضیقت علی مهادی و ابتزت منی راحه فؤادی سیدی غیبتک اوصلت مصابی بفجائع الأبدو...؛ ای آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بستم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب

ص: ۴۶

---

۱- «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۴۴؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴ حد ۶۷.

کرده است. ای آقای من غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیونده داده است و... (۱).

به نظر می رسد بهترین پاسخ، جواب سوم باشد که در آن، هم ناگهانی بودن ظهور و هم مشخص نبودن وقت ظهور به شکل مناسبی با علایم قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع شده است.

برخی از نویسندگان، بهتر از دیگران این بحث را آورده اند. (۲).

## پنجم. نشانه های حتمی و بداء

### اشاره

با توجه به حتمی بودن ندای آسمانی، آیا احتمال دارد که ندای آسمانی، اتفاق نیفتد و به عبارت دیگر آیا می شود در نشانه های حتمی، بداء حاصل شود؟

در روایتی، داود بن قاسم جعفری می گوید: نزد ابو جعفر، امام جواد علیه السلام بودیم که از سفیانی و حتمی بودن امر او سخن به میان آمد، از ابو جعفر علیه السلام پرسیدم:

هل یبدو لله فی المحتوم؟ قال: نعم؛ آیا در امر محتوم؛ بداء حاصل می شود؟ فرمود: بلی. به آن حضرت گفتم: می ترسم در امر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بداء حاصل شود؟! فرمود: ان القائم فی الميعاد و

ص: ۴۷

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۳۵۲، باب ۳۳، حد ۵۱؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۱۶۷، حد ۱۲۹.

۲- «سفیانی از ظهور تا افول»، ص ۳۱.

الله لا یخلف المیعاد؛ آمدن قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از وعده های الهی است و خداوند، خلف وعده نمی کند. (۱)

این حدیث، بداء را در امور حتمی جایز می شمرد و بر اساس این روایت، احتمال دارد ندای آسمانی، واقع نشود.

قبل از پاسخ دادن به این سؤال، ابتدا چند واژه که به بحث مربوط است، را معنی می کنیم:

- نشانه غیر حتمی: به علامتی گویند که آمدنش متوقف بر فراهم شدن شرایط آن و نبودن مانع است. یعنی اگر شرایط فراهم باشد و مانعی نباشد، به وجود می آیند. در روایت از آن تعبیر به «موقوفه» (۲) شده است. یعنی نشانه ای که آمدنش، متوقف بر چیز دیگری است.

- نشانه حتمی: به علامتی گویند که آمدنش متوقف بر فراهم شدن شرطی یا نبود مانعی نباشد و به طور حتم و صد درصد واقع شود.

به همین دلیل می بینیم علامه مجلسی در توجیه روایت بالا می گوید:

یحتمل أن یكون المراد بالبداء فی المحتوم، البداء فی خصوصیاتہ لا فی اصل وجودہ کخروج السفیان فی قبل ذهاب بنی العباس و نحو ذلك؛ احتمال دارد مراد از واقع شدن بداء در امور محتوم، بداء در خصوصیات آنها باشد؛ نه در اصل

ص: ۴۸

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۴۱۴، باب ۱۸، حد ۱۰.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۱۳، باب ۱۸، حد ۶.

وجود آنها، مانند: خروج سفیانی، قبل از نابودی بنی عباس و مانند آن.<sup>(۱)</sup>

- بداء؛ معنای لغوی بداء، آشکار شدن است.

شیخ طوسی می گوید:

و اما البداء فحقیقته فی اللغه هو «الظهور» و لذلك یقال: «بدا لنا سور المدینه» و «بدا لنا وجه الرأی» و قال الله تعالی «وَوَيْدًا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا»<sup>(۲)</sup> «وَوَيْدًا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا»<sup>(۳)</sup> و یراد بذلك کله «ظهر»؛ حقیقت بداء در لغت به معنی «ظهور» آمده است و برای همین گفته می شود: «بدا لنا سور المدینه»، یعنی دیوارهای شهر برای ما آشکار شد. و «بدا لنا وجه الرأی»، یعنی برای ما مقصود نظر آشکار شد و کلام خدای متعال «و بدا لهم سیئات ما عملوا» و «و بدا لهم سیئات ما کسبوا» و در همه اینها، مراد از «بدا»، ظاهر و آشکار شدن است.<sup>(۴)</sup>

- اگر مراد از «بداء»، آشکار شدن بعد از جهل باشد، در مورد خداوند، درست نیست؛ زیرا خداوند به همه چیز و در همه زمان ها آگاه است، ولی اگر مراد از «بداء» را مانند معنای لغوی، ظهور رأی بدانیم، چه مسبوق به جهل باشد یا نباشد، می توانیم بداء را به خداوند اسناد دهیم. سید مرتضی علم الهدی می گوید:

ص: ۴۹

۱- «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۵۱.

۲- جائیه (۴۵): آیه ۳۳.

۳- زمر (۳۹): آیه ۴۸.

۴- «العده»، ج ۲، ص ۴۹۵.

ی‌مکن حمل ذلک علی حقیقتہ بأن یقال «بدا له تعالی» بمعنی أنه ظهر له من الأمر ما لم یکن ظاهراً له؛ ممکن است کلمه «بدا» را در جمله «بدا له تعالی»، حمل بر معنای حقیقی آن کنیم، یعنی بگوییم در خارج، ظاهر شد امری که سابقاً ظاهر نبود. (۱)

در نتیجه، مراد از بداء در نشانه‌های قیام، رخ دادن امری بر خلاف آن چه در احادیث مطرح شده است، می‌باشد یا این که اصلاً اتفاق نیفتد.

اما پاسخ سؤال:

توجیه علامه مجلسی نمی‌تواند مناسب باشد؛ زیرا خلاف ظاهر روایت است؛ ولی می‌توان گفت:

اولاً. روایت از جهت سند به دلیل مجهول بودن «محمد بن احمد بن عبدالله الخالنجی»، ضعیف محسوب می‌شود.

ثانیاً. بر فرض اعتبار سند با احادیث دیگری که امور حتمی را تغییر ناپذیر معرفی می‌کنند، منافات دارد. (۲)

ثالثاً. «غرض و منظور از قرار دادن نشانه‌ها، آن است که مردم به وسیله آنها، امام غایب خود را بشناسند و از هر کسی که به دروغ، ادعای امامت کند، پیروی ننمایند؛ پس هر گاه، تمام نشانه‌ها تغییر کند و هیچ یک از آنها برای مردم آشکار نگردد، نقض غرض لازم می‌آید و این بر خداوند محال است». (۳)

ص: ۵۰

---

۱- «العده»، ج ۲، ص ۴۹۶؛ «بدا از نظر شیعه»، ص ۳۶.

۲- «الغیبه نعمانی»، باب ۱۸، حد ۴ و ۶ و ۷؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۴۹، حد ۴۵۲.

۳- «مکیال المکارم»، ج ۱، ص ۵۱۲.

رابعاً: می توان از روایات، سه نوع امر را استفاده کرد:

الف. اخباری که اگر شرایط حاصل شود و مانعی نباشد؛ حادث می شوند.

ب. اخباری که تمام شرایطشان حاصل است و مانعی برای تحقق ندارند؛ مگر اراده و خواست الهی.

ج. اخباری که تمام شرایطشان آماده است و مانعی ندارند و خداوند در تغییر آنها دخالت نمی کند؛ گرچه قدرت بر این کار دارد، ولی با صفات ربوبی او نمی سازد. مانند ظلم کردن که خداوند قادر بر آن است، ولی از باری تعالی، محال است: «و لا یظلم ربك احداً»؛<sup>(۱)</sup> چون منافی با عدل الهی است. همچنین وعده الهی که خداوند، خلف وعده نمی کند: «إن الله لا یخلف المیعاد».<sup>(۲)</sup>

امور حتمی از نوع دوم است، یعنی شرایطشان حاصل و مانعی برای تحققشان وجود ندارد، ولی اراده و خواست الهی در تحقق آنها دخیل است.<sup>(۳)</sup> و پروردگار متعال به دلیل اثرهای مطلوب نشانه های حتمی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اثرهای نامطلوب رخ ندادن آنها از تحققشان جلوگیری نمی کند.

### آیا ندای آسمانی از نشانه های حتمی است؟

پاسخ، مثبت است. در احادیث علامت های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ندای آسمانی از حتمیات شمرده شده است و با عبارت های مختلف بیان شده است.

ص: ۵۱

---

۱- کهف (۱۸): آیه ۹۴.

۲- آل عمران (۳): آیه ۹؛ رعد (۱۳): آیه ۳۱.

۳- برگرفته از «دراسه فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء»، ص ۶۰.

بیان عبارت های مختلف دال بر حتمی بودن ندای آسمانی:

۱. واژه «محتوم»: شش حدیث، حتمی بودن ندای آسمانی را بیان کرده اند.

یک حدیث از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت «نعم و النداء من المحتوم»<sup>(۱)</sup> و پنج روایت دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام با عبارت های «النداء من المحتوم»<sup>(۲)</sup>، «من المحتوم الذی لابد أن یكون من قبل قیام القائم»،<sup>(۳)</sup> «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات»،<sup>(۴)</sup> این مطلب را ذکر نموده اند.

از میان این شش حدیث، چهار روایت از جهت سند معتبر می باشند.

۲. ترکیب «نفی» و واژه «حتی»: چهار حدیث با این ترکیب، حتمی بودن ندای آسمانی را مطرح می کنند.

یک روایت از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت «إنه لا یكون حتی ینادی مناد من السماء»<sup>(۵)</sup> و سه حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام با عبارت های «لا یخرج القائم حتی ینادی باسمه»،<sup>(۶)</sup> «إن القائم لا یقوم حتی ینادی مناد من السماء»<sup>(۷)</sup> و «لا یكون هذا الامر الذی تمدون الیه أعناقکم حتی ینادی مناد من السماء»،<sup>(۸)</sup> این مطلب را می رسانند که از میان این چهار حدیث، روایت سوم،

ص: ۵۲

---

۱- «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۱؛ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۱، باب ۱۴، حد ۱۱؛ «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۴.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۶.

۴- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷ حد ۷؛ «الخصال»، ص ۳۰۳، باب ۵، ح ۸۲.

۵- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۵، باب ۱۴، حد ۱۴.

۶- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

۷- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴.

۸- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۴.

از جهت سند، معتبر است.

۳. واژه «لابد»، دو حدیث با این واژه، حتمی بودن ندای آسمانی را می‌رسانند.

یک حدیث از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت «لابد من مناد ینادی باسم رجل»<sup>(۱)</sup> و روایت دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام که عبارت آن در قسمت واژه «محتوم» مطرح شد، این مطلب را بیان می‌کنند. حدیث دوم از جهت سند، معتبر است. این احادیث، حتمی بودن اصل ندای آسمانی را می‌رسانند، ولی بیان‌کننده حتمی بودن خصوصیات ندای آسمانی نیستند. برابر مثال، این حتمی بودن را نمی‌توان به زمان مشخصی تسری داد. یعنی اگر زمان ندا، شب جمعه و بیست و سوم ماه رمضان معرفی می‌شود و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در روز جمعه بیست و سوم ماه رمضان می‌باشد، این مطلب، حتمی نیست و احتمال «بداء» در آن می‌رود و می‌توان هر روز یا شب، منتظر ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود. «توقعوا الفرج صباحاً و مساءً»،<sup>(۲)</sup> ولی اصل ندا، حتماً واقع می‌شود.

### ششم. نمادین یا حقیقی بودن ندای آسمانی

تعدادی از نویسندگان، برخی نشانه‌های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمادین دانسته‌اند آیا می‌توان ندای آسمانی را نیز نمادین دانست یا نه؟

ص: ۵۳

---

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۳، حد ۴۲۳.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۷، حد ۴۶۸.



الف. علامات قیام، واقعی و غیر نمادین هستند و آن چه در روایات اسلامی، مطرح شده است، به همان صورت واقع می شوند.  
ب. نشانه های قیام، نمادین هستند و مراد از آنها بیان مطالب در احادیث به صورت نمادین است؛ نه صریح مطالب طرح شده.  
مثال: برخی از بزرگان، مراد از «دجال» \_ که به عنوان نشانه ای از علایم آخرالزمان مطرح شده است \_ را نمادین دانسته اند.  
آیت الله مکارم شیرازی می نویسد:

بعید نیست دجال با آن صفاتی که گفته شد، اشاره به فریبکاران و رهبران مادی ستم گر در دنیای ماشینی باشد. (۱)

اما آیا در مورد ندای آسمانی، کسی ادعای نمادین و رمزی بودن آن را کرده است یا خیر؟

یکی از فرض هایی را که یک محقق در بیان مراد از «صیحه و فزعه»، مطرح می کند، این است که:

أن يكون المراد بالصيحه و الفزعه معان طبيعیه غیر اعجازیه فالفزعه تعبير عن وجود رعب عام لسبب من الاسباب كتوقع حرب أو وباء مثلاً- و يكون المراد بالصيحه صوت عظیم صادر من بعض القنابل أو الصواريخ أو من اختراق احدی الطائرات حاجز الصوت او انفجار بعض المستودعات... و نحو ذلك؛ این که مراد از صیحه و فزعه، معانی طبیعی غیر اعجازی است. در نتیجه، منظور از «فزعه»، وجود ترس

ص: ۵۴

فراگیری است که آن به سبب جنگ یا وبا حاصل می شود و مراد از «صیحه»، صدای بسیار بلندی است که از بعضی بمب ها یا موشک ها یا از شکستن دیوار صوتی به وسیله برخی هواپیماها یا انفجار بعضی از انبارها و مخازن صورت می گیرد... و مانند آن. (۱)

البته ایشان، این فرضیه را رد می کند و می گوید:

غير أن الأطروحة بعيدة للغاية عن مداليل هذه الأخبار و سياقها العام؛ این فرضیه، بعید است؛ به دلیل دور بودن از مقصود اخبار (صیحه و فزعه) و سازگار نبودن با سیاق آنها. (۲)

نویسنده دیگر این مطلب را به صورت احتمال ذکر می کند و می گوید:

«احتمال دیگر، این است که مقصود از آن دو (صیحه و فزعه)، عذاب دنیوی و جنگ هایی جهانی باشد که توسط بشر، قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد؛ مانند انفجارهای اتمی در سرتاسر عالم در یک زمان؛ به این نحو که اصل این گونه انفجارها در اروپا و آمریکا و روسیه و چین تحقق می یابد؛ به نحوی که همه را به جزع و فزع و می دارد، ولی مسلمین از آن در امانند و تنها صدایش به گوش آنان می رسد.» (۳)

ولی در پایان می گوید:

«با نظری به مجموع احادیث «صیحه و فزع و ندای آسمانی» پی می بریم که تمام آنها به یک معنای مشترک اشاره دارند؛ گرچه با تعابیر

ص: ۵۵

---

۱- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۲۶.

۲- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۲۶.

۳- «موعود شناسی و پاسخ به شبهات»، ص ۵۳۰.

مختلف آمده اند و بر این ادعا می توان شواهدی اقامه نمود: الف. صیحه و ندا، هر دو به جبرئیل نسبت داده شده است. ب. وقت هر دو در یک زمان، یعنی شب جمعه، بیست و سوم ماه رمضان معین شده است. ج. آثار این دو، یکسان بیان شده است. (۱)

و در مقاله ای نیز «ندای آسمانی»، نمادین معرفی شده است: در این نوشتار آمده است: «گرچه پدیدار شدن ندای آسمانی به گونه معجزه، مانعی ندارد، ولی تحقق آن به طور طبیعی هم امکان دارد و لزومی ندارد که آن را پیچیده و حمل بر معجزه کنیم. در عصر صدور این روایات، پیش بینی چنین حوادثی، فوق العاده عجیب و تحقق عادی آن غیر ممکن می نموده، ولی در جهان امروز، واقع شدن چنین پدیده ای امری بسیار طبیعی و عادی است. با استفاده از ماهواره و ابزارهای پیشرفته صوتی و تصویری فرستنده های قوی و مدرن تلویزیونی، رادیویی و وسایل و ابزار پیشرفته قوی که امکان دارد در آینده به کار گرفته شود، به آسانی و همزمان می توان فریاد حق را به گوش همه جهانیان رساند. بر این اساس، منظور از جبرئیل که در برخی روایات آمده، سخن گوی حق و مراد از شیطان، سخن گوی باطل است. امروز، استکبار جهانی با استفاده از همین ابزار در گمراهی مردم و ادامه سلطه خویش بهره می برد و سرسختانه، مردم را به حمایت از باطل دعوت می کند.» (۲)

این احتمال در مورد «صیحه و فزعه» مطرح شده است؛ ولی با توجه به جنبه های مختلف احادیث «صیحه و ندای آسمانی» در می یابیم که گرچه

ص: ۵۶

---

۱- «موعود شناسی و پاسخ به شبهات»، ص ۵۳۱

۲- بررسی نشانه های ظهور؛ «چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ص ۲۸۷.

ندای آسمانی، حالت عادی و طبیعی ندارد و معجزه ارتباطی محسوب می شود؛ چون همگان با زبان مادری، این ندا را به صورت یکسان می شنوند که جبرئیل امین علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با نام و نسب معرفی می کند؛ ولی غیر عادی بودن آن دلیل بر این نیست که ما آن را نپذیریم؛ زیرا اولاً، صدای بامحتوا و خصوصیات مطرح شده و از جبرئیل امین علیه السلام بودن آن نمی تواند حاصل از انفجار یا صداهای مانند آن باشد. و ثانیاً، گرچه روش حجت های الهی در تبلیغ و اجرای دین به صورت عادی و طبیعی بوده است؛ ولی برای اثبات حقانیت خود از معجزاتی سود می برند و این معجزات در همه ادیان الهی مطرح و ثابت شده است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای شناساندن خود به جهانیان و اثبات حقانیت خویش، نیازمند این معجزه ارتباطی است.

ص: ۵۷

### اشاره

برخی از آیات قرآن کریم به وسیله احادیثی از پیشوایان معصوم علیهم السلام بر ندای آسمانی تفسیر یا تطبیق داده شده اند. در این جا به برخی از این آیات می پردازیم:

### آیه اول:

### اشاره

«إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (۱)

ترجمه: اگر بخواهیم، از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم تا گردن هایشان در برابر آن فروتن شود.

### تفسیر اجمالی آیه

این آیه، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «لعلک باخع نفسک ألا یكونوا مؤمنین»؛ چه بسا تو جانت را می فرسایم که چرا (مشرکان) ایمان نمی آورند. ابوالفتوح رازی می گوید:

ص: ۵۸

سبب نزول آیت آن بود که رسول صلی الله علیه و آله و سلم، اهل مکه را دعوت کرد و ایشان ایمان نمی آوردند، رسول، دل تنگ شد و اثر رنج او پیدا می شد. خدای تعالی گفت: خویشان را هلاک خواهی کردن؛ برای آن که ایشان ایمان نمی آورند. (۱)

در ادامه آیه می فرماید: اگر خداوند بخواهد می تواند همه مشرکان را وادار به ایمان اجباری کند.

### جایگاه آیه در بحث مهدویت

در میان احادیث ائمه علیهم السلام، نه روایت، مراد از آیه را «صیحه» یا «ندای آسمانی» (۲) و دو حدیث، مراد از آن را «فزع» می دانند (۳) و یک روایت از ابن عباس، مراد از این آیه را برپایی دولت اهل بیت علیهم السلام و سرنگونی دولت بنی امیه می داند (۴) و روایتی از امام محمد باقر علیه السلام، مراد از آیه را رکود خورشید از هنگام زوال تا عصر دانسته است. (۵)

در میان احادیثی که مراد از «آیه» را صیحه یا ندای آسمانی بیان می کنند، پنج روایت با سند صحیح وجود دارد که در این جا به بیان دو حدیث

ص: ۵۹

---

۱- «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۴، ص ۳۰۲.

۲- «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۱۱۸؛ «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۳؛ «الغیبه نعمانی»، باب ۱۴، حد ۱۹ و ۲۰ و ۲۳؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۳، ص ۱۸۱، حد ۱۲؛ «تأویل الآیات الظاهره»، ج ۱، ص ۳۸۶، حد ۲.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۰، باب ۱۴، حد ۸؛ «تأویل الآیات الظاهره»، ج ۱، ص ۳۸۴.

۴- «شواهد التنزیل»، ج ۱، ص ۵۴۰.

۵- «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۳.

از این روایات می پردازیم.

حدیث اول؛ روایت حسن بن زیاد صیقل از امام جعفر صادق علیه السلام :

إن القائم لا يقوم حتى ينادى مناد من السماء، تسمع الفتاه في خدرها و يسمع اهل المشرق و المغرب و فيه نزلت هذه الآية «إن نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين»<sup>(۱)</sup>؛ فرمود: همانا قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف قیام نمی کند؛ مگر این که منادی از آسمان ندا می دهد، دختران پرده نشین و اهل مشرق و مغرب، آن را می شنوند و در مورد آن، این آیه ان نشأ... نازل شده است.

حدیث دوم؛ روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام :

قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام، فسمعت رجلاً من همدان يقول له: إن هؤلاء العامه يعيروننا و يقولون لنا، انكم تزعمون أن منادياً ينادى من السماء باسم صاحب هذا الامر و كان متكئا فغضب و جلس ثم قال: لا ترووه عني و ارووه عن أبي و لا حرج عليكم في ذلك، اشهد أني قد سمعت أبي عليه السلام يقول: والله إن ذلك في كتاب الله عزوجل لبين حيث يقول: «إن نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين» فلا يبقى في الارض يومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبتة لها...؛<sup>(۲)</sup> عبدالله بن سنان می گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم، شنیدم مردی از همدان به حضرت می گوید: همانا آنان، یعنی عامه، ما را

ص: ۶۰

---

۱- «الغيبه شيخ طوسي»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴.

۲- «الغيبه نعماني»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

مسخره می کنند و به ما می گویند: شما گمان می کنید منادی از آسمان به اسم صاحب این امر ندا می دهد؟! عبدالله بن سنان می گوید: امام در حالی که تکیه داده بود، ناراحت شد و صاف نشست، سپس فرمود: از من روایت نکنید و از پدرم روایت کنید و این مطلب برای شما اشکالی ندارد. شهادت می دهم همانا من از پدرم شنیدم که می فرمود: به خدا قسم، این مطلب در کتاب خدای عزوجل، واضح است. سپس آیه را تلاوت فرمود، و فرمود: پس در آن وقت، کسی در زمین نمی ماند؛ مگر این که گردش در مقابل آن خاضع و فروتن می شود.

هر دو روایت از جهت سند، معتبر هستند و تمامی راویان آنها توثیق شده اند. و مصداق آیه را ندای آسمانی معرفی می کنند.

### دیدگاه مفسران

تفسیر آیه با آن چه در این روایات مطرح شده است، مناسبت ندارد؛ به همین دلیل، مفسران در پی پاسخ این اشکال بر آمده اند.

علامه طباطبایی در مورد این روایات می گوید:

فی تفسیر القمی فی قوله تعالی «ان نشأ نزل علیهم...» حدثنی ابی عن ابن ابی عمیر، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: تخضع رقابهم یعنی بنی امیه و هی الصیحه من السماء باسم صاحب الأمر، أقول؛ و هذا المعنی رواه اللکینی فی روضه الکافی و الصدوق فی کمال الدین و المفید فی الارشاد و الشیخ فی الغیبه و الظاهر أنه من قبیل الجری دون التفسیر لعدم مساعده



سیاق آیه علیه؛ در تفسیر قمی ذیل آیه «ان نشأ نزل...» می گوید: پدرم از ابن ابی عمیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود: گردن هایشان- یعنی بنی امیه- با اعلان صیحه آسمانی به نام صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف نرم و خاضع می شود. می گویم این معنا را کلینی در روضه کافی و صدوق در کمال الدین و مفید در ارشاد و شیخ در الغیبه روایت کرده اند و ظاهر این روایات، از باب جری و تطبیق است؛ نه از باب تفسیر؛ چون سیاق آیه با تفسیر بودن آن نمی سازد. (۱)

- این حدیث در تفسیر قمی از ابن ابی عمیر از هشام از امام صادق علیه السلام نقل شده است. (۲)

آیت الله مکارم شیرازی در این مورد می نویسد:

روشن است که منظور از این روایات، بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه است که سرانجام به هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رهبر حکومت جهانی، تمام حکومت های ظلم و جور - که خط بنی امیه را ادامه می دهند - به حکم اجبار در برابر قدرت مهدی و حمایت های الهی او سر تسلیم فرود می آورند. (۳)

### جمع بندی و نتیجه گیری

مشاهده شد که اهل تفسیر، «ندای آسمانی» را از باب جری و تطبیق و بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه دانسته اند، یعنی مفهوم آیه، این است که:

ص: ۶۲

---

۱- «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۵، ص ۲۵۴.

۲- «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۱۱۸.

۳- «تفسیر نمونه»، ج ۱۵، ص ۱۸۸.

خداوند هر وقت بخواهد معجزه ای از آسمان می فرستد تا گردن ها در برابر آن فرو افتد و تسلیم امر خدا شوند. اتفاقاً «ندای آسمانی»، این ویژگی ها را داراست. یعنی اولاً، از طرف خداوند است و ثانیاً، حالت اعجاز دارد و ثالثاً، باعث کرنش و پذیرش ابتدایی همگان می شود. در روایت آمده است: «فلا یبقی فی الأرض یومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبتة لها(۱)»؛ بر روی زمین در آن روز کسی باقی نمی ماند؛ مگر این که در برابر این معجزه آسمانی، گردنش افتاده و تسلیم می شود. اما این یک مصداق خارجی است از مفهوم وسیع آیه ۴ سوره شعراء که در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می افتد و بنابر کثرت روایات در مورد آن شاید بتوان گفت مهم ترین مصداق آیه است.

پاسخ به یک سؤال:

خداوند، کسی را از روی اجبار دعوت به پذیرش ایمان نمی کند. شیخ طوسی می گوید:

لکن ذلک نقیض الغرض بالتکلیف لأنه تعالی لو فعل ذلک لما استحقوا ثواباً و لامدحاً؛ ایمان اجباری، مقصود از تکلیف را نقض می کند؛ زیرا خدای تعالی اگر این کار را بکند، دیگر مستحق ثواب و مدح نخواهد بود.(۲)

به همین دلیل، وی انجام این کار را از خداوند نفی می کند.

اما وقتی در آیات قرآن می نگریم، در مورد بنی اسرائیل می خوانیم:

ص: ۶۳

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۲- «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج ۸، ص ۵.

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ وقتی که کوه (طور) را بر سر آنان برافراشتیم، گویی سایبانی بود و گمان بردند که بر آنان فرو خواهد افتاد (و گفتیم) آن چه به شما داده ایم با قوت بگیرید و آن چه در آن هست، به خاطر بسپارید؛ شاید که تقوا، پیشه کنید. (۱)

در نتیجه، خداوند، بنی اسرائیل را مجبور به ایمان و پذیرش دستورات تورات می کند؛ وقتی آنان به دلیل سختی شریعت از پذیرفتن آن سرباز می زدند.

شیخ طوسی می گوید:

و كان سبب رفع الجبل عليهم ان موسى عليه السلام لما اتاهم بالتوراه و وقفوا على ما فيها من الأحكام و الحدود و التشديد في العباده أبوا أن يقبلوا ذلك و ان يتمسكوا به و ان يعملوا بما فيه و قالوا: إن ذلك يغلظ علينا، فرجع الله الجبل كالظله عليهم و عرفهم موسى انهم إن لم يقبلوا التوراه و لم يعملوا بما فيها وقع عليهم فأخذوا بالتوراه و قبلوا ما فيها و صرف الله نزول الجبل عليهم؛ دليل قرار گرفتن کوه بر آنان این بود که وقتی حضرت موسی علیه السلام تورات را برایشان آورد و از احکام و حدود آن آگاه شدند و سختی عبادت و پذیرش آن را فهمیدند، از پذیرفتن آن امتناع ورزیدند و گفتند: این کار بر ما سخت و

ص: ۶۴

سنگین است. پس خداوند، کوه را مانند سایبانی بر روی آنان افراشت و حضرت موسی علیه السلام به آنان فهماند که اگر تورات را نپذیرید و به دستوره‌های مطرح شده در آن عمل نکنید، کوه بر شما فرود می‌آید. به همین دلیل، آنان، تورات را پذیرفتند و خداوند، فرود آمدن کوه را از آنان بازداشت. (۱)

مشاهده می‌شود که شیخ، طوسی ایمان اجباری نسبت به بنی اسرائیل را می‌آورد و هیچ اعتراضی نسبت به بی‌ارزش بودن آن یا توجیهی برای آن نمی‌آورد. در آیه مورد بحث، انجام ندادن معجزه‌ای از پروردگار برای خضوع کردن‌ها استفاده نمی‌شود و در این آیه آمده است: «إِنْ نَشَأْ»؛ اگر بخواهیم، یعنی به مشیت و خواست پروردگار بستگی دارد. پس احتمال دارد همان طور که خداوند نسبت به بنی اسرائیل، این کار را انجام داد نسبت به این امت نیز انجام دهد، یعنی معجزه‌ای از آسمان فرو فرستد و همگان را در برابر آن تسلیم و خاضع کند.

در تفسیر نمونه، این سؤال مطرح شده که آیا ایمان آوردن در این حال (کوه طور بالای سر) جنبه اجباری ندارد؟ و پاسخ می‌دهد: «شک نیست که در آن حال، یک نوع اضطرار بر آنان حکومت می‌کرده، ولی مسلماً بعداً که خطر بر طرف شد، راه را با اختیار خود می‌توانستند انتخاب کنند.» (۲) و این مطلب در مورد ندای آسمانی نیز صادق است؛ یعنی گرچه ندا باعث کرنش ابتدایی همگان می‌شود؛ ولی بعداً هر شخصی راه خود را انتخاب می‌کند.

ص: ۶۵

---

۱- «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۲۵.

۲- «تفسیر نمونه»، ج ۶، ص ۲۳۸.

«وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» (۱)

ترجمه: و اگر آیه ای - معجزه ای - ببینند، روی بگردانند و گویند جادویی پایدار است.

### تفسیر اجمالی آیه

این آیه در مورد «شق القمر» است که پیامبر گرامی اسلام به اذن پروردگار، ماه را دو پاره کرد - و از این معجزه در این آیه یاد شده است که خداوند خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید مشرکان وقتی معجزه می بینند، به جای ایمان آوردن به پیامبری تو، روی برمی گردانند و می گویند: این سحری مستمر است.

تعبیر «مستمر»، اشاره به معجزات مکرری است که از پیامبر گرامی اسلام دیده بودند که شق القمر در ادامه آنها بود و آنان، همه را بر تداوم سحر حمل می کردند و از پذیرش حق، سر باز می زدند. (۲)

### جایگاه آیه در بحث مهدویت

دو حدیث، این آیه را به مباحث مهدویت ربط داده است. (۳) گرچه این دو روایت از دو راوی متفاوت، یعنی عبدالله بن سنان و عبدالصمد بن بشیر از

ص: ۶۶

۱- قمر (۵۴): آیه ۲.

۲- برگرفته از «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج ۹، ص ۴۴۳؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۲۱۴، حد ۱۰۲۶۱.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹ و ص ۲۶۹، حد ۲۰؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۲، باب ۲۶، حد ۴۰.

امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده اند؛ ولی به دلیل شباهت در محتوا، یک روایت با دو نقل متفاوت محسوب می شوند و یکی از این نقل ها؛ یعنی سندی که به عبدالله بن سنان ختم می شود، معتبر است.

عبدالله بن سنان می گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که مردی از همدان گفت: عامه، ما را سرزنش می کنند و می گویند: (قسمت اول حدیث در صفحات قبلی گذشت)... امام در ادامه فرمود:

فاذا كان من الغد صعد ابليس في الهواء حتى يتواري عن اهل الأرض، ثم ينادي «ألا إن الحق في عثمان بن عفان و شيعته فإنه قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه» قال: فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت على الحق و هو النداء الأول و يرتاب يومئذ الذين في قلوبهم مرض و المرض و الله عداوتنا فعند ذلك يتبرؤون منا و يتناولونا فيقولون، إن المنادي الأول سحر من سحر اهل هذا البيت، ثم تلا ابو عبدالله عليه السلام قول الله عزوجل «و إن يروا آية يعرضوا و يقولوا سحر مستمر؛ فردای آن روز، ابليس در آسمان بالا می رود تا این که از اهل زمین ناپدید می شود، سپس ندا می دهد: «همانا حق با عثمان بن عفان و شيعه اوست، همانا او مظلوم کشته شد؛ انتقام خونش را بگیرید». سپس فرمود: خداوند، اهل ایمان را به قول ثابت و حق، ثابت قدم می دارد و آن ندای اول است و کسانی که در دل هایشان مرض است، در آن وقت شک می کنند و آن بیماری، به خدا قسم، دشمنی با ماست و در آن هنگام از ما بیزار می جویند و می گویند منادی اول، سحری از سحر اهل بیت (علیهم السلام) است، سپس امام صادق علیه السلام این آیه را

تلاوت فرمود: «وإن يروا آية يعرضوا ويقولوا سحر مستمر»<sup>(۱)</sup>.

## جمع بندی و نتیجه گیری

امام صادق علیه السلام در این روایت، سخن تردید کنندگان در ندای آسمانی را تشبیه به تردید کنندگان در معجزه پیامبر گرامی اسلام و شق القمر کرده است. به عبارت دیگر، آیات قرآن کریم، فقط برای مورد شأن نزول و زمان پیامبر گرامی اسلام نیست، بلکه طبق روایات پیشوایان دین در تمامی زمان ها جاری است.<sup>(۲)</sup> بنابراین، انکار معجزه آسمانی ندای آسمانی توسط معاندان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می تواند یکی از مصادیق این آیه شریفه باشد. به عبارت دیگر، مفهوم آیه، انکار معجزه آسمانی و سحر دانستن آن بود و یکی از مصادیق آیه نیز در آستانه ظهور ظهور روی می دهد و پیروان باطل، ندای آسمانی را انکار کرده و آن را سحر می نامند. و بدین وسیله از پذیرش آن سر باز می زنند.

## آیه سوم:

## اشاره

«فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ (۸) فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹) عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (۱۰)»<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و هنگامی که در شیپور دمیده می شود. و آن روز، روز سختی است

ص: ۶۸

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹؛ «البرهان»، ج ۵، ص ۲۱۷، حد ۱۰۲۶۷.

۲- «عیون اخبار الرضا علیه السلام»، ج ۲، ص ۸۷، باب ۲۲، حد ۳۲.

۳- مدثر (۷۴): آیات ۸ و ۹ و ۱۰.

که برای کافران، آسان نیست.

### تفسیر اجمالی آیه

ناقور از ماده «نقر» است. راغب می نویسد: «النقر قرع الشیء المفضی إلى النقب»؛ (۱) نقر، کوبیدن چیزی است که باعث سوراخ شدن آن شود و می گوید منقار، آن است که با آن می کوبند؛ مانند منقار پرنده. و به شیپور از آن جهت که صدای آن، گوش انسان را سوراخ می کند و صدایش بر گوش، کوبیده می شود، «ناقور» گفته می شود.

از آیات قرآن فهمیده می شود که در پایان دنیا و آغاز رستاخیز، دوبار در صور دمیده می شود، یعنی دو صدای فوق العاده وحشت انگیز و تکان دهنده که اولی، صدای مرگ و دومی، صدای بیداری و حیات است که سراسر جهان را فرا می گیرد و از آن به نفخه صور اول و نفخه صور دوم تعبیر می شود و آیه مورد بحث به نفخه دوم اشاره دارد که رستاخیز با آن بر پا می شود و روز سخت و سنگینی برای کافران است. (۲)

### جایگاه آیه در بحث مهدویت

در روایتی از جابر بن یزید جعفری از امام محمد باقر علیه السلام می خوانیم:

قال: قوله عزوجل: «فاذا نقر فی الناقور»، قال: الناقور هو النداء من السماء، ألا إن ولیکم فلان بن فلان القائم بالحق ینادی به جبرئیل فی ثلاث ساعات من ذلك الیوم. «فذلك یومئذ یوم عسیر علی الکافرین غیر یسیر» یعنی بالکافرین

ص: ۶۹

---

۱- «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۵۰۳، ماده نقر.

۲- برگرفته از «تفسیر نمونه»، ج ۲۵، ص ۲۱۸.



المرجئه الذين كفروا بنعمه الله و بولايه على بن ابى طالب عليه السلام ؛ فرمود: كلام خدای عزوجل: «فاذا نقر فى الناقور»، مراد از ناقور، ندای آسمانی است که آگاه باشید همانا مولای شما، فلانی، فرزند فلانی، قائم به حق است. جبرئیل امین در سه وقت از آن روز، این ندا را می دهد و مراد از «فذلك يومئذ...»؛ یعنی کافران مرجئه ای که نعمت خدا و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را نمی پذیرند. (۱)

روایت از جهت سند، مرسل است و ضعیف محسوب می شود و از جهت دلالت، مراد از «ناقور» را ندای آسمانی معرفی می کند که جبرئیل امین علیه السلام به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سه بار از آسمان ندا می دهد. و این مطلب نیز با روایات ندای آسمانی سازگار نیست.

### جمع بندی و نتیجه گیری

همان طور که بیان شد، مراد از دمیده شدن در «ناقور»، نفخه صور دوم است و مراد از آن، در این حدیث، ندای آسمانی است. شاید بتوان ندای آسمانی را از جهاتی به نفخه صور تشبیه کرد و آن این که ندا به وسیله یکی از فرشتگان بزرگ الهی داده می شود که خبر از آمدن موعود جهانی می دهد و آن، روز سختی برای کافران و دشمنان اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یعنی زوال حکومت باطل آنان. همچنین صور، به وسیله یکی از فرشتگان بزرگ الهی دمیده می شود و آن روز، روز سختی برای کافران و

ص: ۷۰

---

۱- «تأویل الآيات الظاهره»، ج ۲، ص ۷۳۲؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۵۲۵، حد ۱۱۱۹۹.

دشمنان اهل بیت علیهم السلام است؛ چرا که در سرای محشر به حساب آنان رسیدگی می شود و آنها روانه دوزخ می شوند.

در احادیث دیگری، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اذن خداوند به ایشان در امر قیام، مصداقی از دمیده شدن در ناقور دانسته شده است. (۱)

می توان این امور را به دلیل تأثیرات مشترکی که بر جای می گذارند، به دمیدن در صور تشبیه کرد. یا این که معنای آیه را عام گرفت و ندای آسمانی و این موارد را جزو مصادیق آن دانست و البته، مصداق کامل تر آن، دمیده شدن در صور است. به هر حال. این سخن با مضمون احادیث مطرح شده، سازگارتر است.

## آیه چهارم:

### اشاره

«وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱) يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ (۴۲)» (۲)

ترجمه: و گوش فرا ده، روزی که ندا دهنده از مکانی نزدیک، ندا می دهد. روزی که بانگ را به حق می شنوند، آن، روز بیرون آمدن است.

### تفسیر اجمالی آیه

این آیات که آخرین آیات سوره «ق» محسوب می شوند، همانند سایر آیات این سوره بر مسئله معاد و رستخیز مردگان دلالت دارد. گرچه مخاطب در

ص: ۷۱

۱- «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۵۲۴، حد ۱۱۱۹۶ و ۱۱۱۹۸؛ «ینایع الموده»، ص ۵۱۵، باب ۷۱.

۲- ق (۵۰): آیات ۴۱ و ۴۲.

«استمع»، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ ولی مسلماً مقصود، همه انسان ها هستند. نداده‌نده، همان «اسرافیل علیه السلام» است که در صور می دمدم. تعبیر به مکان قریب نیز اشاره به این مطلب است که صدا، آن چنان در فضا پخش می شود که گویی بیخ گوش همه دمیده می شود و همه، آن را یکسان می شنوند. مراد از «صیحه»، به قرینه «ذلک یوم الخروج»، نفخه صور دوم است؛ یعنی صدایی که مردگان با آن بر می خیزند و محشر برپا می شود. (۱)

### جایگاه آیه در بحث مهدویت

در حدیثی که به صورت مرسل از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، آمده است:

قال: ینادی المنادی باسم القائم و اسم ایبه علیهما السلام و الصیحه فی هذه الآیه صیحه من السماء و ذلک یوم خروج القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ فرمود: منادی به اسم قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدرش علیه السلام ندا می دهد و صیحه در این آیه، همان صیحه از آسمان است و آن، روز خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۲)

در تفسیر قمی نیز آمده است:

قوله «و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب» قال: ینادی المناد باسم القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اسم ایبه علیه السلام، قوله «یوم یسمعون الصیحه بالحق ذلک یوم الخروج» قال صیحه القائم من السماء، «ذلک یوم الخروج»، قال: هی الرجعه؛ مراد از کلام خدای متعال «و

ص: ۷۲

---

۱- برگرفته از «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۸، ص ۸۱ و «تفسیر نمونه»، ج ۲۲، ص ۲۹۶.

۲- «ینایع الموده»، ص ۵۱۴، باب ۷۱.

استمع یوم...»، منادی است که به اسم قائم و اسم پدرش ندا می دهد و مراد از «یوم یسمعون الصیحه...»، صیحه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان است و مراد از «ذلک یوم الخروج»، رجعت است. (۱)

در حدیث دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام، مراد از «یوم الخروج»، رجعت بیان شده است. (۲)

بررسی سندی و دلالتی: روایت اول که به صورت مرسل نقل شده و ضعیف است و روایت دوم از علی بن ابراهیم نقل شده و به معصوم نسبت داده نشده است. در حدیث اول، مراد از «یناد مناد» را ندای آسمانی به اسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مراد از «صیحه» را صیحه آسمانی و «یوم الخروج» را خروج ایشان گرفته است. در روایت دوم نیز همین نکات وجود دارد؛ با این تفاوت که مراد از «صیحه»، صیحه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان، معرفی می شود و مراد از «یوم الخروج»، رجعت معرفی می شود.

### جمع بندی و نتیجه گیری

می توان از باب تشبیه، ندای آسمانی را شبیه نفخه صور دوم دانست که در آیه قبلی، وجه آن بیان شد. یا این که مراد از «یناد المناد» و «الصیحه» را معنای عامی گرفت که یکی از مصادیق آن، ندای آسمانی و مصداق دیگر آن، هنگام رجعت و مصداق بارزتر و کامل تر آن دمیده شدن در صور و زنده شدن مردگان باشد؛ زیرا دوران برپایی حکومت عدل جهانی، نمونه کوچکی از قیامت است که مؤمنان از نعمت های آن بهره مند می شوند و کافران به

ص: ۷۳

---

۱- «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲- «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۳۲۷.

سزای اعمالشان می رسند و زمین و اهل آن حیات دوباره می گیرند؛ همان طور که در دوران رجعت \_ هر چند به صورت محدود \_ مردگان از قبر خارج، و مؤمنان، بهره مند و کافران، عقوبت می شوند.

## آیه پنجم:

### اشاره

«أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (۱)

ترجمه: فرمان خداوند رسید، به شتابش نخواهید، او منزّه و برتر است از هر چه شریکش قرار می دهند.

### تفسیر اجمالی

بخش مهمی از آیات آغازین سوره نحل در مکه نازل شده است، یعنی در همان ایامی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکان و بت پرستان، درگیری شدیدی داشت. از جمله، این که هرگاه آن حضرت، آنان را به عذاب الهی انداز می کرد، آنان می گفتند «أئتنا بعذاب الله»؛ اگر راست می گویی، عذاب خداوند را بیاور. این آیه در پاسخ آنان آمده است که عجله نکنید؛ فرمان خداوند برای مجازات مشرکان و بت پرستان فرا خواهد رسید. (۲)

### جایگاه آیه در بحث مهدویت

در روایت معتبری راجع به این آیه، محتوای ندای جبرئیل علیه السلام، بعد از بیعت او با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عنوان شده است. ابان بن تغلب از امام جعفر صادق علیه السلام

ص: ۷۴

---

۱- نحل (۱۶): آیه ۱.

۲- برگرفته از «التبيان في تفسير القرآن»، ج ۶، ص ۳۵۷؛ «تفسير نمونه»، ج ۱۱، ص ۱۵۱.

نقل می کند که فرمود:

اول من یبایع القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جبرئیل، ینزل فی صوره طیر ابیض فیبایعه، ثم یضع رجلاً علی بیت الله الحرام و رجلاً علی بیت المقدس ثم ینادی بصوت طلق تسمعه الخلائق «أتی امر الله فلا تستعجلوه»؛ اولین کسی که با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیعت می کند، جبرئیل علیه السلام است که به صورت پرنده سفیدی نازل می شود و بیعت می کند، سپس یک پا بر روی بیت الله الحرام و پای دیگر بر روی بیت المقدس می گذارد و با صدای بلندی که همه آفریدگان می شنوند، ندا می دهد: «أتی امر الله فلا تستعجلوه».<sup>(۱)</sup>

در روایت دیگری، امام جعفر صادق علیه السلام، مراد از «امر» در آیه را ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان می کند.<sup>(۲)</sup>

### جمع بندی و نتیجه گیری

این ندا که در بعضی از روایات مطرح شده، ندای بعد از بیعت جبرئیل علیه السلام است و ندای آسمانی، مورد بحث نیست، ولی جداگانه در بخش سوم به آن پرداخته می شود. به هر صورت، گرچه شأن نزول آیه در مورد مشرکان و بت پرستان مکه در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و امر خداوند در آن زمان پیروزی پیامبر اکرم و مسلمانان بر آنان و فتح مکه بود، اما آیه، مفهوم گسترده ای دارد و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا اعلان ظهور ایشان نیز می تواند از مصادیق آیه باشد که آن حضرت به امر الهی می آید و مشرکان و کافران

ص: ۷۵

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۸۹، باب ۵۸، حد ۹؛ «تفسیر العیاشی»، ج ۲، ص ۲۵۴، حد ۳ به جای «طلق»، کلمه «رفیع» دارد.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۰۴، باب ۱۱، ح ۹.

را در سراسر گیتی خوار و زبون می کند و به همین دلیل، جبرئیل امین متن آیه را در آن روز ندا می دهد و نابودی اهل باطل را اعلام می کند.

ص: ۷۶

از جمله سؤالاتی که در زمینه ندای آسمانی مطرح می شود، این است که آیا ندای آسمانی، سابقه تاریخی دارد؟ یا در ادیان دیگر مطرح شده است یا خیر؟ پاسخ، مثبت است و این پیشینه را می توان از دو جهت مورد بحث قرار داد:

### الف. پیشینه ندای آسمانی در ادیان قبل از اسلام

دانشمند یهودی، «جولیوس کرینستون» به ندای آسمانی در دین یهود، پیش از آمدن مسیحا اشاره می کند. ایشان بعد از شمردن فعالیت های الیاس (پیش آهنگ مسیحا) می گوید:

سپس جهان که از گناه و تیره روزی، رنجور است، حقیقتاً به خدا روی خواهد آورد و صدای شیپور میکائیل، رئیس فرشتگان را خواهند شنید که آمدن مسیحا را اعلام می کند».<sup>(۱)</sup>

او درباره «ملاکی» می گوید: [همچنین وی اندیشه تازه ای را می افزاید که متکلمان یهودی و مسیحی، آن را بسیار توسعه داده اند و آن، آمدن

ص: ۷۷

---

۱- «انتظار مسیحا در آیین یهود»، ص ۶۵.



الیاس نبی است. «ملاکی» او را «فرشته عهد» می شناسد که فرا رسیدن روز بزرگ خداوند را اعلام خواهد کرد و میان پدران و فرزندان، آشتی خواهد داد.<sup>(۱)</sup>

سخن ملاکی در این مورد:

«اینک من ایلای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند، نزد شما خواهم فرستاد. و او دل پدران را به سوی پسران و دل پسران را به سوی پدران خواهد برگردانید، مبدا بیایم و زمین را به لعنت بزنم».<sup>(۲)</sup>

«کریستون» در بخش پایانی کتاب با عنوان «انتظار مسیحا در دعاهاى یهود» می نویسد:

مناجات «یوتصروت» که برای سبتهای ممتاز سال است و تنها در کامل ترین نمازها آمده است، بهترین بیان از اندوه ملی قوم یهود را ارائه می دهد، در بخشی از این مناجات آمده است: «... دختر صهیون، حقیقتاً شادمانی خواهد کرد؛ زیرا مسیحا می آید. باکره اسرائیل از شادی فریاد خواهد زد؛ زیرا میکائیل فرشته به زودی از ستیغ کوه صدا در خواهد داد: یک منجی برای صهیون آمده است».<sup>(۳)</sup>

دوران ظهور ماشیح در کتاب «گنجینه ای از تلمود» این گونه توصیف شده است:

یک روایت چنین نقل می کند: طی دوران هفت ساله ای که

ص: ۷۸

---

۱- «انتظار مسیحا در آیین یهود»، ص ۳۷.

۲- ملاکی، ۴: ۵، ۶.

۳- «انتظار مسیحا در آیین یهود»، ص ۱۸۳.

ماشیح، فرزند داود در آن ظهور خواهد کرد... در سال ششم، صداهایی از آسمان به گوش خواهد رسید و در سال هفتم، جنگ ها در خواهند گرفت و در پایان این دوران هفت ساله، فرزند داوود، ظهور خواهد کرد.<sup>(۱)</sup>

کتاب های مسیحیان نیز اشاراتی به صدای آسمانی دارند:

در «انجیل متی» آمده است:

آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین، سینه زنی کنند و پسرانشان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید. و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد.<sup>(۲)</sup>

و در رساله اول پولس به تسالونیکیان آمده است:

«زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست.»<sup>(۳)</sup>

و در مکاشفه یوحنا آمده است:

و فرشته ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد و به آواز بلند می گوید:

«از خدا بترسید و او را تمجید نمایید؛ زیرا که زمان داوری او رسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و

ص: ۷۹

---

۱- «گنجینه ای از تلمود»، ص ۳۵۵.

۲- متی ۲۴: ۳۰، ۳۱.

۳- تسالونیکیان ۱: ۱۶.

چشمه های آب را آفرید، پرستش کنید.»<sup>(۱)</sup>

## ب. پیشینه ندای آسمانی در تاریخ اسلام

### اشاره

وقتی به تاریخ اسلامی نگاه می کنیم، می بینیم در گذشته، ندای آسمانی و ندای ابلیس اتفاق افتاده. و در تاریخ و روایات، ثبت شده است. در این جا به بیان برخی از آنها می پردازیم:

### اول: ندای آسمانی جبرئیل علیه السلام در بیان شجاعت حضرت علی علیه السلام

در کتب تاریخی و روایی نقل شده است که وقتی حضرت علی علیه السلام، در جنگ احد آن رشادت ها و از خود گذشتگی را نشان داد، جبرئیل امین علیه السلام از آسمان ندا داد: «لا سیف الا ذوالفقار، و لا فتی الا علی» و کسانی که در آن جا بودند آن ندا را از آسمان شنیدند.

بیان برخی از اسناد این مطلب:

۱. احتجاج امیرالمؤمنان علی علیه السلام در روز شوری

آن حضرت می فرماید: نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ نَادَى لَهُ مِنْ السَّمَاءِ، «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی» غیری؟ قالوا: اللهم لا؛<sup>(۲)</sup> خدا را بر شما گواه می گیرم آیا برای کسی از شما غیر از من در احد، منادی از آسمان ندا داد «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی»، همه گفتند به خدا قسم نه.

همچنین آن حضرت در احتجاج با ابوبکر، این منقبت خود را مطرح می کند.<sup>(۳)</sup>

ص: ۸۰

۱- مکاشفه یوحنا ۱۴: ۶.

۲- «الخصال»، ج ۲، ص ۶۰۷.

۳- «الخصال»، ج ۲، ص ۶۰۰.

۲. امام جعفر صادق علیه السلام در توصیف ذوالفقار می فرماید:

«... و كان سيفاً نزل به جبرئيل عليه السلام من السماء و كانت حلقته فضه و هو الذي نادى به مناد من السماء، لا سيف الاذوالفقار و لا فتى الا على»؛<sup>(۱)</sup> ذوالفقار شمشیری بود که جبرئیل علیه السلام از آسمان آورد و حلقه آن از نقره بود و این همان شمشیری است که برای آن ندا دهنده از آسمان ندا داد «لا سيف الاذوالفقار و لا فتى الا على».

۳. ابی رافع می گوید:

«مازلنا نسمع اصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقولون نادى فى يوم احد من السماء، لا سيف الاذوالفقار و لا فتى الا على»؛<sup>(۲)</sup> مکرر از اصحاب رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم می شنیدیم که می گویند: در روز احد، منادی از آسمان ندا داد «لا سيف الاذوالفقار و لا فتى الا على».

۴. سخن عبدالله بن مسعود در این مورد:

زيد بن وهب به او می گوید: پایداری علی علیه السلام در آن جا (احد)؛ مایه تعجب است. ابن مسعود گفت: «فقال: إن تعجبت من ذلك فقد تعجبت منه الملائكة أما علمت إن جبرئيل عليه السلام قال فى ذلك اليوم و هو يعرج الى السماء لا سيف الاذوالفقار و لا فتى الا على، قلت: فمن أين علم ذلك من جبرئيل عليه السلام فقال: سمع الناس صايحاً يصيح فى السماء بذلك فسألوا النبى صلى الله عليه و آله و سلم عنه، فقال: ذاك جبرائيل»؛<sup>(۳)</sup> اگر تو از این تعجب می کنی، به تحقیق، ملائک از آن تعجب کردند.

ص: ۸۱

---

۱- «علل الشرايع»، ج ۱، ص ۱۶۰، باب ۱۲۹، ح ۲؛ «معانى الاخبار»، ص ۶۳، ح ۱۲.

۲- «الارشاد»، ج ۱، ص ۸۷.

۳- «الارشاد»، ج ۱، ص ۸۳.

مگر نمی دانی جبرئیل در آن روز در حالی که به آسمان می رفت، گفت: لا- سیف الا- ذوالفقار و لا فتی الا علی، گفتم: از کجا فهمیدند ندای جبرئیل است؟ ابن مسعود پاسخ داد: مردم، صدای بلندی را شنیدند که از آسمان، این مطلب را فریاد می زند از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مورد آن سؤال کردند، حضرت فرمود: این صدای جبرئیل است.

سخن پایانی در این مورد را از ابن ابی الحدید معتزلی نقل می کنیم:

قال: و سمع ذلك اليوم صوت من السماء لا يرى شخص الصارخ به ينادي مراراً؛ لا سيف الاذوالفقار و لا فتی الا علی، فسئل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عنه، فقال: هذا جبرائيل؛ (۱) در آن روز (احد)، صدایی از آسمان شنیده شد، ولی فریاد زننده دیده نشد، او پشت سر هم ندا می داد «لا سيف الاذوالفقار و لا فتی الا علی». از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این مطلب سؤال شد، فرمود: این جبرئیل علیه السلام است.

در ادامه، ابن ابی الحدید می نوسد این خبر را جماعتی از محدثان، روایت کرده اند و آن از اخبار مشهور است. این مطلب را در برخی از نسخه های مغازی محمد بن اسحاق دیده ام و در برخی از نسخه ها نبود. آن را نداشت. از شیخ و استادم عبدالوهاب بن سکینه در مورد این خبر پرسیدم، گفت: خبر صحیحی است. پرسیدم: پس چرا در صحاح نیامده است؟ گفت: آیا هر خبر صحیحی در کتب صحاح آمده است؟ چه بسیار از اخبار صحیحه که جمع کنندگان صحاح از آوردن آن غفلت کرده اند. این جریان را ابن هشام و

ص: ۸۲

### دوم: ندای جبرئیل امین در شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام

علامه مجلسی می گوید: در بعضی از کتب قدیمی، روایتی در باب چگونگی شهادت حضرت علی علیه السلام دیدم و از آن، مقداری را به صورت خلاصه آوردم. این روایت را ابوالحسن علی بن عبد الله بن محمد البکری از لوط بن یحیی، از اساتید و پیشینیانش نقل کرده است. علامه مجلسی، در قسمتی از این نقل، ندای جبرئیل امین علیه السلام را بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام به این صورت می آورد:

ونادی جبرئیل علیه السلام بین السماء و الارض بصوت یسمعه کل مستیقظ؛ تهدمت و الله أركان الهدی، و انطمست و الله نجوم السماء و اعلام التقی، و انفصمت و الله العروه الوثقی، قتل ابن عم محمد المصطفی، قتل الوصی المجتبی، قتل علی المرتضی، قتل و الله سید الأوصیاء، قتله أشقی الأشیاء؛ جبرئیل امین علیه السلام، بین آسمان و زمین ندا داد با صدایی که هر فرد بیدار، آن را می شنید: به خدا سوگند! پایه های هدایت منهدم شد، ستارگان آسمان و نشانه های تقوا به خدا سوگند، خاموش شدند و ریسمان های محکم به خدا قسم پاره شدند، پسر عموی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم کشته شد، وصی برگزیده کشته شد، علی مرتضی

ص: ۸۳

---

۱- «السیره النبویه»، ج ۲، ص ۱۰۰؛ «تاریخ الامم و الملوک»، ج ۲، ص ۵۱۴.

کشته شد، به خدا سوگند، سید الاوصیاء کشته شد، او را اشقی الأشیاء کشت. (۱)

نکته قابل توجه این که این خبر را علامه مجلسی به نقل از کتاب «ابوالحسن علی بن عبدالله بن محمد» می آورد و او بنابر آن چه نجاشی ذکر می کند، کتابی به نام «الصفینیات و الکوفیات» داشته است که محتوای آن، زندگانی امیرمؤمنان علی علیه السلام است. نجاشی، «علی بن عبدالله» را ضعیف و فاسد المذهب معرفی می کند و در مورد کتابش می گوید: بعضی از اصحاب ما به من گفته اند این کتاب، کتاب ملعونی است و در آن، در هم آمیختگی عظیمی واقع شده است. (۲)

### سوم: ندای ابلیس در عقبه

وقتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در کنار جمره عقبه با اهل یثرب، پیمان بست و آنها با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بیعت کردند، ابلیس، فریادی کشید و مشرکان مکه را از این پیمان مخفیانه آگاه کرد. این مطلب، یعنی ندای ابلیس، در کتاب های مختلفی از شیعه و عامه نقل شده است که در این جا به برخی از آن ها می پردازیم:

۱. قطب الدین راوندی می گوید:

«... فلما اجتمعوا و بايعوا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، صاح ابليس؛ يا معشر قريش و العرب هذا محمد و الصباه من الأوس و الخزرج علی جمره العقبه يبایعونه علی

ص: ۸۴

---

۱- «بحار الانوار»، ج ۴۲، ص ۲۸۲؛ «المجالس الفاخره»، ص ۳۲۸.

۲- «رجال النجاشی»، ص ۲۶۶، ش ۶۹۲؛ «معجم رجال الحدیث»، ج ۱۲، ص ۸۲، ش ۸۲۷۷.

حربکم، فأسمع أهل منى فهاجت قريش وأقبلوا بالسلاح وسمع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، النداء، فقال: للأَنْصار تفرقوا...»(۱). وقتی انصار جمع شدند و با رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بیعت کردند، ابلیس با صدای بلند، اعلان کرد: ای بزرگان قریش و عرب، این محمد و صابئیان از اوس و خزرج هستند که در کنار جمره عقبه با او بیعت می کنند تا با شما بجنگند. اهل منی، این صدا را شنیدند و قریش متوجه شدند و سلاح هایشان را برداشتند. از طرف دیگر، پیامبر گرامی اسلام، صدا را شنید و به انصار فرمود: پراکنده شوید.

۲. ابن هشام از ابن اسحاق و او با واسطه از «کعب بن مالک» نقل می کند که گفت:

«كان أول من ضَرَبَ علي يد رسول الله صلى الله عليه وسلم، البراء بن معرور، ثم بايع بعد القوم، فلما بايعنا رسول الله صلى الله عليه وسلم، صرخ الشيطان من رأس العقبة بأنفذ صوت سمعته قط، يا اهل الجباب، والجباب، المنازل، هل لكم في مذمم و الصباه معه قد اجتمعوا على حربكم قال، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم، هذا أرب العقبة، هذا ابن أزيب، تسمع اي عدو الله، أما والله لأفرغن لك، قال: ثم قال رسول الله صلى الله عليه وسلم؛ ارفضوا علي رحالكم...»؛ اولین کسی که با رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بیعت کرد، «براء بن معرور» بود، سپس بقیه بیعت کردند. وقتی با رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بیعت کردیم، شیطان از ابتدای عقبه فریاد زد به بالاترین صدایش. ای اهل منازل(۲) آیا شما غافلید و صابئیان با او برای جنگ با شما جمع شده اند. رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

ص: ۸۵

۱- «قصص الانبياء»، ص ۳۳۲، فصل ۸، ح ۴۱۳.

۲- «السيرة النبوية»، ج ۱، ص ۴۴۷.



این شیطان عقبه است، سپس فرمود: بشنو ای دشمن خدا، به خدا قسم از دورت پراکنده می شوند، سپس فرمود: به کاروان هایتان برگردید.

این مطلب را طبری (۱) و ابن کثیر دمشقی (۲) و دیگران در کتب تاریخی خود نقل کرده اند.

ص: ۸۶

---

۱- «تاریخ الامم و الملوک»، ج ۲، ص ۳۶۴.

۲- «البدایه و النهایه»، ج ۳، ص ۱۶۴.

بخش دوم: معرفی ندای آسمانی

اشاره

ص: ۸۷

### الف. منادی «ندا دهنده»

پنج حدیث، ندا دهنده را جبرئیل امین علیه السلام معرفی می کنند که با عبارت های: «هی صیحه جبرئیل علیه السلام»،<sup>(۱)</sup> «هو صوت جبرئیل علیه السلام»،<sup>(۲)</sup> «صوت جبرئیل علیه السلام من السماء»،<sup>(۳)</sup> «ینادی به جبرئیل»<sup>(۴)</sup> مطرح شده است. هر پنج روایت از جهت سند ضعیف هستند، ولی به دلیل تظافر آنها و نداشتن مخالفی می توان پذیرفت که ندای آسمانی به وسیله جبرئیل امین علیه السلام سر داده می شود.

### ب. مکان ندای آسمانی

#### اشاره

اغلب روایات مربوط به ندا، به آسمانی بودن آن با عبارت های مختلف اشاره دارند. برای نمونه: «ینادی مناد من السماء»، «النداء من السماء»، «ینادی

ص: ۸۸

- 
- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳، و باب ۱۶ حد ۶.
  - ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، ح ۴۶۲.
  - ۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۳.
  - ۴- «تأویل الآیات الظاهره»، ص ۷۰۸؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۴، ص ۴۰۰؛ «المحججه»، ص ۲۳۸.

باسمه من السماء» «الصيحة من السماء» «الصوت من السماء» و «المنادی من السماء»، «صوت جبرئیل من السماء» و... بر این مطلب دلالت می کنند.

در یک روایت، عبارت متفاوتی آمده است. ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

... ولا يخرج القائم حتى ينادى باسمه من جوف السماء...؛<sup>(۱)</sup> و قائم علیه السلام خارج نمی شود مگر این که به نام او از وسط آسمان ندا می دهد.

در این حدیث، کلمه «جوف» به آسمان اضافه شده است که اشاره به وسط آسمان بودن و نیز مکان ندای آسمانی است.

### دو برداشت از آسمانی بودن ندای آسمانی

۱. مراد از آسمانی بودن ندا، یعنی از روی زمین نیست، بلکه از آسمان است.

۲. مراد از آسمانی بودن ندا، یعنی این ندا از طرف خداوند است. این صوت توسط جبرئیل امین علیه السلام و از طرف پروردگار متعال است و به سبب الهی بودن، آسمانی شمرده می شود و در مقابل هر امری که از طرف خداوند نباشد و در مسیر باطل قرار گیرد، زمینی شمرده می شود؛ گرچه از آسمان اعلان شود.

برای مثال، در بیشتر احادیث مکان ندای ابلیس (که در مقابل ندای آسمانی، ندا می دهد)، زمین معرفی شده است، ولی در دو حدیث \_ که یکی

ص: ۸۹

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

از آنها از جهت سند معتبر است \_ مکان آن را این گونه از آسمان معرفی می کنند؛ روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام:

... فاذا كان من الغد صعد ابليس في الهواء حتى يتواري عن اهل الأرض ثم ينادى...؛(۱)

فردای آن روز (روز اعلان ندای آسمانی)، ابلیس در هوا بالا می رود؛ به صورتی که از اهل زمین پنهان می شود، سپس ندا می دهد.

در این حدیث، مکان ندای ابلیس، آسمان معرفی می شود، ولی بیشتر روایات، مکان آن را زمین معرفی می کنند. این تناقض ظاهری را می توان با برداشت دوم توجیه کرد؛ گرچه منافاتی ندارد که ندای جبرئیل امین علیه السلام، هم از وسط آسمان باشد و هم از آن جا که الهی است، آسمانی محسوب شود.

### ج. زمان ندای آسمانی

#### اشاره

یکی از مباحث مهم در مورد ندای آسمانی، زمان آن است. این بحث از چند جهت قابل طرح است:

یکم؛ زمان مطرح شده در احادیث برای ندای آسمانی؛

دوم؛ حوادث قبل از ندای آسمانی؛

سوم؛ حوادث بعد از ندای آسمانی.

#### یکم: زمان مطرح شده در احادیث برای ندای آسمانی

#### اشاره

در روایات، «ماه»، «روز» و «چه زمانی از شب یا روز» ندای آسمانی

ص: ۹۰

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹ و ص ۲۶۹، حد ۲۰.

### سؤال اول، ندای آسمانی در چه ماهی واقع می شود؟

نُه حدیث بر رخ دادن «ندا» در ماه مبارک رمضان دلالت می کنند. این احادیث با عبارت های: «صیحه فی شهر رمضان» (۱) و «الصیحه لاتكون الا فی شهر رمضان»، (۲) «يكون الصوت فی شهر رمضان»، (۳) «قلت رمضان؟ قال: شهر الله تعالی و فيه ینادی باسم صاحبکم و اسم ابيه»، (۴) «صیحه من السماء فی شهر رمضان»، (۵) «حتی ینادی باسمه من جوف السماء فی ليله ثلاث و عشرين فی شهر رمضان»، (۶) «ینادی اسمه ليله ثلاث و عشرين»، (۷) «الصیحه التي فی شهر رمضان»، (۸)، «ینادی باسم القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فی ليله ثلاثه و عشرين من شهر رمضان» (۹) و «ان القائم ینادی باسمه ليله ثلاثه و عشرين من شهر رمضان» (۱۰) آمده است.

در یکی از این روایات، کلمه «رمضان» نیامده است؛ ولی با قرینه «لیله ثلاث و عشرين» فهمیده می شود که مراد از آن، ماه مبارک رمضان است. از میان این نُه حدیث، سه حدیث، از جهت سند معتبر هستند که عبارت های

ص: ۹۱

- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۷.
- ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.
- ۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.
- ۴- «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۷۲، باب ۲۵، حد ۱۶۵.
- ۵- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۵۹۷، باب ۳۲، حد ۷.
- ۶- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.
- ۷- «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۲، ح ۴۵۸.
- ۸- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۶ و ص ۵۵۹، حد ۱۶.
- ۹- «اثبات الهداه»، ج ۳، ص ۵۷۰، باب ۳۲، ف ۴۴، حد ۶۸۷؛ «تراثنا»، سال چهارم، عدد دوّم، ص ۲۱۷، حد ۲۰.
- ۱۰- «کفایه المهتدی»، ص ۶۶۸، ذیل حد ۳۹.

اول و هشتم و نهم از آن احادیث ذکر شده است؛ هر چند به دلیل کثرت روایات، نیازی به بحث سندی نیست.

### سؤال دوم، ندای آسمانی در چه روزی واقع می شود؟

در میان احادیث ندای آسمانی، شش روایت، زمان ندا را شب بیست و سوم می دانند. این روایات با عبارت های: «لیله ثلاث و عشرين»، «لیله الجمعة لثلاث و عشرين» و «لیله ثلاثه و عشرين» بر این مطلب دلالت می کنند. همچنین سه حدیث بر شب جمعه بودن این ندا دلالت دارند که با عبارت «لیله جمعه» (۱) و «لیله الجمعة» (۲) بر این مطلب دلالت می کنند. در میان احادیث دلالت کننده بر شب بیست و سوم، دو حدیث با سند معتبر و در میان روایات دلالت کننده بر شب جمعه، یک حدیث معتبر وجود دارد.

### سؤال سوم، ندای آسمانی در چه زمانی از شب یا روز واقع می شود؟

نکته دیگری که در مورد زمان ندای آسمانی قابل بررسی است، روز یا شب واقع شدن این نداست. روایاتی که پیش تر بیان شد، همگی بر واقع شدن ندای آسمانی در شب دلالت داشت و تعابیری چون: «لیله ثلاث و عشرين» و «لیله جمعه» در این مورد آمده بود. در مقابل این احادیث، چندین روایت، زمان ندای آسمانی را روز مطرح می کنند. سؤال اصلی در این قسمت، چگونگی جمع میان این احادیث است. در آغاز، واژه ها و عبارت های مطرح شده در روایات دلالت کننده بر روز بودن ندای آسمانی بیان می شود. این

ص: ۹۲

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳ و باب ۱۶ حد ۶.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۶ و ح ۱۶.

احادیث با عبارت های: «ینادی مناد من السماء فی اول النهار»،<sup>(۱)</sup> «ینادی مناد من السماء اول النهار»<sup>(۲)</sup> و «ینادی مناد... اول النهار»<sup>(۳)</sup> بر این مطلب دلالت می کنند.

از میان پنج حدیثی که در این مورد آمده است، سه روایت، از جهت سند، معتبر هستند که با دو عبارت اول آمده اند. حال چگونگی می توان میان این دو دسته از احادیث \_ که یکی، زمان ندا را شب، و دسته دیگر، روز مطرح می کنند \_ جمع کرد. راه هایی برای جمع میان اینها می توان پیشنهاد کرد:

فرض اول؛ شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، شب قدر است و در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: «لیله القدر فی کل سنه و یومها مثل لیلتها»؛<sup>(۴)</sup> شب قدر در هر سال واقع می شود و روز آن مانند شب آن است. بنابراین، روز بیست و سوم، جزئی از شب آن حساب شده است و از اول شب بیست و سوم تا غروب روز بیست و سوم، شب قدر محسوب می شود.

در این صورت، ندای آسمانی در اول روز بیست و سوم واقع می شود که قسمتی از شب قدر است.

فرض دوم؛ مراد از شب در «لیله ثلاث و عشرین» و «لیله جمعه»، هنگام طلوع فجر باشد.

ص: ۹۳

---

۱- «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۱؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۱.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵.

۳- «الکافی»؛ ج ۸، ص ۱۷۷، حد ۲۵۳.

۴- «التهذیب»، ج ۴، ص ۳۳۱، باب ۷۲، ح ۱۰۱.



زیرا هنگام طلوع فجر، قدر مشترکی میان شب و روز محسوب می شود و در فضیلت نماز صبح هنگام طلوع فجر چندین روایت نقل شده است که دلیل این فضیلت را حضور ملائکه شب و ملائکه روز می دانند.<sup>(۱)</sup> بنابراین، اگر ندای آسمانی، هنگام طلوع فجر اعلان شود، هم اطلاق «شب بیست و سوم» بر آن صحیح است و هم اطلاق «روز»؛ به خصوص این که روایات دلالت کننده بر واقع شدن ندای آسمانی در روز، همگی قید «أول النهار» را دارند و اول روز، هنگام طلوع فجر است.

فرض سوم؛ اختلاف زمان ندای آسمانی به حساب مکانهاست، یعنی به دلیل اختلاف افق ها؛ گرچه ندای آسمانی، یکی است و یک بار اعلان می شود، ولی در یک جا اول شب بیست و سوم است و در جای دیگر، آخر شب و در یک جا اوایل روز بیست سوم و اختلاف مطرح شده در احادیث به این دلیل است.

فرض چهارم؛ تکرار ندای آسمانی است. یعنی ندای آسمانی اول در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، و ندای آسمانی دوم در اول روز است، یعنی در اول روز بیست و سوم، ندای دوم به حقانیت علی علیه السلام و پیروانش داده می شود.

گویا با اعلان ندای اول، بسیاری از مردم جهان، باز حضرت را نمی شناسند، ولی با ندای دوم و با توجه به شناختی که از شیعیان دارند، می فهمند که مراد از ندای اول، همان امام دوازدهم است که می آید.

ص: ۹۴

---

۱- «الكافی»، ج ۳، ص ۲۸۲، حد ۲ و ص ۴۸۷، حد ۲ و ج ۸، ص ۳۴۰، حد ۵۳۶؛ «من لا یحضره الفقیه»، ج ۱، ص ۲۱۱، ش ۶۴۳؛ «تفسیر العیاشی»، ج ۲، ص ۳۰۹، حد ۱۳۹ و ۱۴۱.

فرض پنجم؛ تکرار ندای آسمانی است، یعنی ندای آسمانی اول در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به معرفی نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد و ندای آسمانی دوم در اول روز است، اما روز آن مشخص نیست و احتمال دارد روز آن، هنگام قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دهم محرم باشد که روایاتی بر این مطلب دلالت می کنند.<sup>(۱)</sup>

شواهدی که دلالت بر تکرار ندای آسمانی می کنند، عبارتند از:

۱. محتوای ندای آسمانی شب بیست و سوم با محتوای ندای آسمانی اول روز تفاوت دارد. در اولی، محتوا، معرفی نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و در دومی، محتوای ندا، بر حق بودن علی علیه السلام و شیعیان ایشان یا رستگاری آنان است.

۲. احادیثی بر تکرار ندای آسمانی دلالت می کنند. روایتی از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام، ندای جبرئیل امین را سه بار در طول روز مطرح می کند که محتوای ندا، معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب است. در این حدیث آمده است:

قال: قوله عز وجل، «فاذا نقر فی الناقور» قال: «الناقور»، هو النداء من السماء، ألا إنَّ وليکم فلان بن فلان القائم بالحق ینادی به جبرئیل فی ثلاث ساعات من ذلك الیوم....<sup>(۲)</sup>

ص: ۹۵

---

۱- این احادیث و بحث درباره آنها در صفحات بعد در بحث حوادث بعد از ندای آسمانی آمده است.

۲- «تأویل الآیات الظاهره»، ج ۲، ص ۷۳۲؛ «المحججه»، ص ۲۳۸؛ «البرهان»، ج ۴، ص ۴۰۰.

فرمود: فرموده خدای عزوجل، «آنگاه که در شیپور دمیده شود» فرمود: ناقور ندای از آسمان است، که به هوش همانا ولی (و رهبر) شما فلان بن فلان قائم بر حق است جبرائیل در سه ساعت از این روز به این مطلب ندا در می دهد.

این حدیث از جهت سند، ضعیف است و به صورت مرسل در کتب متأخر ذکر شده است. و از جهت دلالت، با مدعای ما سازش ندارد؛ زیرا تکرار ندا را سه بار می داند و آن هم در روز و با یک محتوا.

در حدیث دیگری آمده است که زراره بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند:

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ينادى مناد من السماء، إن فلاناً هو الأمير و ينادى مناد؛ إن علياً و شيعته هم الفائزون، قلت: فمن يقاتل المهدي بعد هذا؟ فقال: إن الشيطان ينادى...؛ شنیدم ابا عبد الله عليه السلام فرمود: منادی از آسمان ندا می دهد: به درستی که فلانی؛ همان امیر است و منادی ندا می دهد: همانا علی و شیعه او همان رستگاران هستند. گفتم: پس چه کسی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نبرد می کند؟ (با دیدن این معجزات) فرمود: همانا شیطان ندا می دهد: به درستی که فلانی و شیعه او همان رستگاران هستند (۱)....

در این روایت که از جهت سند، معتبر است، گرچه به زمان ندای آسمانی اشاره نشده است، ولی تکرار ندا را ثابت می کند و در مقابل دو ندای آسمانی،

ص: ۹۶

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۴، باب ۲۶، حد ۴۶.

یک ندای شیطانی نیز مطرح می شود. این حدیث با روایات معرفی ندا در شب بیست و سوم و ندای آسمانی در اول روز، سازگار است؛ زیرا در احادیثی که زمان ندا را شب مطرح می کرد، به معرفی نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است و ندای اول در این حدیث، معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و احادیثی که زمان ندا را اول روز بیان می داشت، محتوای ندا را بر حق بودن علی علیه السلام و پیروانش یا رستگاری آنان می دانست و محتوای ندای دوم در این روایت، بر حق بودن و رستگاری علی علیه السلام و شیعیان ایشان است.

### نظر اندیشمندان در این مورد

نویسنده کتاب «تاریخ ما بعد الظهر»، قائل به یک ندای آسمانی است و وجود دو ندا را نمی پذیرد و حتی فرق در محتوای ندا را توجیه می کند و قائل به جمع یا کنار گذاشتن یکی از دو محتوا می شود. به هر صورت، ایشان ندای آسمانی را یک نداء؛ آن هم در یک زمان و در بیست و سوم ماه مبارک رمضان می داند. ایشان می گوید:

و بعد حمل المطلق علی المقید و المجمل علی المفصل، ما یلی: ۱. إنّ المراد من النداء الذی هو من المحتوم هو نداء جبرائیل باسم القائم ۲. إنّ المراد من النداء بالحق لیس إلّا ذلک، ۳. إنّ صحیحه جبرئیل هی هذا النداء ایضاً؛ (۱) بعد از حمل مطلق بر مقید و مجمل بر مفصل، مطالب ذیل به دست می آید: ۱. مراد از ندایی که از امور محتوم است، همان ندای

ص: ۹۷

جبرئیل علیه السلام به نام قائم علیه السلام است؛ ۲. مراد از ندای برحق، جز این نیست؛ ۳ صیحه جبرئیل علیه السلام نیز همین نداء است.

نویسنده کتاب «مهدی منتظر علیه السلام»، قائل به سه ندای آسمانی در ماه رجب، دو ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان و دو ندای دیگر در ماه رمضان و ندای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه ذی حجه است که همگان می شنوند و ندای جبرئیل در ذی حجه بعد از بیعت و ندای دیگری در روز عاشورا به امارت حضرت و چند ندای دیگر شده است؛ ولی ایشان ندای آسمانی در ماه رمضان را دارای اهمیت و کثرت اخبار و حتمی بودن دانسته و می نویسد:

اما ندای اول: ندایی است که در شب خواهد بود، در شب بیست و سوم، جبرئیل چنان صیحه ای زند که همه عالم بشنوند و خوابیده ها بیدار شوند و همه به فرغ در آیند و به این جهت، این ندا را صیحه و فرعه نیز نامیده اند... و اما ندای دوم: حتمی است، اگرچه اخباری که در خصوص این نداست، تصریح ندارد که نداکننده، جبرئیل است، بلکه همین اندازه که منادی از آسمان ندا خواهد کرد، اما در اخبار مطلقه که در اصل ندا است، تصریح دارد به این که نداکننده، جبرئیل است... این ندای دوم در اول روز است در همان روز بیست و سوم، اما به نام امیرالمؤمنین علیه السلام. (۱)

نویسنده کتاب «الامام المهدی من المهدی الی الظهور» قائل به تعدد نداهای آسمانی شده و می نویسد:

ص: ۹۸

و يستفاد من مجموع الاحاديث التي ستقرأها، أنّ النداءات السماوية متعددة و متباعدة من حيث الزمان و مختلفه من حيث اللفظ و المعنى، فالنداء الاول يكون في شهر رجب، و النداء الثاني يكون في شهر رمضان و النداء الثالث يكون في شهر محرم؛ ايشان، ندهای آسمانی را متعدد و از جهت زمان با فاصله از همدیگر و از جهت محتوا، متفاوت از حيث لفظ و معنى معرفى مى کند و قائل به وجود سه ندا مى شود: ندای اول در ماه رجب و ندای دوم در ماه رمضان و ندای سوم در ماه محرم. (۱)

اما آن ندایی که اهمیت بیشتری دارد و از علایم حتمی حساب می شود، ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان است:

والظاهر من الأحاديث أن الصيحه التي لها الأهمية الكبرى و التي تعتبر من العلائم المحتومه هي التي تكون في شهر رمضان؛ از احاديث به دست می آید، صيحه ای که بیشترین اهمیت را دارد و از علایم حتمی محسوب می شود، آن است که در ماه رمضان رُخ می دهد. (۲)

### جمع بندی و نتیجه گیری

به نظر می رسد اگر به دلیل شواهدی که بیان کردیم، قائل به تکرار ندای آسمانی شویم. باید قائل به توالی و پشت سر هم بودن دو ندای

ص: ۹۹

---

۱- «الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف من المهد الى الظهور»، ص ۴۰۹.

۲- «الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف من المهد الى الظهور»، ص ۴۰۹.

آسمانی شویم؛ به صورتی که یکی محسوب شوند؛ زیرا وقتی ندای ابلیس در مقابل ندای آسمانی مطرح می شود، در روایات از مخاطبان خواسته شده است که از صدای اول پیروی کنید و نمی گوید از صداهای اول و دوم پیروی کنید. سه حدیث که یکی از آنها از جهت سند، معتبر است، به بیان این مطلب می پردازند. و آن را با واژه های: «الصوت الأول»<sup>(۱)</sup>، «للصوت الأول»<sup>(۲)</sup>، «النداء الأول»، «المنادی الأول» بیان می کنند. دو عبارت پایانی از موثقه عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است.<sup>(۳)</sup>

## دوم: حوادث قبل از ندای آسمانی

### اشاره

برای آشنایی بیشتر با زمان وقوع ندای آسمانی، دانستن حوادث قبل از آن لازم است، اما قبل از بیان این مطلب، نکته ای ضروری به نظر می رسد که بیان شود و آن، این که:

برای مثال؛ در حدیثی می خوانیم:

خمس قبل قیام القائم من العلامات؛ الصیحه و السفیانی و الخسف بالیداء و خروج الیمانی و قتل النفس الزکیه؛ قبل از قیام قائم علیه السلام، پنج علامت است: صیحه و سفیانی و خسف بیداء و خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه.<sup>(۴)</sup>

ص: ۱۰۰

- 
- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.
  - ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۳، ذیل حد ۴.
  - ۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹؛ «المحججه»، ص ۱۵۷.
  - ۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۶، حد ۴۲۷.

آیا تقدم و تأخر بیان مطالب در این گونه روایات، دال بر تقدم و تأخر وقوع زمانی آنهاست، یعنی بنا بر حدیث بالا که صحیحه، قبل از سفیانی ذکر شده، آیا ابتدا صحیحه واقع می شود، بعد سفیانی و یا این که تقدم و تأخر بر این مطلب دلالت نمی کند؟ پاسخ ما دومی است و می گوییم؛ تقدم و تأخر بیان مطالب در این احادیث، دلالت بر تقدم و تأخر در وقوع خارجی آنها ندارد؛ زیرا در احادیث دیگر، همین علامات به گونه ای متفاوت با این حدیث در چینش، ذکر شده اند. روایت بالا از عمر بن حنظله از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. همین روایت با سند دیگری از عمر بن حنظله از امام جعفر صادق علیه السلام به صورت ذیل بیان شده است:

قبل قیام القائم خمس علامات محتومات، الیمانی و السفیانی و الصیحه و قتل النفس الزکیه و الخسف بالیداء. (۱)

در این حدیث، بر خلاف روایت بالا «صحیحه» بعد از «سفیانی» ذکر شده است. این روایت در نقل سوم به صورت دیگری آمده است:

خمس علامات قبل قیام القائم، الصیحه و السفیانی و الخسف و قتل النفس الزکیه و الیمانی... (۲)

همان طور که مشاهده می شود، سه نقل متفاوت از یک راوی، باعث این مقدار جابه جایی شده است و این سه نقل از جهت سند، معتبر و در

ص: ۱۰۱

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۷.

۲- «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۳.



کتاب های معتبر آمده است. اگر روایت های دیگر را در این ترتیب شمارش با این سه حدیث مقایسه کنیم، تفاوت ها افزایش می یابد. بنابراین، ذکر علامتی در قبل یا بعد از علامت دیگر نمی تواند نشان گر قبل یا بعدیت زمانی آن علامت باشد.

## بیان حوادث قبل از ندای آسمانی

### ۱. اختلاف بنی عباس

دو حدیث به این نشانه اشاره دارند و هر دو از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده اند.

حدیث اول از «بنی عباس» با عنوان «بنی فلان» یاد شده است. در این حدیث آمده است:

«لیس فرجکم الا- فی اختلاف بنی فلان، فاذا اختلفوا فتوقعوا الصیحه فی شهر رمضان و خروج القائم إن الله یفعل ما یشاء...؛ گشایش شما نیست مگر در اختلاف بنی فلان، پس وقتی اختلاف کردند، منتظر صیحه در ماه رمضان و خروج قائم علیه السلام باشید. همانا خدا آن چه بخواهد انجام می دهد.» (۱)

و در روایت دوم آمده است:

یا جابر الزم الارض و لا تحرك يداً و لا رجلاً حتی تری علامات أذکرها لک إن ادرکتها، اولها اختلاف بنی العباس و ما اراک تدرک ذلک و لکن حدث به من بعدی عنی و مناد

ص: ۱۰۲

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

ینادی من السماء و...؛ ای جابر، ملازم زمین باش و دست و پایی حرکت نده (کنایه از حرکت نکردن برای افراد مدعی مهدویت تا علامت هایی که برایت می شمارم اگر درک کردی ببینی، اولین آنها اختلاف بنی عباس است و نمی بینم آن را درک کنی؛ ولی برای بعد از من از طرف من، آن را ذکر کن و منادی که از آسمان ندا می دهد و ....(۱)

حدیث دوم از جهت سند، معتبر است و به قرینه حدیث دوم، مراد از بنی فلان در روایت اول، بنی عباس است که در احادیث دیگری نیز اختلاف بنی عباس از علامات قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.(۲) در این دو حدیث، ندای آسمانی به منزله علامتی بعد از اختلاف بنی عباس شمرده شده است، ولی فاصله بین آن دو زیاد است؛ مگر این که بگوییم دولت بنی عباس مجدداً تشکیل می شود.

## ۲. آیه ای در ماه رجب

حدیثی از داود بن سرحان از امام جعفر صادق علیه السلام اشاره به واقعه ای در ماه رجب، قبل از صیحه و ندای آسمانی دارد و آن صورت و دستی است که در ماه نمایان می شود. این حدیث از جهت سند، ضعیف است. و آن به دلیل توثیق نشدن «عباس بن عبدالله» است.

بیان حدیث:

ص: ۱۰۳

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴، حد ۶۷؛ «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۴۴، حد ۱۴۷.

۲- «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۱؛ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۴۵۹.

العام الذى فيه الصيحه قبله الآيه فى رجب، قلت: و ما هي؟ قال: وجه يطلع فى القمر ويد بارزه؛ سالى که در آن صيحه واقع می شود، قبل از آن در رجب، آیه ای رخ می دهد. گفتم: و آن چیست. فرمود: صورتی که در ماه نمایان می شود و دست آشکاری. (۱)

توضیح بیشتر در این مورد، در بخش سوم، در بحث ندای آسمانی در ماه رجب خواهد آمد.

### ۳. سختی، ترس، کشتار و مرگ

یکی از نشانه های عمومی قبل از ندای آسمانی، افزایش مرگ و میر به دلیل بیماری و کشتار در میان مردم است که این مسئله باعث ترس همگانی و سلب آسایش و سختی برای همه می شود.

چهار حدیث با عبارت های:

يلقى الناس جهد شديد مما يمر بهم من الخوف، فلا يزالون بتلك الحال حتى ينادى مناد من السماء؛ مردم، دچار سختی شدیدی از آن چه از ترس بر سرشان می آید، می شوند و آن حال پایان نمی یابد تا اینکه منادی از آسمان ندا می دهد. (۲)

و:

ص: ۱۰۴

---

۱- «الغيبه نعماني»، ص ۲۶۱، باب ۱۴، حد ۱۰؛ «اثبات الهداه»، ج ۳، ص ۷۳۵، حد ۹۸.

۲- «الغيبه نعماني»، ص ۲۷۰، باب ۱۴، حد ۲۲؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۵، باب ۲۵، حد ۱۰۳.

يشمل الناس موت و قتل حتى يلجأ الناس عند ذلك الى الحرم فينادى مناد صادق من شده القتال فيم القتال و القتال صاحبكم فلان؛ مرگ و کشتار، مردم را فرا می گیرد تا این که مردم در آن وقت به حرم الهی پناه می برند، پس منادی صادقی به خاطر شدت کشتار ندا می دهد: برای چه قتل و کشتار؟! صاحبان فلانی است. (۱)

و:

يا جابر؛ لا يظهر القائم حتى يشمل الناس بالشام فتنه يطلبون المخرج منها فلا يجدونه و يكون قتل بين الكوفه و الحيره قتلاهم على سواء و ينادى مناد من السماء؛ اي جابر! قائم، ظهور نمی کند تا این که مردم در شام، دچار فتنه ای می شوند و به دنبال خارج شدن از آن می گردند، ولی راهی نمی یابند و کشتاری بین کوفه و حیره رخ می دهد که کشته هایشان یکسان است و منادی از آسمان ندا می دهد. (۲)

و:

يقول: إنه ينادى باسم صاحب هذا الامر مناد من السماء الا إن الامر لفلان بن فلان ففيم القتال؛ می فرماید: منادی از آسمان

ص: ۱۰۵

---

۱- «الغيبه نعماني»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۵؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۶، باب ۲۶، حد ۵۳.

۲- «الغيبه نعماني»، ص ۲۸۸، باب ۱۴، حد ۶۵؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۷، باب ۲۶، حد ۵۶.

به اسم صاحب این امر ندا می دهد که آگاه باشید همانا حکومت برای فلان بن فلان است؛ پس برای چه می جنگید؟! (۱)

بر این مطلب دلالت می کنند.

حدیث اول از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام و حدیث دوم از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام و حدیث سوم از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام و حدیث چهارم مانند حدیث دوم، از عبدالله بن سنان نقل شده است. به نظر می رسد احادیث دوم و چهارم، یک روایت با دو نقل متفاوت باشند. روایات دوم، سوم و چهارم از جهت سند معتبر هستند. علاوه بر اینها، روایات دیگری نیز، اوضاع عمومی قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را همراه با ترس، مرگ، کشتار و ناامنی بیان می کنند. در حدیث اول، سختی شدید را ناشی از ترس قبل از ندای آسمانی مطرح می کند و در روایت دوم، مردن و کشتار مردم به حدی است که مردم، فرار کرده و به حرم امن الهی پناه می برند که پس از آن، منادی ندا می دهد و در حدیث سوم، سخن از فتنه ای است که منطقه شام را فرا می گیرد و راه فراری از آن نیست (شاید مراد، سفیانی باشد) و کشتاری که میان کوفه و حیره واقع می شود که پس از آن ندای آسمانی داده می شود و در روایت چهارم، سخن از ندای آسمانی هنگام قتل و کشتار است.

در جمع بندی این روایات و احادیث دیگر می توان این گونه نتیجه گیری کرد که در دوران قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قبل از ندای آسمانی،

ص: ۱۰۶

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۶، باب ۲۶، حد ۵۱.

مرگ ها و کشتارها \_ که باعث ناامنی و ترس همگانی می شود \_ بسیاری از نقاط را فرا می گیرد.

#### ۴. یأس و ناامیدی

یکی از رخدادهای قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ندای آسمانی، یأس و ناامیدی است که بر جهانیان سایه می اندازد و آنان امید خود را از دست می دهند. این مطلب در احادیث مربوط به نشانه های قیام به وضوح مشاهده می شود. در حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام می خوانیم:

فخروجه اذا خرج عند الیأس و القنوط من أن یروا فرجاً؛ خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی است که یأس و ناامیدی از دیدن گشایشی باشد. (۱)

و در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام می خوانیم:

انما یجیء الفرج علی الیأس؛ همانا گشایش فقط هنگام یأس و ناامیدی می آید. (۲)

همچنین این مطلب به عنوان یکی از نشانه های قبل از ندای آسمانی مطرح شده است: در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که راوی آن حضرت علی علیه السلام است، آمده است:

ص: ۱۰۷

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

۲- «قرب الاسناد»، ص ۱۶۸؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۵۲، ص ۶۴۵، باب ۵۵، حد ۵.

كأني بهم آيس من كانوا ثم نودی بنداء يسمعه من البعد كما يسمعه من القرب...؛ گویا آنان از وضعشان ناامید شده اند، سپس ندایی داده می شود که از دور، مانند از نزدیک شنیده می شود. (۱)

و در حدیث دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام مشاهده می شود که فرمود:

... إن هذا الأمر آيس ما يكون منه و أشده غمًا، ينادى مناد من السماء باسم القائم و اسم ابيه...؛ همانا برای محقق شدن این امر، مأیوس تر و غمناک تر می شوید تا این که منادی از آسمان به اسم قائم علیه السلام و اسم پدرش ندا می دهد. (۲)

و در روایت سوم از حسن بن محبوب از علی بن موسی الرضا علیه السلام می خوانیم:

كأني بهم آيس ما كانوا قد نودوا نداءً يسمع من بعد كما يسمع من قرب...؛ گویا آنان از وضعشان بسیار ناامیدند که ندایی داده می شود و از دور، مانند از نزدیک شنیده می شود. (۳)

از این سه حدیث، روایت سوم از جهت سند، معتبر است و حدیث اول \_ که از منابع عامه نقل شده است \_ مشابه روایت ابن محبوب است.

در نتیجه می توان یکی از نشانه های عمومی قبل از ندای آسمانی را

ص: ۱۰۸

---

۱- «کفایه الاثر»، ص ۱۵۶؛ «بحار الانوار»، ج ۲، ص ۵۴۷، باب ۱۰، حد ۴۲.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۱۸۶، باب ۱۰، حد ۲۹؛ «بحار الانوار»، ج ۱، ص ۳۸، باب ۴، حد ۱۵.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، حد ۳؛ «عیون الاخبار»، ج ۲، ص ۶، باب ۳۰، حد ۱۴.

یأس و ناامیدی دانست که بر انسان ها سایه می افکند و آنان علاوه بر خسته شدن از وضع موجود، امید خود را از رسیدن به وضع مطلوب از دست می دهند. و این ناامیدی به سبب قتل و غارتها، ناامنی و گرفتاری ها، بیماری ها و فساد است که بر همه جا حاکم است و همگان از گشایش در امور ناامید می شوند.

## سوم: حوادث بعد از ندای آسمانی

### اشاره

در میان احادیث ندای آسمانی، روایاتی وجود دارد که نشان گر خروج و ظهور و دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بعد از اعلان نام مبارکش و بیان حقانیت ایشان از آسمان است. اما بر اساس احادیث مطرح شده در بخش زمان ندای آسمانی، زمان آن ماه مبارک رمضان معرفی شد، ولی از طرف دیگر، روایاتی وجود دارد که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از کنار کعبه در روز دهم محرم معرفی می کند. میان این چند دسته از احادیث در مورد فاصله زمانی میان ندای آسمانی و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منافات وجود دارد. در این قسمت به بیان دسته های مختلف احادیث در این مورد و جوهی برای جمع میان آنان می پردازیم:

### سه دسته از احادیث

دسته اول؛ احادیثی که زمان قیام را دهم محرم می دانند:

در هفت حدیث که اولین آنها از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام (1) و سه تای

ص: ۱۰۹

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۶۱، باب ۵۷، حد ۱۹.



آنها از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام با عبارت های متفاوت (۱) و یک روایت از محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام (۲) و یک روایت از حسن بن جهم از امام موسی کاظم علیه السلام (۳) و روایت آخر از علی بن مهزیار از امام محمد جواد علیه السلام (۴) نقل شده است، زمان قیام را دهم محرم، معرفی می کنند. حدیث اول با همان عبارت در کتاب «التهدیب» و با اندکی اضافه از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، (۵) از میان این احادیث، روایت اول و حدیث پنجم که روایت محمد بن مسلم است، بنا بر پذیرش کتاب آن (۶) از جهت سند، معتبر هستند و بقیه روایات می توانند مؤید این مطلب باشند و بنا بر تظافر روایات می توان زمان خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را روز دهم محرم از کنار کعبه دانست.

بیان متن روایات

۱. «یخرج القائم یوم السبت یوم عاشورا یوم الذی قتل فیہ الحسین»

۲. «ینادی باسم القائم فی لیلہ ثلاث و عشرين و یقوم فی یوم عاشورا... لکانی به فی یوم السبت العاشر من المحرم قائما بین الرکن و المقام...»

ص: ۱۱۰

---

۱- «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۵۳۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۲، حد ۴۵۸؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۹۱، باب ۱۴، حد ۶۸.

۲- «اثبات الهداه»، ج ۳، ص ۵۷، فصل ۴۴، حد ۶۸۷؛ «تراثنا»، سال چهارم، ش دوم، ص ۲۱۷، حد ۲۰.

۳- «الخرائج و الجرائح»، ج ۳، ص ۱۱۶۵.

۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۳، حد ۴۵۹؛ «الخراج و الجرائح»، ج ۳، ص ۱۱۵۹.

۵- «التهدیب»، ج ۴، ص ۳۳۳، باب ۷۲، حد ۱۱۲.

۶- این کتاب گلچینی از روایات کتاب «اثبات الرجعه» فضل بن شاذان نیشابوری است که توسط متاخرین صورت گرفته است و اصل کتاب فضل بن شاذان در دست نیست و مفقود شده است. ر.ک: «الذریعه الی تصانیف الشیعه» ج ۲۰، ص ۲۰۱.

۳. «إن القائم صلوات الله عليه ينادي اسمه ليلة ثلاث و عشرين و يقوم يوم عاشورا..»

۴. «يقوم القائم يوم عاشورا»

۵. «... فعند ذلك ينادي باسم القائم في ليلة ثلاثه و عشرين من شهر رمضان و يقوم يوم عاشورا فكأنى انظر اليه قائما بين الركن و المقام...»

۶. «... و إن القائم ينادي اسمه ليلة ثلاث و عشرين من شهر رمضان و يقوم يوم عاشورا...»

۷. «كأنى بالقائم يوم عاشورا يوم السبت قائماً بين الركن و المقام بين يديه جبرئيل...»

دسته دوم؛ روایاتی که دال بر همزمانی خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ندای آسمانی است.

در این جا هفت حدیث آمده است که اولین آنها از حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (۱) و دو روایت از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت های متفاوت (۲) و حدیث چهارم از محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام (۳) و یک حدیث از محمد بن حران از امام جعفر صادق علیه السلام (۴) و روایتی از مفضل بن عمر از امام ششم علیه السلام (۵) و

ص: ۱۱۱

---

۱- «الاختصاص»، ص ۲۰۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴، باب ۲۶، حد ۷۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳ و ص ۲۷۰، حد ۲۲.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۶۰۳، باب ۳۲، حد ۱۶.

۴- «اثبات الهداه»، ج ۳، ص ۵۷۰، باب ۳۲، فصل ۴۴، حد ۶۸۶؛ «تراثنا»، سال چهارم، ش دوم، ص ۲۱۶، حد ۱۸.

۵- «بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۱، باب ۲۸، حد ۱.

روایت آخر از حسین بن خالد از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (۱) نقل شده اند که دلالت بر همزمانی ندای آسمانی و خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند. از میان این هفت حدیث، روایت پنجم، بنا بر پذیرش کتاب آن و حدیث هفتم از جهت سند، معتبر هستند.

بیان متن احادیث

۱. «... اذا كان عند خروج القائم ينادى مناد من السماء...»

۲. «... لا بدّ من هذين الصوتين قبل خروج القائم عليه السلام صوت من السماء... فاذا اختلفوا فتوقعوا الصيحه في شهر رمضان و خروج القائم عليه السلام...»

۳. «... فلا يزالون بتلك الحال حتى ينادى مناد من السماء فاذا نادى فالنفير النفير، فوالله لكأني انظر إليه بين الركن و المقام يبايع الناس...»

۴. «... و جاءت صيحه من السماء بأن الحق فيه و في شيعته فعند ذلك خروج قائمنا فاذا اخرج اسند ظهره الى الكعبه...»

۵. «... و جاءت صيحه من السماء بأن الحق مع علي و شيعته فعند ذلك خروج قائمنا فاذا اخرج اسند ظهره الى الكعبه...» (۲)

۶. «... يا مفضل يظهر في شبهه ليستبين فيعلو ذكره و يظهر امره و ينادى

ص: ۱۱۲

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حدیث ۵؛ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۵۲۴.

۲- این حدیث و روایت قبلی، گرچه از دو راوی مختلف و از دو امام معصوم علیهم السلام نقل شده است، ولی به نظر می رسد یک روایت باشد. به خصوص این که یکی از نقل ها مربوط به کتاب «مختصر اثبات الرجعه» است که شیخ حرّ عاملی از آن نقل کرده است و چندان قابل اعتماد نیست و احتمال دارد روایت «کمال الدین» را این گونه و با این سند آورده باشد.

۷. «... و هو الذی ینادی مناد من السماء یسمعه جمیع اهل الارض بالدعاء الیه یقول: ألا إن حجه الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه فإن الحق معه و فیه...»

دسته سوم؛ احادیثی که دلالت بر دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ندای آسمانی می کنند.

در این دسته، سه روایت است که اولین آنها از عمرو بن سعد از حضرت علی علیه السلام و حدیث دوم از ریان بن صلت از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و روایت آخر از علی بن محمد سمی نایب چهارم از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده اند که بر این مطلب دلالت می کنند. از میان این سه حدیث، روایت سوم از جهت سند، معتبر است. این روایت را شیخ صدوق از «حسن بن احمد المکتب» و ایشان از «علی بن محمد سمی» نقل کرده است که به توفیق آخر مشهور است. در مورد «حسن بن احمد المکتب»، گرچه توثیقی به دست ما نرسیده است، ولی کسی او را تضعیف نکرده است. علاوه بر این، شیخ صدوق در کتاب «عیون الاخبار» در مواردی ایشان و چند نفر دیگر را با «رضی الله عنهم» ذکر کرده است. (۱) این مطلب بر جلالت وی نزد شیخ صدوق دلالت دارد و ثالثاً این توفیق را بسیاری از علمای شیعه در کتاب های خود آورده اند، (۲) ولی هیچ کدام جز میرزای نوری به آن اشکال سندی نمی کند و ایشان نیز

ص: ۱۱۳

- 
- ۱- «عیون الاخبار»، ج ۱، ص ۲۲۲، باب ۲۰، حد ۲ و ج ۲، ص ۱۷۴، باب ۴۳، حد ۱.
  - ۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۲۹۴، باب ۴۵، حد ۴۵؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۳۹۵، حد ۳۶۵؛ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۵۳۰؛ «احتجاج طبرسی»، ج ۲، ص ۴۷۸؛ «الخراج و الجرائح»، ج ۳، ص ۱۱۲۹؛ «اعلام الوری»، ص ۴۴۵؛ «بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۶۰ و ج ۵۲، ص ۱۵۱؛ «اثبات الهداه»، ج ۳، ص ۶۹۳.

به راوی اشکال نمی کند، بلکه می گوید:

«انه خبر واحد مرسل»<sup>(۱)</sup> که این اشکال نیز وارد نیست؛ زیرا وفات شیخ صدوق، سال «۳۸۱ق» است و وفات علی بن محمد سمري، نایب چهارم در سال «۳۲۹ق»، و شیخ صدوق می تواند با یک واسطه از نایب چهارم، حدیثی را مسند نقل کند و آن واسطه، «ابومحمد حسن بن احمد المکتب» است.

بیان احادیث

۱. «... تری و لا تری الی الوقت و الوعد و نداء المنادی من السماء...»<sup>(۲)</sup>

۲. «... القائم المهدي بن الحسن لا یری جسمه ولا یرسمه باسمه احد بعد غیبه حتی یراه یعلن باسمه و یسمعه کل خلق...»<sup>(۳)</sup>

۳. «... و سیأتی شیعتی من یدعی المشاهدۀ الا فمن ادعی المشاهدۀ قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کاذب مفتر...»<sup>(۴)</sup>

دلالت این احادیث

در سه روایت فوق، دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اعلان نام مبارکشان از آسمان منوط شده است، یعنی اگر کسی بعد از ندای آسمانی ادعا کند که

ص: ۱۱۴

---

۱- «بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۳۱۸، جنه المأوی.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۱۴۴، باب ۱۰، حد ۳؛ «بحار الانوار»، ج ۲۸، ص ۷۰، باب ۲، حد ۳۱.

۳- «الهدایه الکبری»، ص ۳۶۴؛ «مستدرک الوسائل»، ج ۱۲، ص ۲۸۵، باب ۳۱، حد ۱۵.

۴- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۲۹۴، باب ۴۵، حد ۴۵؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۳۹۵، حد ۳۶۵.

حضرت را دیده است، می توان سخن او را پذیرفت و این مطلب، نشان گر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ندای آسمانی است. چنان که در روایتی داریم:

یخرج القائم مما یسمع؛ و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از شنیدن ندای آسمانی خارج می شود. (۱)

### جمع بندی این سه دسته از روایات

برای جمع این احادیث دو وجه می توان بیان کرد:

وجه اول، ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان است و قیام از کنار کعبه در روز دهم محرم، ولی بعد از ندای آسمانی حضرت ظاهر می شوند تا مقدمات قیام را فراهم کنند. احادیثی که بر دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بعد از ندای آسمانی یا ظهور ایشان دلالت دارد و همچنین روایات دسته اول که ندای آسمانی را در ماه مبارک رمضان و قیام را روز دهم محرم معرفی می کرد، می توانند مؤید این وجه باشند.

از طرف دیگر، احادیثی که بر خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ندای آسمانی از مکه دلالت داشتند، با این وجه سازگار نیست. مگر این که بگوییم فاصله زمانی، میان ندای ماه مبارک رمضان و قیام دهم محرم به قدری کم است که به حساب نیامده است.

وجه دوم، ندای آسمانی تکرار می شود، ندای اول در ماه مبارک رمضان است و ندای دوم در اول روز دهم محرم که قیام از کنار کعبه در همان روز صورت می گیرد.

ص: ۱۱۵

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

روایاتی که زمان ندا را اول روز می دانست و زمانی برای آنها تعیین نمی کرد،<sup>(۱)</sup> می تواند مؤید این مطلب باشد؛ به خصوص این که محتوای این احادیث با محتوای روایاتی که زمان ندا را در ماه مبارک رمضان می دانست، متفاوت است. محتوای ندای ماه مبارک رمضان، معرفی نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولی محتوای ندای اول روز بیان حقانیت و رستگاری علی و شیعیان است. علاوه بر این، در احادیث دسته دوم روایت آخر، به متصل بودن ندای آسمانی به خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار کعبه صراحت دارد که با این وجه سازگار است، ولی این حدیث از جهت محتوای ندا منفرد است.

در نتیجه، بنا بر آن چه در بحث زمان ندای آسمانی مطرح شد، نظر ما پذیرش وجه اول است.

### نظر اندیشمندان

وجه اول با نقل کتاب «تاریخ ما بعد الظهور» سازگار است؛ زیرا این کتاب، یک ندا از آسمان را می آورد و دو ندا را نمی پذیرد.<sup>(۲)</sup> کتاب «مهدی منتظر»، تعدد ندای آسمانی را مطرح می کند و همان طور که در بحث زمان ندای آسمانی گذشت، وجه دوم با نقل این کتاب، سازگار تر است؛ هر چند ایشان، ندای اول روز را مربوط به اول روز بیست و سوم بعد از ندای آسمانی در شب می داند، ولی قائل به بیش از دو ندا از آسمان توسط جبرئیل امین است.<sup>(۳)</sup> و کتاب «الامام المهدی علیه السلام من المهدی الی الظهور»، تعدد ندا را ذکر

ص: ۱۱۶

---

۱- این احادیث در قسمت زمان ندای آسمانی مطرح شد.

۲- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۳۰.

۳- «مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ص ۲۸۱.

می کند و وجه دوم به نقل این کتاب نزدیک تر است. ایشان می گوید:

فالنداء الاول يكون في شهر رجب و النداء الثاني يكون في شهر رمضان و النداء الثالث يكون في شهر محرم. (1)

ولی ندای در ماه رمضان را دارای اهمیت بیشتری می داند.

نکته ای که در خاتمه این بحث، قابل ذکر است، این که فاصله میان ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز دهم محرم از کنار کعبه چه مقدار است. آیا فاصله، سه ماه و هفده روز است؟ یا یک سال و سه ماه و هفده روز؟ و یا بیش از یک سال و سه ماه و هفده روز؟

پاسخ: ندای آسمانی، اعلان کننده فرا رسیدن زمان ظهور است. بالطبع، فاصله میان ندای آسمانی و قیام نباید زیاد باشد؛ به همین دلیل، اندیشمندان مباحث مهدویت، قائل به فاصله سه ماه و هفده روز شده اند.

در کتاب «تاریخ ما بعد الظهور» آمده است:

سیکون ظهوره علیه السلام فی الیوم العشر من المحرم، ای أن الفاصل بین النداء و الظهور حوالی مئه و سبعة ایام و الروایات لم تنص علی هذا التتابع إلا أنه من غیر المحتمل أن يكون النداء فی رمضان من بعض السنین و يكون الظهور فی محرم بعد عدة سنین أخرى و لاحتی بعد مدار سنه کامله ای بعد عام و ثلاثه اشهر و سبعة عشر ایام و لعل اهم دلیل علی التتابع و نفی الانفصال هو ما استفدناه من اخبار النداء من کون حدوث النداء انما هو للتنبيه و الإعلان عن حصول الظهور و هذا إنما یصدق

ص: ۱۱۷

---

۱- «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور»، ص ۴۰۹.



فی الزمان القریب؛ ظهور امام علیه السلام در روز دهم محرم می باشد، یعنی فاصله میان نداء و ظهور، تقریباً صد و هفت روز است و روایات بر این تتابع، تصریح ندارند، ولی بعید است نداء در رمضان سالی باشد و ظهور در محرم چند سال دیگر واقع شود و حتی بعید است فاصله میان این دو، یک سال و سه ماه و هفده روز باشد و شاید مهم ترین دلیل بر نبودن فاصله و پشت سر هم بودنشان، چیزی باشد که از اخبار ندا استفاده می شود و آن، واقع شدن نداء برای آگاهی و اعلان از آمدن ظهور است و این مطلب، فقط بر زمان نزدیک، تطبیق پذیر است. (۱)

و در کتاب «الامام المهدی علیه السلام من المهد الی الظهر» در مورد فاصله میان نداء و ظهور گفته شده است:

لقد قرأت احادیث الصیحه السماویه و انها تكون فی شهر رمضان و الظاهر انّ ظهور الامام المهدی علیه السلام یكون مقارناً لتلك الصیحه؛ روایات صیحه آسمانی را خواندید و این که آن در ماه رمضان است و ظاهر بودن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نزدیک آن صیحه آسمانی است. (۲)

البته در این کتاب بین ظهور و قیام تفاوت قائل شده و می نویسد:

و یجب أن لا- تنسی الفرق بین الظهر و بین القیام، فالظهور هو الخروج عن الاستتار و الاختفاء و القیام هو النهضه و الثوره و الشروع بالعمل؛ لازم است فرق میان ظهور و قیام را

ص: ۱۱۸

---

۱- «تاریخ ما بعد الظهر»، ص ۲۱۴.

۲- «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهر»، ص ۴۶۳.

فراموش نکنیم. ظهور، همان خارج شدن از پنهانی و مخفی زیستن است و قیام، انقلاب و برخاستن و دست به اقدام عملی زدن می باشد. (۱)

ایشان، ظهور را بعد از ندای آسمانی به فاصله نزدیک می داند و قیام را روز دهم محرم بیان می کند.

## د. محتوای ندای آسمانی

### اشاره

مضمون ندای آسمانی را می توان به دو قسمت اخباری و انشائی تقسیم کرد. مراد از محتوای اخباری، مطالبی است که قالب دستوری ندارد و برای آگاهی مخاطبان است و مراد از محتوای انشایی، مطالبی است که قالب دستوری دارد و شنونده را به انجام اموری فرا می خواند.

### یکم: محتوای اخباری

### اشاره

بیشترین مطالبی که به عنوان محتوای اخباری در روایات ندای آسمانی مطرح شده، معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب است و پس از آن، بر حق بودن حضرت علی علیه السلام و پیروانشان و بیان امامت و امارت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این جا به بیان برخی از موارد آن می پردازیم.

### ۱. معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب

بیش از بیست حدیث، محتوای ندای آسمانی را شناساندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب بیان می کند. این احادیث با متن های:

ص: ۱۱۹

---

۱- «الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور»، ص ۴۶۳.

«باسم القائم و اسم ابيه»، (۱) «باسم صاحب الامر و اسم ابيه»، (۲) «باسم رجل و ابيه»، (۳) «باسمه و اسم ابيه و امه»، (۴) «فلان بن فلان القائم بالحق»، (۵) «ینادی باسمه»، (۶) «باسمه و اسم ابيه»، (۷) «ینادی باسم رجل من ولد ابی طالب»، (۸) «فلان بن فلان هو الامام باسمه»، (۹) «ان المهدي من آل محمد فلان بن فلان باسمه و اسم ابيه»، (۱۰) «ینادی باسم القائم»، (۱۱) «إن فلان بن فلان قائم آل محمد»، (۱۲) «إن القائم صلوات الله عليه ینادی اسمه»، (۱۳) «فيه ینادی باسم صاحبكم و اسم ابيه»، (۱۴) «إن فلاناً هو الامير»، (۱۵) «إن الامر لفلان بن فلان»، (۱۶) «باسم القائم»، (۱۷) «ینادی باسمه و کنيته و نسبه»، (۱۸) و «باسم صاحب الامر» (۱۹) از پیشوایان

ص: ۱۲۰

- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۱۸۶، باب ۱۰، حد ۲۹، و باب ۱۴، حد ۱۵.
- ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.
- ۳- «المحجه»، ص ۱۶۰.
- ۴- «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۴۴، حد ۱۴۷.
- ۵- «تأویل الآيات الظاهره»، ج ۲، ص ۷۳۲.
- ۶- «تأویل الآيات الظاهره»، ج ۱، ص ۳۸۶.
- ۷- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۵۹۷، باب ۳۲، حد ۷.
- ۸- «الکافی»، ج ۸، ص ۱۷۸، حد ۲۵۵.
- ۹- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.
- ۱۰- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۷.
- ۱۱- «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «اعلام الوری»، ص ۴۵۹.
- ۱۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.
- ۱۳- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۲، حد ۴۵۸.
- ۱۴- «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۷۲، باب ۲۵، حد ۱۶۵.
- ۱۵- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.
- ۱۶- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۳ و ۳۴ و ۳۵.
- ۱۷- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۱، باب ۱۴، حد ۲۵ و ص ۲۷۰ حد ۲۳.
- ۱۸- «بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۱.
- ۱۹- «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۱۱۸.

معصوم علیهم السلام نقل شده اند و از میان آنها سند پنج حدیث معتبر است، ولی به دلیل کثرت روایات در این مورد نیازی به بحث سندی نیست و ندای به اسم و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امری مسلم محسوب می شود.

## ۲. بیان امارت و حکومت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از میان احادیث ندای آسمانی، هفت روایت، بخشی از محتوای ندای آسمانی را بیان امارت برای صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کنند. این روایات با واژه های:

«ولی الامر خیر امه محمد»،<sup>(۱)</sup> «هذا المهدي خليفه الله»،<sup>(۲)</sup> «إن وليكم فلان بن فلان القائم بالحق»،<sup>(۳)</sup> «فلان بن فلان هو الامام»،<sup>(۴)</sup> «إن فلاناً هو الامير»،<sup>(۵)</sup> «به يعرف صاحب هذا الامر»<sup>(۶)</sup> و «إن الامر لفلان بن فلان»<sup>(۷)</sup> بر این مطلب دلالت دارند.

از میان اینها، احادیث پنجم، ششم و هفتم \_ که سه عبارت آخری از آنها نقل شده است \_ از جهت سند معتبر هستند. بیان امارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این احادیث با واژه های «ولی امر»، «خليفة الله»، «وليكم»، «امام»، «امير»، «صاحب الامر» و «الأمر لفلان» آمده است. و می توان این مطلب را پذیرفت، یعنی در ندای آسمانی، اشاره ای به بیان امارت حضرت می شود.

ص: ۱۲۱

---

۱- «الاختصاص»، ص ۲۰۸.

۲- «كفایه الاثر»، ص ۱۴۷.

۳- «تأویل الآيات الظاهره»، ج ۲، ص ۷۳۲.

۴- «كمال الدين و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.

۵- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.

۶- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۶.

۷- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۳ و ۳۴ و ۳۵.

### ۳. معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان

ده حدیث، محتوای ندای آسمانی را بیان حقانیت حضرت علی علیه السلام یا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیروانشان می شمارند. این روایات با عبارت های:

«الا- إن الحق مع علی و شیعته»،<sup>(۱)</sup> «بأن الحق فيه و فی شیعته»،<sup>(۲)</sup> «إن الحق فی علی و شیعته»،<sup>(۳)</sup> «إن علیاً و شیعته هم الفائزون»،<sup>(۴)</sup> «ألا إن الحق فی علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعته»،<sup>(۵)</sup> «بأن الحق مع علی و شیعته»،<sup>(۶)</sup> و «ألا إن حجه الله قد ظهر... فإن الحق معه و فيه»<sup>(۷)</sup> نقل شده اند.

از میان این ده روایت، شش حدیث از جهت سند معتبر هستند که عبارت های: سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم از آنها نقل شده اند. این روایات، محتوای ندا را حقانیت حضرت علی علیه السلام و پیروانشان و حقانیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کنند تا به این وسیله، پیروان حق از صدر اسلام و جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان پرچمدار حق در آخر الزمان به همگان شناسانده شوند.

ص: ۱۲۲

۱- «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۱؛ «كشف الغمه»، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲- «كمال الدين و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۶۰۳، باب ۳۲، حد ۱۶.

۳- «كمال الدين و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵ و ص ۴۵۴ حد ۴۶۱؛ «الخراج و الجرائح»، ج ۳، ص ۱۱۶۱

۴- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸؛ «الكافی»، ج ۸، ص ۲۵۸.

۵- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۶- «اثبات الهداه»، ج ۳، ص ۵۷۰، باب ۳۲، فصل ۴۴، حد ۶۸۶؛ «تراثنا»، سال چهارم، ش دوم، ص ۲۱۶، حد ۱۸.

۷- «كمال الدين و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵.

#### ۴. معرفی توصیفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از میان احادیث، چند روایت، بخشی از محتوای ندای آسمانی را معرفی توصیفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته و با لقب های ارزش مند از او یاد می کنند. این روایات با واژه های: «خیر امه محمد»، (۱) «القائم بالحق»، (۲) «قائم آل محمد»، (۳) «حجه الله»، (۴) امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را می ستایند که نشانه برتری و قیام بر حق کردن و از دودمان پیامبر گرامی اسلام و حجت خدا بودن ایشان است.

#### ۵. خبر دادن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

این مطلب در حدیث معتبری از حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام با عبارت ذیل آمده است:

«ألا إن حجه الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه فإن الحق معه و فيه؛ آگاه باشید حجت خدا، کنار خانه خدا ظاهر شده است، از او پیروی کنید؛ همانا حق با او و در وجود اوست.» (۵)

#### ۶. خبر از پایان حکومت جباران

در روایتی از حدیثی از پیامبر گرامی اسلام آمده است: «إذا كان عند خروج القائم ينادى مناد من السماء ايها الناس قطع عنكم مده الجبارين.» (۶) که خبر از

ص: ۱۲۳

۱- «الاختصاص»، ص ۲۰۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴، باب ۲۶، حد ۷۳.

۲- «تأويل الآيات الظاهرة»، ج ۲، ص ۷۳۲؛ «البرهان»، ج ۴، ص ۴۰۰.

۳- «الغيبه نعماني»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۹، باب ۲۱، حد ۴۸.

۴- «كمال الدين و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۲۱، باب ۲۷، حد ۲۹.

۵- «كمال الدين و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵.

۶- «الاختصاص»، ص ۲۰۸.

پایان حکومت جباران و گردنکشان می دهد. این روایت از جهت سند، ضعیف، و از منابع عامه، نقل شده است. (۱)

## دوم: محتوای انشایی

### اشاره

مطالب دستوری ندای آسمانی که توسط جبرئیل امین علیه السلام اعلان می شود، چیست؟ در این قسمت به بیان آن چه از روایات ندای آسمانی در این مورد استفاده می شود، می پردازیم.

### ۱. دستور رفتن به مکه

در حدیثی که از حدیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده، این مطلب در محتوای ندا با عبارت «فالحقوا بمکه» (۲) بیان شده است؛ ولی حدیث از جهت سند، ضعیف، و از منابع عامه نقل شده است.

در روایت دیگری از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام، این مطلب به عنوان محتوای ندا مطرح نشده است، ولی خود امام باقر علیه السلام دستور به رفتن می دهد. در این حدیث آمده است:

فاذا نادى فالنفير النفير فوالله لكأنى انظر اليه بين الركن و المقام...؛ وقتی ندا داده شد کوچ کنید، کوچ کنید. به خدا قسم، گویا او را میان رکن و مقام می نگرم. (۳)

ص: ۱۲۴

---

۱- «السنن الواردة فى الفتن»، باب ثالث، ص ۶۱؛ «عقد الدرر فى اخبار المنتظر»، جزء ۱، ص ۷ و ص ۱۹.

۲- «الاختصاص»، ص ۲۰۸؛ «السنن الواردة فى الفتن»، باب ثالث، ص ۶۱.

۳- «الغيبه نعمانى»، ص ۲۷۰، باب ۱۴، حد ۲۲؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۵، باب ۲۵، حد ۱۰۳.

این حدیث نیز از جهت سند، ضعیف است؛ ولی یکی از وظایف مؤمنان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رفتن به سوی مرکز قیام است و آن، جایی جز شهر مکه و بیت الله الحرام نیست.

## ۲. دستور به پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سه حدیث، این مطلب را بخشی از محتوای ندای آسمانی با عبارت های «فاتبعوه»<sup>(۱)</sup> و «فاسمعوا له و اطیعوه»<sup>(۲)</sup> معرفی می کنند. از میان اینها، تنها یک روایت \_ که از حسین بن خالد از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است \_ از جهت سند، معتبر است که عبارت اول، مشترک میان این حدیث و روایتی است که از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است. در این احادیث، از مردم خواسته شده تا از دستورات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اطاعت و از او پیروی کنند.

## ۳. دستور قیام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تنها یک حدیث \_ که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است \_ محتوای ندا را متوجه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند؛ نه مردم. و در آن آمده است: «ینادی باسم القائم یا فلان بن فلان قم»<sup>(۳)</sup> و به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور قیام می دهد. این روایت از جهت سند، ضعیف است، ولی شاید اشاره به دستور خداوند به امام زمان علیه السلام برای قیام داشته باشد و با آن، اذن ظهور حضرت داده

ص: ۱۲۵

- 
- ۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵؛ «کفایه الاثر»، ص ۱۴۷.
  - ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۹، باب ۲۱، حد ۴۸.
  - ۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۷، باب ۱۴، حد ۶۴؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴۶، باب ۲۵، حد ۱۲۶.



شود و ربطی به ندای آسمانی ندارد؛ مانند روایاتی که بر ندای شمشیر حضرت در هنگام ظهور دلالت دارند که می گوید: «قم یا ولی الله فاقتل اعداء الله»<sup>(۱)</sup> یا ندای عَلم حضرت که می گوید: «فناداه العلم اخرج یا ولی الله فاقتل اعداء الله»<sup>(۲)</sup> که مخاطب در این موارد، خود حضرت مهدی علیه السلام است.

#### ۴. بازداشتن از قتل و خونریزی

سه روایت که از جهت مضمون با یکدیگر مشابه هستند و هر سه از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده اند و در کتاب الغیبه نعمانی پشت سر هم آمده است، بازداشتن از قتل و خونریزی را به عنوان محتوای ندای آسمانی آورده اند.

متن یکی از این روایات:

يقول: إنه ينادى باسم صاحب الامر من السماء، ألا إن الامر لفلان بن فلان ففيم القتال؟<sup>(۳)</sup> فرمود: همانا منادی ندا می دهد به اسم صاحب الامر از آسمان که آگاه باشید ای فلان بن فلان است، پس برای چه جنگ می کنید؟

این حدیث و یکی از دو حدیث دیگر از جهت سند، معتبر هستند و به نظر می رسد یک روایت با سه نقل متفاوت باشند. این احادیث علاوه بر مطلب یاد شده بر جنگ و خونریزی در هنگام اعلان ندا از آسمان دلالت

ص: ۱۲۶

- 
- ۱- «کفایه الاثر»، ص ۲۶۶؛ «بحار الانوار»، ج ۳۶، ص ۴۰۹ و ج ۵۲، ص ۳۰۳، باب ۲۶، حد ۷۲.
  - ۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۴۹۸، باب ۲۴، حد ۱۱؛ «عیون الاخبار»، ج ۱، ص ۶۳۱.
  - ۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۳ و ۳۴ و ۳۵.

## ه. مخاطبان ندای آسمانی

### اشاره

تمام اهل زمین، ندای آسمانی را می شنوند. این مطلب در احادیث اهل بیت علیهم السلام با تعابیر مختلف بیان شده است. در این قسمت به بیان موارد آن و همچنین چگونگی شنیدن صوت توسط مخاطبان می پردازیم:

### یکم: بیان همگانی بودن ندای آسمانی

#### ۱. شنیدن اهل مشرق و مغرب

این مطلب با عبارت های: «فیسع من بالشرق و من بالمغرب»،<sup>(۱)</sup> «یسع اهل المشرق و المغرب»<sup>(۲)</sup> و «فیسع ما بین المشرق الی المغرب»<sup>(۳)</sup> در چهار حدیث آمده است. از میان اینها، یک روایت با سند معتبر از حسن بن زیاد صیقل از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که متن دومی، مربوط به آن می باشد.

#### ۲. شنیدن تمام اهل زمین

سه حدیث با واژه های: «فیؤمن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء»،<sup>(۴)</sup> «یسع جمیع اهل الارض بالدعاء الیه»<sup>(۵)</sup> و «یعلن باسمه و یسمعه کل خلق»<sup>(۶)</sup>

ص: ۱۲۷

- 
- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.
  - ۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۵، باب ۱۴، حد ۱۴.
  - ۳- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۲؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۰، باب ۲۶، حد ۳۲.
  - ۴- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.
  - ۵- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵.
  - ۶- «الهدایه الکبری»، ص ۳۶۴؛ «معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ج ۴، ص ۱۶۰، حد ۱۲۱۷.

بر این مطلب دلالت می کنند و از میان اینها دو حدیث اول و دوم که از امام جعفر صادق علیه السلام و امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده اند، از جهت سند، معتبر هستند. البته حدیث چهارمی از امام جعفر صادق علیه السلام وجود دارد که این مطلب از آن فهمیده می شود. در این روایت آمده است:

فیؤمن اهل الارض جميعاً للصوت الاول؛ پس تمامی اهل زمین به صدای اول، ایمان می آورند. (۱)

در این حدیث به ایمان تمامی اهل زمین به دلیل صوت اول که همان ندای جبرئیل علیه السلام از آسمان است، اشاره شده است، ولی ایمان و تسلیم شدن بدون شنیدن امکان ندارد؛ پس اینان، ابتدا، صدا را می شنوند و سپس در مقابل آن تسلیم می شوند.

### ۳. شنیدن تمامی جانداران

در حدیثی که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، در مورد ندای آسمانی آمده است:

فلا یبقی شیء خلق الله فیہ الروح الا یسمع الصیحه؛ چیزی از مخلوقات پروردگار که روح دارد نمی ماند؛ مگر این که صیحه را می شنوند. (۲)

ص: ۱۲۸

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۳، باب ۲۶، ذیل حد ۴۰.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

این روایت از جهت سند، ضعیف است.

#### ۴. ندای آسمانی عام است نه خاص

یکی دیگر از مطالبی که عمومی بودن ندای آسمانی را می‌رساند، بیان عام بودن و مخصوص گروه خاصی نبودن ندای آسمانی است. زراره بن اعین در حدیثی می‌گوید:

از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد ندای آسمانی به اسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم: ندای آسمانی، خاص است یا عام و همگانی؟ امام فرمود: «عام یسمع کل قوم بلسانهم»؛<sup>(۱)</sup> عام است و هر قومی با زبان خود، آن را می‌شنوند.

این روایت از جهت سند، معتبر است و تمامی راویان آن توثیق شده‌اند.

#### دوم: شنیدن هر قومی به زبانشان

ویژگی دوم ندای آسمانی برای مخاطبان، شنیدن هر گروهی به زبان خودشان است.

یعنی اگر زبان مادری کسی عربی است، عربی می‌شنود و اگر فارسی است، فارسی می‌شنود و همچنین هر زبان دیگر، هر کسی به زبان مادری خودش ندا را می‌شنود. سه حدیث که هر سه از جهت سند، معتبر هستند، این مطلب را آورده‌اند. عبارت‌های این روایات: «یسمعه کل قوم بالسنتم»<sup>(۲)</sup> «زراره می‌گوید از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: النداء حق؟ قال: ای و الله حتی

ص: ۱۲۹

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵.

یسمعه کل قوم بلسانهم» (۱) و عبارت سوم، حدیثی است که پیش تر بیان شد و عبارت آن، این است: «عام یسمع کل قوم بلسانهم» (۲).

به هر حال با وجود این سه حدیث معتبر، این مطلب، اثبات پذیر است. این احادیث علاوه بر مطلب یاد شده، بر همگانی بودن ندای آسمانی نیز دلالت می کنند.

### سوم: یکنواختی صدا برای همگان

ویژگی سوم ندای آسمانی برای مخاطبان، یکنواختی شنیده شدن آن است. یعنی مخاطبانِ ندای آسمانی در هر کجا باشند، به صورت یکسان، آن را می شنوند و دوری یا نزدیکی در آن معنا ندارد. در حدیث معتبری که از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل شده، آمده است:

قد نودوا نداءً یسمع من بعد کما یسمع من قرب؛ به تحقیق، ندایی داده می شوند که از دور شنیده می شود همان طور که از نزدیک شنیده می شود. (۳)

این حدیث از جهت سند، معتبر است و از جهت طبقه نیز مشکلی ندارد و تمامی راویان آن توثیق شده اند.

ص: ۱۳۰

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۲، باب ۱۴، حد ۵۴.

۲- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۰۵، باب ۲۵، حد ۳۵.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، حد ۳؛ «عیون الاخبار»، ج ۲، باب ۳۰، حد ۱۴.

در برخی از روایات با این عبارت ها مواجه می شویم:

۱. «یسمع اهل المشرق و المغرب حتی تسمعه الفتاه من خدرها»<sup>(۱)</sup>

۲. «تسمع الفتاه فی خدرها و یسمع اهل المشرق و المغرب»<sup>(۲)</sup>

۳. «حتی تسمعه العذراء فی خدرها فتحرض أباهما و اخاها علی الخروج»<sup>(۳)</sup>

مراد از «شنیدن دختران پرده نشین» در این احادیث چیست؛ به خصوص در دو حدیث اول می بینیم که آن در کنار شنیدن اهل مشرق و مغرب ذکر شده است. این احادیث، بیانگر این مطلب است که دختران پشت پرده معمولاً در اندرونی خانه هستند و صدا به قدری آشکار است و همه انسان ها را شامل می شود که حتی دخترانی که درون خانه هستند و معمولاً صداهای بیرون خانه به آنان نمی رسد، این صدا را می شنوند و بنا بر روایت سوم نه تنها می شنوند، بلکه عکس العمل از خود نشان داده و اهل خانواده را وادار به خارج شدن و با خبر شدن از آن می کنند که صدا از کجا بود و گوینده آن چه کسی بوده است.

حدیث دوم از حیث سند، معتبر است و دو حدیث دیگر می توانند مؤید این مطلب باشند.

ص: ۱۳۱

---

۱- «الغیبه نعمانی». ص ۲۶۵، باب ۱۴، حد ۱۴، «اثبات الهداه» ج ۳، ص ۷۳۶، حد ۱۰۱.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۸۵، باب ۲۶، حد ۱۵.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳. «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

اشاره

حالاتی که مخاطبان ندای آسمانی در هنگام شنیدن آن از خود بروز می دهند، نشان گر غیر منتظره بودن آن برای آنهاست. این حالت ها نوعی ترس، همراه با حیرت و تعجب را نشان می دهند.

امام جعفر صادق علیه السلام در ذیل آیه ۴ سوره شعراء می فرماید:

اذا سمعوا الصوت اصبحوا و كأنما علی رؤوسهم الطیر؛ وقتی صدا (ندای آسمانی) را می شنوند، مانند کسانی خواهند بود که پرنده ای بر سرشان نشسته است. (۱)

این روایت، شدت تعجب و حیرت و ترس مخاطبان را نشان می دهد و آن را به فردی تشبیه می کند که پرنده ای بر روی سرش نشسته و برای فرار نکردن آن سرجایش بی حرکت می ماند. در این قسمت به بیان تأثیرات ابتدایی ندای آسمانی بر روی مخاطبانش می پردازیم:

یکم: کرنش و ایمان ابتدایی

اولین تأثیر ندای آسمانی بر روی مخاطبان، خضوع و تسلیم در برابر آن است که احادیث ذیل آیه ۴ سوره شعراء به بیان آن می پردازند. چهار حدیث به این مطلب با عبارت های:

۱. «فیؤمن اهل الأرض جميعاً للصوت الأول»؛ تمامی اهل زمین به صدای اول (ندای آسمانی) ایمان می آورند. (۲)

ص: ۱۳۲

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۰، باب ۱۴، حد ۲۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۳، باب ۲۶، حد ۴۱.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۲. «فلایقی فی الارض یومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبته لها فیؤمن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء»؛ در آن هنگام، کسی بر روی زمین نمی ماند؛ مگر این که گردنش در مقابل ندای آسمانی، خاضع و افتاده می شود و اهل زمین، وقتی صدا را از آسمان می شنوند، به آن ایمان می آورند. (۱)

۳. «فقلت له: أهی الصیحه؟ فقال اما لو كانت خضعت اعناق اعداء الله عزوجل»؛ (۲) از حضرت پرسیدم: آیا مراد از آیه (چهارم سوره شعراء) صیحه است؟ فرمود: اگر مراد، آن باشد، گردن های دشمنان خداوند عزوجل در برابر آن خاضع می شود.

۴. «تخضع رقابهم یعنی بنی امیه و هی الصیحه من السماء باسم صاحب الامر»؛ (۳) گردن هایشان، یعنی بنی امیه، خاضع می شود و آن صیحه آسمانی به اسم صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

از میان این احادیث، روایت دوم، سوم و چهارم از جهت سند، معتبر هستند. روایات اول و دوم، خضوع و خشوع را همگانی می دانند و با واژه های: «اهل الارض جميعاً» و «فلایقی فی الارض یومئذ أحد»، این مطلب را می رسانند، ولی احادیث سوم و چهارم، این خضوع و خشوع را متوجه کافران و دشمنان خداوند می دانند و با عبارت های: «خضعت اعناق اعداء الله»

ص: ۱۳۳

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷. باب ۱۴، حد ۱۹؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۲، باب ۲۶، حد ۴۰.

۲- «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۳.

۳- «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۱۱۸؛ «تفسیر الصافی»، ج ۴، ص ۲۹.



و «تخضع رقابهم یعنی بنی امیه» بر این مطلب دلالت می کنند. تأکید بر روی خضوع و کرنش دشمنان خداوند در دو حدیث آخری به دلیل اهمیت آن است؛ زیرا مؤمنان در برابر امر الهی با دیدن یا ندیدن معجزه، سر تسلیم فرود می آورند، ولی کافران به راحتی سر تسلیم فرود نمی آورند؛ مگر این که چیزی رخ دهد که مجبور به این کار شوند. از این جهت، بر روی خضوع آنان تأکید بیشتری شده است.

### دوم: بیرون آمدن دختران پرده نشین

معمولاً دختران در زمان گذشته کمتر از خانه ها بیرون می آمدند و بیرون آمدن برخی از آنها به ندرت اتفاق می افتاد و تا حد امکان در خانه، آن هم در اندرونی می ماندند و به این جهت به آنان، دختران پشت پرده می گفتند، ولی تأثیر آبی ندای آسمانی به قدری است که این دختران از خانه بیرون می آیند و حالت عادی خود را کنار می گذارند تا ببینند چه خبر است. این مطلب به یکی از دو وجه ذیل تفسیرپذیر است:

یک. در آن زمان، هر چند به تعداد کم، دخترانی بودند که به ندرت از خانه بیرون آمدند و این اطلاق بر آنان صحیح بود. دو. اهل بیت علیهم السلام برای بیان شدت تأثیر ندا بر روی مخاطبان، این مطلب را آورده اند که حتی کسانی که از خانه یا اندرونی بیرون نمی آیند؛ به سبب ندای آسمانی بیرون می آیند.

دو حدیث با عبارت های: «تخرج الفتاه من خدرها»<sup>(۱)</sup> و «تخرج العذراء من

ص: ۱۳۴

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۷؛ «بحار الانوار». ج ۵۲، ص ۲۳۴، باب ۲۵، حد ۱۰۰.

خدرها»(۱) به بیان این مطلب می پردازند که حدیث اول از جهت سند، معتبر است. البته اگر سه حدیث فزعه در ماه مبارک رمضان را که عبارت «تخرج الفتاه من خدرها»(۲) را دارند، اضافه کنیم؛ در مجموع، پنج حدیث می شوند و نکته دیگری که در مورد این احادیث است، این که این ندا در ماه رمضان است که در این روایات به آن اشاره شده است.

شاید این سؤال مطرح شود که در قسمت قبلی برای همگانی بودن ندای آسمانی و شنیدن تمامی افراد، عبارت: «حتى تسمعه العذراء فی خدرها فتخرج أباهما و اخاها علی الخروج»(۳) آمده بود و این بدان معناست که دختران پرده نشین، خود بیرون نمی آیند، بلکه پدر و برادرشان را تشویق به خروج و فهمیدن ماجرا می کنند، ولی در احادیث مطرح شده است که سخن از خروج دختران پرده نشین است و این دو مطلب با هم سازگار نیست؟

پاسخ به این سؤال به سه صورت امکان دارد:

۱. ممکن است بیشتر دختران پرده نشین بیرون آیند، ولی برخی از آنان به دلیل حیای بیشتر خود بیرون نیایند، ولی به دلیل تأثیر ندا بر آنان، دیگران را تشویق به بیرون رفتن کنند.

۲. این حدیث از حیث سند، ضعیف است و می توان آن را کنار گذاشت، یعنی حدیث «حتى تسمعه العذراء...».

ص: ۱۳۵

- 
- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۹، باب ۲۱، حد ۴۸.
  - ۲- «الغیبه نعمانی». ص ۲۶۰، باب ۱۴، حد ۸ و ص ۲۶۱، حد ۱۱؛ «تأویل الآیات الظاهره»، ص ۳۸۴.
  - ۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۳. بیان شنیدن دختران پرده نشین یا خروج آنان برای مطرح کردن این مطلب توسط اهل بیت علیهم السلام بوده است که ندا، تأثیر شدیدی بر همگان می گذارد؛ حتی بر روی کسانی که در درون خانه با حوادث جامعه ارتباطی ندارند.

### سوم: بیدار شدن افراد خواب

یکی دیگر از تأثیرات ندای آسمانی بر روی افراد خواب است، یعنی صدا به قدری هولناک است که افراد خواب، آن را می شنوند و با شنیدن آن از خواب برمی خیزند یا به سبب اعجازی بودن آن، افراد خواب نیز جزء مخاطبان آن قرار می گیرند و با شنیدن آن از خواب، بیدار می شوند.

پنج حدیث با عبارت های: «توقظ النائم»،<sup>(۱)</sup> «لا یبقی راقداً إلا استیقظ... فزعاً من ذلك الصوت»،<sup>(۲)</sup> «فتوقظ النائم و یخرج الی صحن داره»<sup>(۳)</sup> و «فلایبقی راقداً إلا قام»<sup>(۴)</sup> بر بیدار شدن افراد خواب دلالت می کنند. حدیث اول از جهت سند، معتبر است. روایت اول، فقط اشاره به بیداری افراد خواب دارد، ولی حدیث دوم، بیداری آنان را ناشی از فزع و ترس می داند و روایت سوم، علاوه بر بیداری آنها اشاره به بیرون آمدن آنان به ایوان خانه نیز می کند که بیرون می آیند ببینند چه خبر است و حدیث دوم و دو حدیث آخر که عبارت آخر از آن دو نقل شده است، به وسیله استثناء و حدیث اول و سوم به وسیله

ص: ۱۳۶

- 
- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۴، باب ۲۵، حد ۱۰۰.
  - ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.
  - ۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.
  - ۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۲؛ «کفایه المهتدی»، ص ۲۸۸، ذیل حد ۳۹.

اطلاق «النائم»، همه افراد خواب را شامل می شوند. روایت های «فرعه» نیز عبارت «توقظ النائم» را آورده اند.

### چهارم: وحشت افراد بیدار

تنها حدیث عبایه بن ربیع از امیرالمؤمنان علی علیه السلام با عبارت «تفرع اليقظان»<sup>(۱)</sup> بر وحشت افراد بیدار از شنیدن صبحه آسمانی در ماه مبارک رمضان دلالت دارد. این حدیث از جهت سند، معتبر است و اطلاق واژه «اليقظان»، تمامی افراد بیدار را شامل می شود.

البته در سه حدیث «فرعه»، عبارت «تفرع اليقظان» آمده است.<sup>(۲)</sup>

### پنجم: نشستن افراد ایستاده و ایستادن افراد نشسته

تأثیر ندای آسمانی بر روی افراد به حدی است که ایستادگان از ترس آن می نشینند و نشستگان می ایستند. سه روایت با عبارت های: «ولاقائم الاقعد و لاقاعد الاقام علی رجلیه فرعاً من ذلك الصوت»،<sup>(۳)</sup> «ولاقائم الاقعد و لاقاعد الاقام علی رجلیه من ذلك الصوت»<sup>(۴)</sup> بر این مطلب دلالت می کنند.

عبارت دوم، مربوط به دو حدیث است که یکی مقطوعه محمد بن مسلم

ص: ۱۳۷

- 
- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۴، باب ۲۵، حد ۱۰۰.
  - ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۰، باب ۱۴، حد ۸ و ص ۲۶۱، حد ۱۱؛ «تأویل الآیات الظاهره»، ص ۳۸۴.
  - ۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.
  - ۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۲؛ «کفایه المهدی»، ص ۶۶۸، ذیل حد ۳۹.

است و به معصوم علیه السلام ختم نمی شود، ولی محمد بن مسلم، کسی نیست که حدیثی را از غیر معصوم نقل کند. و روایت دوم از محمد بن ابی عمیر از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است. البته این حدیث در کتاب کفایه المهدی آمده است که از متأخرین است و معاصر علامه مجلسی بوده است. ایشان به نقل از کتاب الغیبه فضل بن شاذان احادیثی را نقل می کند. کتاب الغیبه فضل بن شاذان به دست ما نرسیده است.

تقریباً تمامی احادیثی که عبارت های مربوط به خروج دختران پرده نشین، بیدار شدن افراد خواب، به وحشت افتادن افراد بیدار و ایستادن نشستگان و نشستن ایستادگان را آورده اند، قید در ماه مبارک رمضان بودن را دارند. و فقط مقطوعه محمد بن مسلم، این قید را نیاورده است، ولی به قرینه ندا به اسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه رمضان بودن آن ثابت می شود. علاوه بر این، در احادیثی، تعبیر صحیح به جای ندا در مورد ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان استعمال شده است که اینها نشان از شدت صدا و وحشتی دارد که در همگان ایجاد می کند و شاید بتوان به همین جهت، چند حدیثی که در مورد فزعه آمده است را با اینها یکی دانست؛ زیرا اولاً، فزعه در ماه مبارک رمضان رخ می دهد و ثانیاً، کلمه «فزعه»، بیان کننده ترسی است که ندای آسمانی در ماه رمضان در همگان ایجاد می کند. در نتیجه، اگر قائل به دو ندا از آسمان: یکی در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و دیگری در زمانی بعد از آن شویم، این حالت ها مربوط به ندای اول است.

### اشاره

هنگامی که جبرئیل امین علیه السلام، ندای آسمانی را سر می دهد، مخاطبان، در آغاز، خضوع کرده و نوعی ایمان همراه با تعجب توأم با ترس در آنها پدیدار می شود که در فصل قبلی بدان پرداختیم. اما بعد از ساعاتی، عکس العمل واقعی اهل ایمان و کفر آشکار شده و بعد از این ندا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهند کرد. در این فصل به پی آمدهای ندای آسمانی می پردازیم:

### الف. خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ندای آسمانی به منزله اعلان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بنابراین، اولین پی آمد آن، ظهور حضرت است. در روایتی از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شد، است: «و یخرج القائم مما یسمع و هی صیحه جبرئیل علیه السلام»؛<sup>(۱)</sup> وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ندای آسمانی را می شنود، ظاهر می شود و آن صدای جبرئیل علیه السلام است.

ص: ۱۳۹

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

## ب. عکس العمل اهل ایمان

ندای آسمانی، بشارتی برای مؤمنان است که بعد از قرن ها انتظار، حجت خداوند از پس پرده غیبت بیرون می آید و با ظهور خود، جهان را نورانی خواهد کرد. به همین جهت، چنین روزی برای مؤمنان، روز سرور و شادی خواهد بود. چنان که در حدیثی آمده است:

الا ذلک یوم فیه سرور ولد علی و شیعتہ؛ آگاه باشید آن روز (روز اعلان ندای آسمانی)، روز شادی فرزندان علی علیه السلام و شیعه اوست. (۱)

## ج. عکس العمل کافران

هنگامی که کافران و معاندان می شنوند که به نام مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ندا داده می شود، متوجه می شوند که وقت زوال حکومت های ظالم شان فرا رسیده است و در برابر کسی قرار گرفته اند که قدرت آسمانی دارد و آنها توان مقابله با او را ندارند. آنها در آغاز به عجز و ناتوانی خود اقرار کرده، سپس بر لجاجت خود افزوده و در مقابل حضرت، صف آرای می کنند و نبرد امام با این افراد است. آنها گرچه می دانند پایان کارشان، نابودی است، ولی مانند ابلیس تا نابودی، دست از دشمنی و لجاجت بر نمی دارند.

## د. ندای شیطانی

### اشاره

اگر صرفاً ندای آسمانی داده می شد، همگان؛ اعم از مؤمن و کافر، سر تسلیم در برابر آن فرود می آوردند. زراره بن اعین در روایتی می گوید:

ص: ۱۴۰

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۱۴۴، باب ۱۰، حد ۳.

به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: تعجب می کنم خدا شما را سلامت بدارد و تعجب من از این است که با وجود عجائبی چون خسف بیداء (سپاه سفیانی) و ندایی که از آسمان است، چطور باز با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می جنگند؟ حضرت پاسخ داد: «إن الشيطان لا يدعهم حتى ينادى كما نادى برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يوم العقبة»؛<sup>(۱)</sup> همانا شیطان، آنها را رها نمی کند تا این که ندا دهد؛ همان طور که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز عقبه ندا داد.

در این جا این سؤال مطرح می شود که: آیا شیطان نیز می تواند شبهه معجزه ای بیاورد و با این عمل به مقابله با حجت های الهی پردازد و مردم را گمراه کند؟

محققى با برشمردن دو مقدمه، ندای ابلیس را نمی پذیرد:

مقدمه اول:

إنَّ عدد الأخبار الدالَّة على النداء بالباطل أقل بكثير من الأخبار على النداء بالحق؛ همانا تعداد روایات دلالت کننده بر ندای باطل نسبت به تعداد اخبار ندای حق، بسیار کم است.

مقدمه دوم:

اننا إذا سرنا على الفهم التقليدى لهذه الأخبار المطابق مع ظهورها الأولى، و هو صدور النداء بالباطل بشكل اعجازى أو ميتا فيزيكى، فيكون هذا معجزه صادرة فى جانب الباطل؛ به درستی که اگر ما ظهور اولی این اخبار را بنا بر فهم

ص: ۱۴۱

---

۱- «الغيبه نعمانى»، ص ۲۷۳، باب ۱۴، حد ۲۹.



تقلیدی بپذیریم و آن صادر شدن ندای باطل به شکل اعجازی یا متافیزیکی، [پس] این معجزه صادر شده، از جانب باطل است.

ایشان در ادامه، معجزه از طرف باطل را به دلیل فریفتن انسان ها و سوق دادن آنان به سوی انحراف و جهالت بر خداوند محال می شمرد و می گوید:

لما فيه من التغرير بالجهل و الدفع إلى الفتنة و الانحراف و هو مستحيل على الحكيم المطلق جل و علا؛ به دلیل آن چه در آن از فریفتن با جهل و سوق دادن به سوی فتنه و انحراف است و آن بر حکیم مطلق، جل و علا، محال است.

در پایان، ایشان می گوید:

فإذا تمت هاتان المقدمتان لزمننا رفض هذه الأخبار، لأنها أخبار قليلة نسبياً و داله على أمر مستحيل، فيكون الأخذ بمضمونها مستحيلاً؛ وقتی این دو مقدمه، تام است، لازم است این اخبار را کنار بگذاریم؛ زیرا این اخبار از جهت نسبت، کم هستند و همچنین دلالت کننده بر امر محالی می باشند؛ پس پذیرفتن مضمون این احادیث، محال است. (۱)

در پاسخ ایشان می توان گفت:

اولاً، بیش از پانزده حدیث (۲) که نه مورد آن از حیث سند، معتبر است، در مورد ندای ابلیس وارده شده است. و به راحتی نمی توان این روایات را کنار

ص: ۱۴۲

---

۱- «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۳۲.

۲- منبع این روایات در مباحث ندای ابلیس به تدریج ذکر می شود.

گذاشت؛ گرچه این اخبار نسبت به اخبار ندای آسمانی و معرفی نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کمتر است، ولی در صورت عدم تعارض نمی توان آنها را ترک کرد.

ثانیاً، در اخبار ندای آسمانی، عبارت هایی دال بر همگانی بودن و شنیدن هر قومی با زبانشان وجود داشت، ولی در اخبار ندای ابلیس، عبارتی که بر همگانی بودن آن دلالت داشته باشد، وجود ندارد؛ مگر این که از روی تقابل با ندای آسمانی و همگانی بودن ندای آسمانی، قائل به همگانی بودن آن شویم. و به همین جهت، مانند سحر جادوگران مقابل معجزه حضرت موسی علیه السلام است؛ بدین معنا که به وضوح، حق از باطل متمایز است، ولی اهل باطل به دنبال بهانه ای هستند تا به حق روی نیاورند. و حتی اگر نام «ابلیس» در اکثر اخبار ندای شیطانی نیامده بود، قائل به ندای شیطانی انسی می شدیم و آن را به وسیله ابزار ساخت بشر معرفی می کردیم.

همچنین در دو روایت از این اخبار که در قسمت های بعدی می آید، این ندا تشبیه به ندای ابلیس در جمره عقبه شده است و در تاریخ نیز چنین ندایی ثبت شده است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

إن أمرنا قد كان آيين من هذه الشمس ثم قال: ينادى مناد من السماء فلان بن فلان هو الامام باسمه و ينادى ابليس لعنه الله من الارض كما نادى برسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ليلة العقبة؛ همانا امر ما روشن تر از این خورشید است. سپس فرمود: منادی از آسمان ندا می دهد به نام فلان بن فلان که او امام است و ابلیس، لعنت خدا بر او باد، از زمین ندا می دهد؛ همان طور که در شب عقبه بر ضد رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم ندا داد. (۱)

در حدیث فوق، امر اهل بیت علیهم السلام در دوره آخر الزمان، ابین من الشمس معرفی شده و این مطلب، نشان گر وضوح و شناسایی راحت ندای آسمانی و ندای ابلیس است و اگر کسی خود، مشکل نداشته باشد، دنباله روی از ندای حق، آسان خواهد بود. در این بخش به معرفی ندای ابلیس می پردازیم:

### یکم: ویژگی های ندای شیطانی

#### ۱. ندا دهنده

اغلب روایات، ندادهنده را به عنوان ابلیس معرفی می کنند. این احادیث با عبارت های: «صوت الملعون ابلیس»، (۲) «صوت ابلیس اللعین»، (۳) «ینادی ابلیس»، (۴) «ینادی ابلیس لعنه الله»، (۵) «لا یدعهم ابلیس حتی ینادی»، (۶) «صعد ابلیس اللعین... ثم ینادی»، (۷) «صعد ابلیس فی الهواء... ثم ینادی»، (۸) «صوت ابلیس» (۹) و «واحد من ابلیس» (۱۰) دلالت بر منادی بودن ابلیس لعین دارند.

ص: ۱۴۴

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۴- «الارشاد»، ص ۳۵۸؛ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۴۵۹؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴.

۵- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۱.

۶- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸.

۷- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۸- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۹- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۳.

۱۰- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۱.

از میان این ده روایت \_ که منادیِ ندایِ شیطانی را ابلیس معرفی می کنند \_ پنج حدیث از حیث سند معتبر هستند. علاوه بر این روایات، سه حدیث شیطان را به عنوان منادی معرفی می کنند. این احادیث با عبارت های: «ینادی الشیطان»،<sup>(۱)</sup> «إن الشیطان ینادی»<sup>(۲)</sup> و «إن الشیطان لایدعهم حتی ینادی»<sup>(۳)</sup> وارد شده است و دو حدیث آخر از جهت سند معتبر هستند. با توجه به احادیث فوق، مراد از شیطان در این سه روایت، همان ابلیس لعین است.

اگر لفظ «شیطان» فقط در احادیث آمده بود، می توانستیم ندای شیطانی را به انسان های شیطان صفت و بدانندیش نسبت دهیم؛ زیرا بر اساس آیات قرآنی، شیاطین از جن و انس هستند؛ اما به دلیل ذکر لفظ «ابلیس» در اکثر روایات و بنا بر عَلم بودن این لفظ بر فرد خاصی از جنیان، نمی توان این ندا را به انسان ها و ابزار ارتباطی آنان نسبت داد. در نتیجه، خداوند برای آزمایش انسان ها بعد از ندای آسمانی این قدرت را به «ابلیس» می دهد تا کسانی که اهل باطل هستند را دور خود جمع کند.

## ۲. مکان ندای شیطانی

بیشتر احادیث با عبارت های «و الصوت الثانی من الارض»،<sup>(۴)</sup> «ینادی ابلیس... من الارض»،<sup>(۵)</sup> «ینادی ابلیس لعنه الله من الارض»،<sup>(۶)</sup> «صوت ابلیس

ص: ۱۴۵

- 
- ۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۷.
  - ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.
  - ۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۳، باب ۱۴، حد ۲۹.
  - ۴- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.
  - ۵- «الارشاد»، ص ۳۵۸؛ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۴۵۹؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵. حد ۴۲۵.
  - ۶- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.

من الارض»<sup>(۱)</sup> زمین را به عنوان مکان ندای شیطان معرفی می کنند، ولی دو حدیث با عبارت های: «صعد ابليس اللعين حتى يتواری من الارض فی جو السماء ثم ینادی»<sup>(۲)</sup> و «صعد ابليس فی الهواء حتى يتواری عن اهل الارض ثم ینادی»<sup>(۳)</sup> مکان ندا را آسمان می دانند. از میان این روایات، پنج حدیث، مکان ندا را زمین معرفی می کنند که یکی از آنها از جهت سند، معتبر است و از دو روایت دلالت کننده بر آسمان بودن مکان ندای شیطانی، حدیث دوم از حیث سند، معتبر است. حال سؤال این است که چگونه می توان این تناقض را حل کرد؟

برای این مسئله، دو راه حل می توان ارائه داد:

راه حل اول: این که با توجه به کثرت روایات دسته اول، از احادیث دسته دوم صرف نظر کنیم و مکان ندا را زمین بدانیم.

راه حل دوم: ندای ابليس از میان آسمان است تا در فضا پخش شود و به گوش همگان برسد، ولی از آن جا که امری باطل و ناحق است، زمینی معرفی شده است. در مقابل، ندای آسمانی چون امری الهی و حق است، آسمانی مطرح شده است. مؤید این مطلب، روایتی است که با سند صحیح از هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. در این حدیث آمده است:

ص: ۱۴۶

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

«واحد من السماء و واحد من ابليس»<sup>(۱)</sup>. در این حدیث به جای زمینی معرفی کردن ندای شیطانی در مقابل آسمانی مطرح کردن ندای آسمانی، آن را از ابلیس معرفی می کند؛ گویا مراد امام از آسمانی بودن ندای آسمانی، حقانیت آن می باشد که عبارت را این گونه بیان کرده است.

### ۳. زمان ندای شیطانی

#### اشاره

بیشتر احادیث، بدون ذکر سال و ماه و روز ندای شیطانی به بیان این که کدام قسمت از روز یا شب بودن آن مراد است، از این میان، روایاتی که زمان آن را آخر روز می دانند، بیشتر است و احادیثی نیز زمان آن را آخر شب یا فردای اعلان ندای آسمانی مطرح می کنند. در این جا به بیان این سه دسته از روایات می پردازیم:

#### دسته اول: احادیثی که زمان ندای شیطانی را آخر روز می دانند:

این روایات با عبارت های: «و فی آخر النهار صوت الملعون ابلیس»<sup>(۲)</sup> «ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار»<sup>(۳)</sup> «ثم ینادی ابلیس لعنه الله فی آخر النهار»<sup>(۴)</sup> «ینادی مناد فی آخر النهار»<sup>(۵)</sup> و «ینادی آخر النهار»<sup>(۶)</sup> بر آخر روز بودن ندای

ص: ۱۴۷

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۱؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۵، باب ۲۶، حد ۴۹.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵؛ «الارشاد»، ص ۳۵۸؛ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۴۵۹.

۴- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۱.

۵- «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۴.

۶- «الکافی»، ج ۸، ص ۱۷۷، حد ۲۵۳.

شیطانی دلالت دارند و آن را در مقابل ندای آسمانی اول روز می دانند. البته حدیث اول که عبارت آن از روایت ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، ندای آخر روز را در مقابل ندای شب بیست و سوم می داند.

از میان شش روایت فوق، سه حدیث از حیث سند معتبرند که عبارت های دوم، سوم و چهارم از آنها نقل شده است.

### **دسته دوم: احادیثی که زمان ندای ابلیس را آخر شب معرفی می کنند**

دو حدیث با عبارت های: «لایدعهم ابلیس حتی ینادی (فی آخر اللیل)»<sup>(۱)</sup> و «هما صیحتان صیحه فی اول اللیل و صیحه فی آخر اللیله الثانیه»<sup>(۲)</sup> بر آخر شب بودن ندای شیطانی دلالت دارند.

هر دو حدیث از جهت سند معتبرند و اولی از زراره و دومی از هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. روایت اولی در یک نسخه، عبارت «فی آخر اللیل» است و حدیث دوم، ندای ابلیس را آخر شب دوم در مقابل ندای آسمانی که اول شب است، می داند. بدین معنا که اگر امشب در اوایل شب ندای آسمانی واقع شود، در آخر شب فردا ندای ابلیس رخ می دهد.

### **دسته سوم: احادیثی که زمان ندای شیطانی را فردای ندای آسمانی می دانند**

سه حدیث با عبارت های: «فاذا کان من الغد صعّد ابلیس اللعین... ثم ینادی»<sup>(۳)</sup> «فاذا کان من الغد صعّد ابلیس فی الهواء... ثم ینادی»<sup>(۴)</sup> و عبارت

ص: ۱۴۸

- 
- ۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸.
  - ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۱.
  - ۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.
  - ۴- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

دوم روایات دسته دوم که زمان آن را «آخر اللیله الثانیه» می دانست، زمان ندای ابلیس را فردای ندای آسمانی می دانند.

از میان این سه روایت، حدیث دوم و سوم از حیث سند معتبرند. این روایات از عبدالصمد بن بشیر و عبدالله بن سنان و هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده اند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

برای جمع بندی بحث چند فرض قابل تصور است:

فرض اول؛ این که بنا بر کثرت احادیث دسته اول، زمان ندای ابلیس را آخر روز ندای آسمانی اول روز بدانیم، یعنی اگر ندای آسمانی را در شب و اول روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان دانستیم، زمان ندای ابلیس را آخر همان روز بیست و سوم بدانیم و روایات دیگر را کنار بگذاریم.

فرض دوم؛ این که بنا بر پذیرش تعدد ندای آسمانی، قائل به تعدد ندای شیطانی یکی در آخر شب بیست و سوم و دیگری در آخر روز بیست و سوم شویم، این که یا ندای اول شیطانی را آخر روز بیست و سوم و ندای دوم شیطانی را آخر همان شب، یعنی شب بیست و چهارم بدانیم که نسبت به ندای اول آسمانی \_ که در شب بیست و سوم است \_ آخر شب دوم محسوب می شود.

فرض سوم؛ این که برای ندای آسمانی، دو زمان مطرح شده است. بنا بر پذیرش تکرار ندای آسمانی در شب و اول روز بیست و سوم، زمان ندای



آسمانی به اعتبار ندای آسمانی در شب، فردا و به اعتبار ندای آسمانی در اول روز، آخر روز محسوب می شود. همچنین اول شب یا آخر شب بودن را می توان به وسیله اختلاف در افق حل کرد، یعنی هنگام ندای ابلیس در برخی مناطق، هنگام غروب است و در مناطق دیگر با چند ساعت اختلاف نیمه شب است.

نکته پایانی؛ آن چه تمامی این احادیث در آن مشترک هستند و به آن اشاره دارند، بعد آمدن ندای ابلیس نسبت به ندای آسمانی است، یعنی ندای آسمانی چه یک بار باشد چه دوبار؛ قبل از ندای ابلیس اعلان می شود.

#### ۴. محتوای ندای شیطانی

##### اشاره

مضمون ندا پوشاندن لباس حق بر سفیانی و پیروانش است و در این جهت مانند صدر اسلام از پیراهن خونین عثمان استفاده می شود. روایات در این موضوع را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

##### دسته اول: احادیثی که بیان کننده ادعای مظلومیت است:

سه حدیث با عبارت های: «ینادی ألا إن فلاناً قتل مظلوما... ینادی باسم فلان أنه قتل مظلوماً»، (۱) «ثم ینادی، ألا إن عثمان قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه» (۲) و «ینادی ألا إن الحق فی عثمان بن عفان و شیعتہ فإنه قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه» (۳) بر به ناحق ریخته شدن خون خلیفه سوم دلالت می کنند و در حدیث سوم از مردم می خواهد که به خونخواهی عثمان برخیزند و این خونخواهی،

ص: ۱۵۰

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

زیر پرچم «سفیانی» \_ که از دودمان بنی امیه است \_ بیان می شود.

روایت سوم که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، از جهت سند، معتبر است.

### دسته دوم: احادیثی که بیان کننده ادعای حقانیت و رستگاری است.

هشت روایت با عبارت های: «ألا إن الحق مع عثمان و شيعته»،<sup>(۱)</sup> «إن فلاناً و شيعته على الحق یعنی رجلاً من بنی امیه»،<sup>(۲)</sup> «ألا ان الحق فی السفیانی و شيعته»،<sup>(۳)</sup> «إن فلاناً و شيعته هم الفائزون لرجل من بنی امیه»،<sup>(۴)</sup> «ألا إن الحق فی عثمان و شيعته»،<sup>(۵)</sup> و «ألا إن عثمان و شيعته هم الفائزون»<sup>(۶)</sup> بر حقانیت عثمان و سفیانی و پیروانشان دلالت می کنند و مراد از پیروان عثمان، همان سفیانی و پیروانش هستند. از میان این هشت حدیث، شش روایت از حیث سند معتبرند که عبارت های اول، سوم، چهارم، پنجم، ششم و حدیث سوم دسته اول که با عبارت «ألا إن الحق فی عثمان بن عفان و شيعته» بر این مطلب دلالت می کرد، از آنها نقل شده اند.

نویسنده ای در نقد محتوای ندای ابلیس قائل به این است که:

آن چه صحیح به نظر می رسد؛ همان ندای جبرئیل به نام و نسب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و این که جبرئیل از علی علیه السلام و ابلیس از

ص: ۱۵۱

- 
- ۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵؛ «الارشاد»، ص ۳۵۸؛ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۴۵۹.
  - ۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۷.
  - ۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴.
  - ۴- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.
  - ۵- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۱.
  - ۶- «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۴.

عثمان سخن بگویند، قابل پذیرش نیست. دلایل این سخن چنین است:

الف. آن چه از علی علیه السلام و عثمان سخن می گوید، فقط سه روایت است؛ چون هر دو مربوط به پاسخ امام ششم به مردی همدانی است. دیگری خبری است که شیخ مفید و شیخ طوسی آورده اند. البته در این خبر، نام عثمان به صورت مطلق آمده؛ از این رو بعضی احتمال داده اند که مراد، «عثمان بن عنبسه»، یعنی سفیانی است، ولی ثبوت این نام برای سفیانی، محل تردید، بلکه غیر قابل قبول است و با توجه به مقابله آن با نام علی علیه السلام نمی تواند غیر از «عثمان بن عفان» باشد. در غیر این چند روایت - که البته اسناد مختلفی دارند، ولی مضمون آنها دو مورد بیشتر نیست - به نام عثمان تصریح نشده است، بلکه در چند روایت، «فلان» آمده و در دو روایت، تعبیر «مردی از بنی امیه» اضافه شده است که به نظر می رسد تفسیر راوی است نه گفتار معصوم.... در مجموع به نظر می رسد یا کلمه علی علیه السلام و عثمان از اضافه ها و اشتباه های راویان باشد و یا مراد از «کسی که مظلوم کشته شده» یا «مردی از بنی امیه» همان سفیانی است؛ نه عثمان بن عفان که در نقل شیخ صدوق به آن تصریح شده است؛ زیرا شیخ صدوق، ندای ابلیس را این گونه نقل کرده که می گوید: «حق با سفیانی و طرف داران اوست».

ب. امروز - که نزدیک به چهارده سده از نزاع طرفداران امیر مؤمنان (شیعه علی = الشیعه) و هواداران عثمان (شیعه عثمان = العثمانیه) گذشته است - تقریباً بیشتر مردم جهان از این دو

گروه، اطلاع لازم و کافی را ندارند؛ چه رسد در هنگام ظهور که معلوم نیست با وجود ظلم و فساد فراوان، چه اندازه مسلمان وجود داشته باشد تا علی علیه السلام و عثمان بن عفان را بشناسند. پس چگونه ممکن است جبرئیل و ابلیس، فریادی بزنند که اکثریت مخاطبان، آن را نمی فهمند و به منظور آنان پی نمی برند؟! به علاوه، چرا معاویه در مقابل علی علیه السلام قرار داده نشده یا دو نفر دیگر که مدار حق و باطلند، معرفی نشده اند؟...

ج. به طور کلی، روایت هایی که ندای جبرئیل را مربوط به علی علیه السلام و ندای ابلیس را مربوط به عثمان می داند، با احادیثی که ندای جبرئیل را درباره معرفی قائم و ندای ابلیس را انحراف مردم از او می داند، توان مقابله ندارد؛ چون این روایت ها انسجام دارد....(۱)

نقد و بررسی سخن وی

اولاً، به نظر می رسد محوریت ندای شیطانی، معرفی کردن سفیانی به عنوان چهره بر حق است، اما برای اصالت دادن و اثبات حقانیت حرکت سفیانی، نام عثمان بن عفان، خلیفه سوم در ندا مطرح و حقانیت و مظلومیت او بیان می شود تا سفیانی که خود را از پیروان او و دودمان بنی امیه معرفی می کند، با این پشتوانه، و جاهتی در میان مسلمانان پیدا کند و آنان دنباله رو سفیانی شوند.

ثانیاً، ندای ابلیس، واکنشی در برابر ندای آسمانی است تا تأثیر اولیه آن

ص: ۱۵۳

---

۱- تأملی در روایت های علائم ظهور؛ «فصلنامه انتظار»، سال سوم، ش ۹ و ۸، ص ۳۳۰.

را که ایمان و تسلیم همگان بود \_ از آن بگیرد و حداقل، عده ای را دچار شک و تردید کند و آنان را از حمایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باز دارد. و بهترین وسیله برای ایجاد تردید میان مسلمانان با توجه به اکثریت آنان که سنی هستند و اعتقاد به خلفای چهارگانه دارند، مطرح کردن پیراهن خونین عثمان است؛ گرچه قرن ها از این جریان می گذرد، ولی سفیانی که از دودمان بنی امیه است، برای اثبات حقانیت خود، دستمایه ای بهتر از این ندارد و گرچه ندای آسمانی، همگانی است و تمامی مردم جهان، آن را می شنوند، ولی مرکز ثقل تحرکات و نبردها و مشخص شدن جبهه پیروز منطقه خاورمیانه است و در این منطقه که تقریباً تمامی مردم، مسلمان هستند، حضرت علی علیه السلام و عثمان بن عفان را به خوبی و به عنوان خلیفه سوم و چهارم می شناسند. همچنین اختلافاتی میان شیعه و سنی وجود دارد و مشاهده می شود هم اکنون این اختلاف ها تا حد تکفیر و حلال شمردن ریختن خون مسلمانان وجود دارد.

ثالثاً، در شش روایت، ادعای مظلومیت یا حقانیت «عثمان» مطرح شده است و نام او را آورده اند که از میان اینها چهار روایت با سند صحیح از کتاب های معتبر نقل شده است. از طرف دیگر، نه روایت، حقانیت یا رستگاری علی علیه السلام و شیعیانش را در محتوای ندای آسمانی آورده اند که سند شش حدیث از آنها معتبر است و نمی توان به راحتی این روایات را کنار گذاشت.

رابعاً، اگر این گونه مطالب را در احادیث، به اشتباه راویان یا اضافات آنان نسبت دهیم؛ به خصوص احادیثی که با سند معتبر در کتاب های معتبر

آمده اند، آیا می توان دیگر به حدیثی اعتماد کرد؟! همچنین به سبب یک روایت که در آن به جای «عثمان»، کلمه «سفیانی» آمده است، آیا می توان گفت این یک روایت درست است، ولی تعداد زیادی از احادیث که کلمه «عثمان» دارند، اشتباه است. اگر بنا بر اشتباه بودن باشد، باید این یک حدیث را اشتباه بدانیم و آن را بر احادیث دیگر حمل کنیم.

## ۵. تشبیه ندای شیطانی

دو روایت، ندای ابلیس را شبیه به ندای او در جمره عقبه دانسته اند. در بخش اول، فصل چهارم (بحث پیشینه تاریخی ندای آسمانی در اسلام) به ندای ابلیس در جمره عقبه اشاره شد.

این دو روایت با عبارت های:

ینادی ابلیس لعنه الله من الارض کما نادى برسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ليله العقبه؛ ابلیس لعنه الله از زمین ندا می دهد همان طور که شب عقبه بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ندا داد. (۱)

و: إن الشيطان لا يدعهم حتى ينادى کما نادى برسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يوم العقبه؛ همانا شیطان، آنها را به حال خود وا نمی گذارد و ندا می دهد؛ همان طور که در روز عقبه بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ندا داد. (۲)

روایت اول از میمون البان از امام محمد باقر علیه السلام و روایت دوم از زراره بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است.

ص: ۱۵۵

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۳، باب ۱۴، حد ۲۹.

حدیث دوم از حیث سند، معتبر است، اما حدیث اول با نقل تاریخی، سازگارتر است؛ زیرا زمان ندای ابلیس را روایت اول شب بیان می‌کند و در نقل‌های تاریخی، زمان ندا، شب مطرح شده است، ولی در روایت دوم، زمان آن را روز می‌داند؛ مگر این که بگوییم مراد از «یوم»، روز در مقابل شب نیست، بلکه مراد، زمان است. یعنی همان طور که در زمان عقبه، شیطان هنگام بیعت اهل یترب با پیامبر گرامی اسلام ندا داد، بعد از ندای آسمانی هم ندا می‌دهد.

هر دو معنا برای «یوم» در کتاب‌های لغت آمده است. راغب اصفهانی می‌نویسد:

اليوم يعبر به عن وقت طلوع الشمس إلى غروبها وقد يعبر به عن مده من الزمان ای مده کانت؛ مراد از یوم، از وقت طلوع شمس تا غروب آن است و گاهی یوم به مدتی از زمان، هر مقدار که باشد، اطلاق می‌شود. (۱)

### دوم: هدف از ندای شیطانی

ندای ابلیس در پایان روزی که ندای آسمانی در آن رخ می‌دهد، نشان دهنده واکنش سریع اهل باطل به سرکردگی ابلیس است و هدف آن، یعنی جلوگیری از تأثیر ندای آسمانی و تردید و شک در دل شنوندگان آن مشخص است. در دو روایت به این هدف ندای ابلیس با عبارت‌های: «لشکک الناس و یفتنهم» (۲) و «یشکک الناس» (۳) اشاره شده است. در حدیث

ص: ۱۵۶

---

۱- «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۵۵۳، کتاب الیاء.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۳- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸.

دوم که از حیث سند، معتبر است، زراره بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد:

آیا ندا، همگانی است یا گروه خاصی می شنوند؟ امام پاسخ می دهد: همگانی است و هر قومی با زبانش، آن را می شنود. باز می پرسد: پس چه کسی با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت می کند؛ در حالی که به نامش ندا داده شده است؟ امام پاسخ می دهد: ابلیس، آنان را رها نمی کند تا این که ندا می دهد و در مردم، ایجاد تردید می کند.

### سوم: تأثیر ندای شیطانی

#### اشاره

تأثیر ندای ابلیس بر اهل باطل است. آنها با شنیدن ندای آسمانی، در برابر این معجزه آسمانی، سر تسلیم فرود می آورند، ولی وقتی ندای ابلیس را می شنوند، دگرگون شده و نظر اولشان را کنار می گذارند. در احادیث ندا به واکنش آنان بعد از شنیدن ندای شیطانی اشاره شده است. بیان آنها:

#### ۱. شک و تردید در ندای آسمانی

چهار حدیث که دو مورد آن دارای سند معتبر است، با عبارت «فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمَبْطُلُونَ»<sup>(۱)</sup> شک و تردید اهل باطل را بعد از شنیدن ندای ابلیس بیان می کنند و در روایتی از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام می خوانیم:

ص: ۱۵۷

---

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵ و ص ۴۵۴، حد ۴۶۱؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴؛ «الارشاد»، ص ۳۵۸.



فکم فی ذلک الیوم من شاک متحیر قد هوی فی النار؛ چه بسا شک کنندگان سرگردانی که در آن روز به آتش می افتند. (۱)

و در حدیث دیگری که از جهت سند معتبر است، از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است:

و یرتاب یومئذ الذین فی قلوبهم مرض و المرض و الله عداوتنا؛ و در آن روز، کسانی که در دل هایشان بیماری است، به شک می افتند و مرض به خدا قسم، دشمنی با ماست. (۲)

با توجه به این احادیث می توان گفت که تردیدکنندگان در ندای آسمانی، کسانی جز اهل باطل و دشمنان اهل بیت علیهم السلام نیستند. آنها وقتی ندای ابلیس را می شنوند، دلگرم شده و در پی مقابله با ندای آسمانی و اهل حق برمی آیند.

## ۲. بازگشت از ندای آسمانی

وقتی ندای دوم داده می شود، اهل باطل، بعد از تردید در ندای حق، از آن باز می گردند و اعمال آنان باعث گمراهی شان می شود و حتی پا را فراتر گذارده و نسبت سحر و جادو به اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنان می دهند. دو حدیث با عبارت های:

فیرجع من اراد الله عزوجل بهم سوءاً و یقولون هذا سحر الشیعه و حتی یتناولونا و یقولون؛ هو من سحرهم و هو قول

ص: ۱۵۸

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

الله عزوجل: و ان يروا آية يعرضوا و يقولوا سحر مستمر؛ کسانی که خداوند برای آنان (به سبب اعمالشان) بدی می خواهد، (از ندای آسمانی) باز می گردند و می گویند: آن از جادوی شیعه است و حتی پا را فراتر گذاشته و می گویند آن از سحر آنان (اهل بیت علیهم السلام) است و این، همان کلام خدای عزوجل است: وقتی آیه و معجزه ای می بینند، روی بر می گردانند و می گویند سحر پایدار است. (۱) و (۲)

و:

فعند ذلك يتبرؤون منا و يتناولونا فيقولون: إن المنادی الأول سحر من سحر اهل البيت ثم تلا ابو عبدالله عليه السلام قول الله عزوجل؛ و إن يروا آية يعرضوا و يقولوا سحر مستمر؛ و در آن هنگام (وقت شنیدن ندای ابلیس) از ما بیزاری می جویند و پا را فراتر گذاشته و می گویند: همانا منادی اول، سحری از جادوی اهل بیت (علیهم السلام) است. سپس امام صادق علیه السلام قول خدای عزوجل را تلاوت فرمود: وقتی آیه ای می بینند، روی بر می گردانند و می گویند سحر، پایدار است. (۳)

حدیث دوم که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، از جهت سند، معتبر است.

ندای شیطانی، تأثیری بر اهل حق جز ثابت قدمی بیشتر آنان ندارد؛ زیرا

ص: ۱۵۹

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۲- قمر (۵۴): آیه ۲.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۲، باب ۲۶، حد ۴۰.

آنان با شناختی که از دو ندا و محتوایشان دارند و پیدا می کنند، متوجه می شوند که ندای حق، همان ندای آسمانی است.

در ذیل، روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام \_ که به قسمتی از آن در بالا اشاره شد \_ آمده است:

فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء الأول؛ خداوند، اهل ایمان را بر قول ثابت بر حق، ثابت قدم، نگاه می دارد و آن، همان ندای اول است.

ص: ۱۶۰

### اشاره

ندای آسمانی، اعلان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان برای آگاهی و هدایت اهل ایمان و اتمام حجتی برای دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. حال در قبال آن، وظایفی متوجه ماست که در این قسمت به بیان وظیفه های مخاطبان می پردازیم:

### الف. شناخت ندای آسمانی

#### اشاره

هر عملی که با شناخت و آگاهی قبل از آغاز، توأم نباشد، بعید است به نتیجه برسد، اما برای شناخت درست ندای آسمانی و تشخیص آن از ندای شیطانی، روش هایی از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است که در این جا بدان ها می پردازیم:

#### یکم: اول بودن ندای آسمانی

مراد از اول بودن ندای آسمانی، این است که قبل از ندای ابلیس، واقع می شود و اگر ندای آسمانی، دو ندای متوالی باشد، محتوایشان هدایت به سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در یکی، خود حضرت و در دیگری راه و پیروان حضرت معرفی می شوند و دو ندا به سوی یک شخص دعوت

می کنند؛ ولی این ندای ابلیس است که با نداهای قبلی خود تقابل دارد و بعد از آنها واقع می شود.

در سه حدیث به اول بودن ندای آسمانی با عبارت های ذیل اشاره شده است:

«فان الصوت الاول هو صوت جبرئیل الروح الامین علیه السلام... و الصوت الثانی من الارض و هو صوت ابلیس»، (۱) «فیؤمن اهل الأرض جميعاً للصوت الاول» (۲) و «فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء الاول» (۳).

لازم به ذکر است که روایت سوم از حیث سند، معتبر است.

## دوم: شناخت قبلی

اگر انسان از قبل با موضوعی آشنا باشد هنگام مواجهه با آن، راه درست را سریع تشخیص می دهد. این مطلب در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است که در این جا به پنج مورد از آن اشاره می کنیم:

۱. قلت: فمن يعرف الصادق من الكاذب؟ قال: يعرفه الذین كانوا یروون حدیثنا و یقولون: إنه یكون قبل أن یكون و یعلمون أنهم هم المحقون الصادقون؛ (۴) زراره بن اعین می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: ندای صادق از ندای کاذب چگونه شناخته می شود؟ فرمود: کسانی که حدیث ما را روایت می کنند آن را می شناسند و می گوید: این مطلب قبل

ص: ۱۶۲

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۴- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.

از این که واقع شود، مشخص بوده است و آنان می دانند که خودشان بر حق و صادق می باشند.

۲. و یصدق بها اذا كانت من كان مؤمنا يؤمن بها قبل أن تكون، قال: إن الله عزوجل يقول: «أفمن يهدى الى الحق أحق أن يتبع أمن لا يهدى إلا ان يهدى فما لكم كيف تحكمون»؛ (۱) (۲) عبدالرحمن بن مسلمه می گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: مردم، ما را نکوهش می کنند و می گویند: از کجا حق را از باطل تشخیص می دهید وقتی دو تاست؟ فرمود: شما چه پاسخی می دهید؟ گفتم: جوابی به آنان نمی دهیم. فرمود: به آنان بگویید: آن را کسی که اهل ایمان باشد و به آن قبل از واقع شدنش اعتقاد داشته باشد، تصدیق می کند. همانا خدای عزوجل می فرماید: آیا کسی که به راه حق، هدایت می کند، سزاوارتر است که از او پیروی شود یا کسی که راه نمی یابد مگر آن که راه برده شود، شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟

۳. إن الذی اخبرنا بذلک و أنت تنکر أن هذا یكون هو الصادق؛ (۳) هشام بن سالم می گوید به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: جریری برادر اسحاق به ما می گوید: شما می گوئید: دو ندا است. پس کدام یک صادق و کدام یک دروغ است. امام صادق علیه السلام فرمود: به او بگویید: به درستی که آن کسی که ما را

ص: ۱۶۳

---

۱- «الکافی»، ج ۸، ص ۲۰۸، حد ۲۵۲؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۲.

۲- سوره یونس؛ ۱۰، آیه ۳۵.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۳، باب ۱۴، حد ۳۰.

از آن آگاه کرد، او صادق است؛ در حالی که تو نمی پذیری آن واقع می شود.

۴. و «يعرفها من كان سمع بها قبل أن تكون»؛<sup>(۱)</sup> در حدیث دیگری، هشام بن سالم می گوید از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: چگونه این از آن شناخته می شود؟ فرمود: کسی که قبل از واقع شدنش، آن را شنیده باشد - که واقع می شود- آن را می شناسد.

و حدیث پنجم موقوفه است و از داود بن فرقد نقل شده<sup>(۲)</sup> و مشابه حدیث دوم است. از میان این روایات، احادیث اول، سوم و چهارم از جهت سند معتبر هستند. در روایت اولی، امام، راویان حدیث اهل بیت علیهم السلام را دارای شناخت ندای بر حق معرفی می کند و در حدیث دوم، گرچه سؤال از شناخت ندای حق از باطل است، ولی چون پرسش سؤال کنندگان: از روی انکار است و نمی خواهند بپذیرند، امام پاسخ می دهد: کسی که قبل از واقع شدنش به آن ایمان داشته باشد، آن را تصدیق می کند. یعنی علاوه بر آگاه بودن، اعتقاد به رخ دادن ندای آسمانی نیز لازم است. در حدیث سوم، باز چون سؤال از روی انکار است، امام پاسخ می دهد آن کسی که ما را از آن آگاه کرد و تو آن را انکار می کنی، او صادق است، یعنی اهل بیت علیهم السلام، خبری از آینده داده اند و شرط پذیرش آن، صادق دانستن اش آن است و گویا برخی از عامه با این سؤال به دنبال استهزا و عدم تصدیق کلام اهل بیت علیهم السلام بوده اند و

ص: ۱۶۴

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۱.

۲- «الکافی»، ج ۸، ص ۱۷۷، حد ۲۵۳.

در حدیث چهارم، شناخت ندای حق از باطل را منوط به شناخت قبلی می دانسته و حدیث پنجم، مشابه حدیث دوم است. در نتیجه، در این مورد، انسان می بایست دین شناس باشد و خود از روایان حدیث اهل بیت علیهم السلام باشد و یا از آنان بی‌رسد و از مسائل مهم دین خود آگاه شود.

### سوم: شناخت از روی محتوا

ندای آسمانی، مردم را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت می کند. یعنی کسی که مسلمانان، او را شناخته و می دانند از اهل بیت علیهم السلام است. در حالی که ندای ابلیس، مردم را به سوی فردی از نسل بنی امیه فرا می خواند؛ یعنی کسانی که در طول تاریخ اسلام، در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام ایستادند. بنابراین، نباید شناخت ندای حق از باطل، مشکل باشد؛ مگر این که خود انسان، اهل باطل و دنباله روی باطل صفتان باشد.

در روایت ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام آمده است:

و علامه ذلك أنه ينادي باسم القائم و اسم ابيه؛ و نشانه ندای حق، آن است که ندا به اسم قائم و اسم پدرش می دهد. (۱)

### چهارم: پرسش از عالمان دین

انسان باایمان یا باید خودش، کارشناس دین باشد و یا این که از کسانی که دین را می شناسند، مسائل دینی را بیاموزد و از آن جا که ندای آسمانی از جمله مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است و آن حضرت، امام زمان ماست، باید از چگونگی آن آگاه باشیم و یا در صورت رخ دادن، چگونگی آن

ص: ۱۶۵

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.



را از آگاهان مسائل دینی بیرسیم. چرا اهل بیت (علیهم السلام)، ما را به آنان ارجاع داده اند. چنان که وقتی زراره بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد:

فمن يعرف الصادق من الكاذب؟؛ پس چه کسی ندای صادق را از ندای کاذب می شناسد؟ امام پاسخ می دهد: يعرفه الذین كانوا یروون حدیثنا؛<sup>(۱)</sup> کسانی که احادیث ما را روایت می کنند آن را می شناسند.

گویا امام با این جمله، مسیر را مشخص کرده است؛ یعنی یا از راویان حدیث و عالمان دین باش یا از آنان که می شناسند، بیرس.

## ب. پیروی از ندای آسمانی

بعد از شناخت ندای حق و پذیرش آن لازم است تا اگر در زمان ما آن اتفاق رخ داد، دنباله رو و پیرو دستورات وی باشیم و با شنیدن آن، خود را برای یاری و همراهی اش آماده کنیم.

عبارت هایی مانند: «فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فاجاب»،<sup>(۲)</sup> «فلا تشكوا فی ذلك و اسمعوا و اطيعوا»،<sup>(۳)</sup> «فاتبعوا الصوت الاول»،<sup>(۴)</sup> «فاذا نادى فالنفیر النفیر، فوالله لكأنی انظر الیه بین الركن و المقام»<sup>(۵)</sup> از احادیث اهل

ص: ۱۶۶

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۴- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۳.

۵- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۰، باب ۱۴، حد ۲۲؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۵، باب ۲۵، حد ۱۰۳.

بیت علیهم السلام، بر این مطلب دلالت می کنند و لازمه پیروی از ندای حق، بی اعتنایی نسبت به ندای باطل است که اهل بیت علیهم السلام، ما را از دنباله روی آن بر حذر داشته اند: «إياكم و الأخریر أن تفتنوا به»<sup>(۱)</sup>.

ص: ۱۶۷

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ج ۳، ص ۲۵۳، ش ۷۸۳.



بخش سوم: ندهای آسمانی دیگر

اشاره

ص: ۱۶۹

## الف. ندای بعد از بیعت

جبرئیل امین علیه السلام بعد از بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ندایی سر می دهد که در چهار حدیث به این مطلب اشاره شده است. و این ندا در روز دهم محرم واقع می شود.

حدیث اول:

«اول من یبایع القائم علیه السلام جبرئیل ینزل فی صورہ طیر ابیض فیبایعه ثم یضع رجلاً علی بیت الله الحرام و رجلاً علی بیت المقدس ثم ینادی بصوت طلق تسمعه الخلائق، «أتی امر الله فلا تستعجلوه...»؛ اولین بیعت کننده با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، جبرئیل است که به شکل پرنده سفیدی نازل می شود و با او بیعت می کند، سپس یک پا بر بیت الله الحرام و پای دیگر بر بیت المقدس گذارده و با صدای بلندی که آفریدگان، آن را می شنوند، ندا می دهد: امر خدا آمد؛ پس با شتاب، آن را نخوانید. (۱) و (۲).

ص: ۱۷۰

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۸۹، باب ۵۸، حد ۹؛ «تفسیر العیاشی»، ج ۲، ص ۲۵۴، حد ۳! به جای «طلق» کلمه «رفیع» دارد.

۲- نحل (۱۶): آیه ۱.

حدیث دوم:

... لكأنى به فى يوم السبت العاشر من المحرم قائماً بين الركن و المقام جبرئيل عليه السلام عن يده اليمنى ينادى البيعه لله فتصير اليه شيعته من اطراف الارض تطوى لهم طياً حتى يباعوه...؛ گویا به او می نگرم، در حالی که در روز شنبه دهم محرم، میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل علیه السلام، طرف راست اوست که ندا می دهد «البيعه لله». در آن هنگام؛ پیروان او از اطراف زمین، با طی الارض به سوی او می آیند و با او بیعت می کنند. (۱)

حدیث سوم:

... فعند ذلك ينادى باسم القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف فى ليله ثلاثه و عشرين من شهر رمضان و يقوم فى يوم عاشوراء فكأنى انظر إليه قائماً بين الركن و المقام و ينادى جبرئيل بين يديه، البيعه لله فتقبل إليه شيعته؛ در آن هنگام، در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به اسم قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف ندا می دهد و در روز عاشورا قیام می کند، گویا به او می نگرم؛ در حالی که میان رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل در مقابل او ندا می دهد: «البيعه لله»؛ پس پیروان او به سویش می آیند. (۲)

ص: ۱۷۱

---

۱- «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «كشف الغمه»، ج ۲، ص ۴۶۲ و ص ۵۳۴.

۲- «اثبات الهداه»، ج ۳، ص ۵۷۰، باب ۳۲، حد ۶۸۷؛ «كفايه المهتدى»، ص ۲۸۶، ذیل حد ۳۹؛ «تراثنا»، سال چهارم، ش دوم، ص ۲۱۷، حد ۲۰.

حدیث فوق را شیخ حر عاملی و میرلوحی از «مختصر اثبات الرجعه» فضل بن شاذان نقل کرده اند. این کتاب در مجله «تراثنا» آمده است.

حدیث چهارم:

كأني بالقائم يوم عاشورا يوم السبت قائماً بين الركن و المقام بين يديه جبرئيل عليه السلام، ينادى البيعه لله، فيملأها عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛ گویا می نگرم قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف، روز شنبه روز عاشورا بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل علیه السلام، پیشاپیش او ندا می دهد: «البيعه لله»؛ پس آن را پر از عدل می کند؛ همان طور که پر از ظلم و ستم شده بود. (۱)

روایت اول از ابان بن تغلب و حدیث دوم از ابوبصیر و روایت سوم از محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است و حدیث آخر از علی بن مهزیار از امام محمد جواد علیه السلام به دست ما رسیده است.

حدیث اول و سوم از حیث سند معتبر هستند. البته می توان روایت سوم را بنا بر پذیرش اعتبار کتاب «مختصر اثبات الرجعه» معتبر دانست. حدیث اول، نزول جبرئیل علیه السلام را به صورت پرنده سفیدی بیان می کند که با احادیث عامه (۲) در این مورد مشابهت دارد و همچنین محتوای ندا در این روایت، آیه اول سوره نحل است که با محتوای معرفی شده در سه روایت دیگر که «البيعه لله» است، تفاوت دارد. روایت اول، خبر از آمدن امر الهی، یعنی ظهور حضرت مهدی علیه السلام به وسیله آیه می دهد و احادیث دیگر، دیگران را

ص: ۱۷۲

---

۱- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۵۳، حد ۴۵۹.

۲- این روایات در بخش چهارم ذکر می شود.

به بیعت فرا می خوانند.

در روایت اول، این ندا، همگانی معرفی شده است و عبارت «بصوت طلق (رفع) تسمعه الخلائق» بر آن دلالت می کند، ولی در روایات دیگر، سخنی از همگانی بودن ندا نیست؛ گویا این ندا برای یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جمع آوری آنان از اطراف زمین است.

این ندا از علایم حتمی محسوب نمی شود و حتی نمی توان آن را علامت قیام از کنار کعبه دانست؛ زیرا بعد از آن واقع می شود.

## ب. ندای در ماه رجب

یکی از ندهای مطرح شده در روایات ندای آسمانی، ندای در ماه رجب است. در این مورد، دو حدیث به دست ما رسیده که راوی یکی از آنها، از عامه است و از حضرت علی علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام نقل شده، و دیگری، حدیث حسن بن محبوب از امام علی رضا علیه السلام است. این روایت گرچه از جهت سند معتبر است اما نقل های متفاوتی از آن به دست ما رسیده است و همین امر باعث سلب اعتماد در مورد واقع شدن ندا در ماه رجب شده است.

در این قسمت به بحث درباره این احادیث می پردازیم:

روایت اول:

«قال امیر المؤمنین علیه السلام، سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: ... کأنی بهم آیس من کانوا ثم نودی بنداء یسمعه من البعد كما یسمعه من القرب یكون رحمه علی المؤمنین و عذاباً علی المنافقین. قلت: و ما ذلک النداء قال: ثلاثه أصوات فی رجب، اولها: الا لعنه الله علی الظالمین، الثانی؛ أذفت الازفه. و الثالث؛ ترون

ص: ۱۷۳



بدناً بارزاً مع قرن الشمس ینادی؛ الا ان الله قد بعث فلان بن فلان- حتى ینسبه إلى علی- فیه هلاک الظالمین فعند ذلك یأتی الفرج و...؛(۱) گویا می بینم آنان از وضعشان مأیوس شده اند، سپس ندایی داده می شود که از دور، مانند از نزدیک شنیده می شود و آن، رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای منافقان می باشد. پرسیدم آن ندا چیست؟ فرمود: سه صوت در ماه رجب است. اولین صدا: «ألا لعنه الله علی الظالمین»(۲) است و دومین آن: «أزفت الآزفه»(۳) می باشد و سومین آن: صورت نمایانی همراه خورشید می بینند که ندا می دهد: هم اکنون خداوند، فلان، بن فلان را- و نسب او را به حضرت علی علیه السلام می رساند- برانگیخت تا ستم گران را نابود کند و در آن وقت، گشایش می آید.

روایت دوم:

«حدثنا الحسن بن محبوب الزرادی، قال: قالی لی الرضا علیه السلام: ... کأنی به آیس ما کانوا، قد نودوا نداءً یسمعه من البعد كما یسمعه من القرب، یکون رحمه علی المؤمنین و عذاباً علی الکافرین، فقلت: بأبی و أمی أنت و ما ذلك النداء؟ قال: ثلاثه اصوات فی رجب؛ «أولها: الا لعنه الله علی الظالمین» و الثانی: «أزفت الآزفه یا معشر المؤمنین» و الثالث: یرون یداً بارزاً مع قرن الشمس ینادی: «الا ان الله قد بعث فلاناً علی

ص: ۱۷۴

---

۱- «کفایه الاثر»، ص ۱۵۶؛ «بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۱۰۸، باب ۱، حد ۴۲.

۲- هود (۱۱): آیه ۱۸.

۳- النجم (۵۳): آیه ۵۷.

هلاک الظالمین» فعند ذلک یأتی المؤمنین الفرج و...؛ گویا می بینم از وضعشان مأیوس شده اند که ندایی داده می شود و کسی که دور است مانند کسی که نزدیک است، آن را می شنود. آن رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است. پرسیدم: پدر و مادرم فدای شما، آن نداء چیست؟ فرمود: سه صوت در ماه رجب است؛ اولین آنها: «ألا لعنه الله علی الظالمین» و دومی: «أزفت الأزفة یا معشر المؤمنین» و سوم: دست آشکاری همراه خورشید می بینند که ندا می دهد: آگاه باشید همانا خداوند، فلانی را برای نابودی ستم گران فرستاد و در آن وقت، گشایش مؤمنان می آید. (۱)

این حدیث با نقل های متفاوت از یک راوی آمده است. (۲) شیخ طوسی بعد از نقل حدیث به اسنادش از حسن بن علی زیتونی از احمد بن هلال عبرتایی از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام می گوید: در نقل عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن هلال عبرتایی... این گونه آمده است و نقل متفاوتی ذکر می کند. در این قسمت به بیان تفاوت نقل ها می پردازیم:

۱. نقل نعمانی و شیخ طوسی، صوت اول را «الا لعنه الله علی الظالمین» دانسته، ولی نقل مسعودی، آن را «أزفت الأزفة یا معشر المؤمنین» می داند و بالتبع، صوت دوم در نقل شیخ طوسی و نعمانی، بر عکس نقل مسعودی

ص: ۱۷۵

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۱۸۶، باب ۱۰، حد ۲۸.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۹، حد ۴۳۱؛ «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، حد ۳؛ «اثبات الوصیه»، ص ۲۸۱؛ «دلائل الامامه»، ص ۲۴۵؛ «عیون الاخبار»، ج ۲، ص ۶، حد ۱۴.

است.

۲. در نقل نعمانی، هنگام شمردن صوت سوم می نویسد: «یرون یداً بارزاً»، ولی در نقل شیخ طوسی، «یرون بدنأً بارزاً» آورده است.

۳. در نقل نعمانی، محتوای صوت سوم را «ألا- ان الله قد بعث فلاناً علی هلاک الظالمین» دانسته، ولی نقل شیخ طوسی در توصیف «بدنأً بارزاً» آورده است. «هذا امیر المؤمنین قد کر فی هلاک الظالمین» و گویا محتوای صوت را این می داند و خود او می نویسد در نقل حمیری درباره صوت سوم چنین آمده است:

و الصوت (الثالث) بدن یری فی قرن الشمس، یقول: إن الله قد بعث فلاناً فاسمعوا له و اطیعوا.

۴. مهم ترین تفاوت با توجه به یکی بودن راویان؛ نقل شیخ صدوق با نقل شیخ طوسی و نعمانی است و آن، ذکر نکردن محتوای سه ندا و عدم ذکر بودن سه ندا و ذکر نکردن بودن ندا در ماه رجب توسط شیخ صدوق است؛ در حالی که این روایت را هر سه از عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن هلال عبرتایی از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل می کنند. و با توجه به این که مسعودی نیز بودن نداها سه گانه در ماه رجب را نیاورده و فقط محتوای نداها را آورده است، نمی توان به این حدیث اعتماد کرد و با این، بودن ندا در ماه رجب ثابت نمی شود. (۱)

ص: ۱۷۶

---

۱- اگر گفته شود در نقل احادیث، اصل عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه، مقدم است و به دلیل ذکر نشدن نیمی از روایت در نقل شیخ صدوق، نقل شیخ طوسی و نعمانی بر آن مقدم است و با این بیان، ندای آسمانی در ماه رجب توسط این حدیث ثابت می شود، می گوییم: در مورد یک یا دو کلمه یا یک جمله، احتمال غفلت و افتادگی از راوی یا نساخ است، ولی نمی توان پذیرفت که ذکر نکردن چندین سطر توسط شیخ صدوق از روی غفلت باشد، مگر این که بگوییم شیخ صدوق به دلیل عدم اعتماد به بقیه حدیث به دلیل اختلاف در نقل ها از آوردنش صرف نظر کرده است.

یکی از علامت های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خسف بیداء است که سپاه سفیانی در حالی که به دنبال حضرت مهدی علیه السلام \_ بعد از غارت شهر مدینه \_ رهسپار شهر مکه است، در بیابانی به نام بیداء به امر الهی در زمین فرو می رود. مفسران در تفسیر آیه ۵۱ سوره سبأ: «و لو تری إذ فرعوا فلا- فوت و اخذوا من مکان قریب»، مراد از آن را خسف بیداء دانسته اند.

در تفسیر نمونه چنین آمده است:

اگر می بینیم در روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، این آیه تطبیق بر خروج سفیانی و لشکر او شده است که آنها به هنگام حرکت به سوی مکه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می شوند و زمین لرزه شدیدی سبب شکافتن زمین و فرورفتن آنها در آن می شود، در حقیقت، بیان یکی از مصادیق «اخذوا من مکان قریب» است که آنها از نقطه ای که زیر پایشان است، گرفتار عذاب الهی می شوند. مضمون این حدیث را ابن عباس، ابن مسعود، ابوهریره، ابوحنیفه، ام سلمه و عایشه، مطابق آن چه در کتب اهل سنت آمده، از پیامبر گرامی اسلام نقل کرده اند و بسیاری از مفسرین، مانند: تفسیر قمی، مجمع البیان، نور الثقلین و صافی و جمعی از مفسران اهل سنت، مانند: نویسندگان تفاسیر، روح

المعانی، روح البیان و قرطبی در ذیل آیات مورد بحث آورده اند. (۱)

اما آن چه به بحث ما مربوط است، دو روایتیست که خسف را به دنبال ندا یا صدایی از آسمان معرفی می کنند. این احادیث با عبارت های:

و ينزل امير جيش السفیانی الیاء فینادی مناد من السماء؛ یا بیداء ابیدی القوم، فیخسف بهم؛ فرمانده سپاه سفیانی در سرزمین بیداء فرود می آید، پس منادی از آسمان ندا می دهد: ای بیداء قوم را فروگیر و زمین آنان را می بلعد. (۲)

و:

فی قوله تعالی: و لو تری اذ فرعوا، قال: من الصوت و ذلك الصوت من السماء و أخذوا من مكان قریب، قال: من تحت اقدامهم خسف بهم؛ و درباره کلام خدای متعال «و لو تری اذ فرعوا» فرمود: ترس آنان از صداست و آن صدا از آسمان است و «اخذوا من مكان قریب» فرمود: آنان از زیر پاهایشان فرو می روند. (۳)

بر این مطلب دلالت می کنند. روایت اول که از جابر بن یزید از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده و از جهت سند، معتبر است، ندای خسف را از آسمان و دارای محتوا می داند و محتوای آن را خطاب به سرزمین بیداء دانسته که

ص: ۱۷۸

---

۱- «تفسیر نمونه»، ج ۱۸، ص ۱۵۳.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴، حد ۶۷؛ «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۴۴، حد ۱۴۷.

۳- «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۲۰۵.

دستور بلعیدن سپاه سفیانی را به آن زمین می دهد و حدیث دوم که از اَبی الجارود از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، ترس آنان را ناشی از صدایی از آسمان می داند. به هر صورت، این صدا را سپاه سفیانی مانند رعد وحشتناکی می شنوند و سپس، زمین، آنان را درون خود فرو می برد.

در کتاب های عامه نیز به این ندا اشاره شده است. (۱)

## د. ندای باد

در روایتی از ابان بن تغلب از امام جعفر صادق علیه السلام، ندایی به عنوان ندای باد مطرح شده است که در تمام نقاط زمین، ندا می دهد و این ندا پس از خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار کعبه ذکر شده است و محتوای این ندا را «هذا المهدي يقضي بقضاء داود و سليمان و لا يريد عليه بينه» (۲) معرفی می کند.

در این حدیث آمده است:

سَيَأْتِي فِي مَسْجِدِ كَمِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشْرٍ رَجُلًا - يَعْنِي مَسْجِدَ مَكَّةَ - يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُ لَمْ يَلِدْهُمْ آبَاؤُهُمْ وَ لَا أَجْدَادُهُمْ... فَيَبْعَثُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رِيحًا فَتَنَادِي بِكُلِّ وَادٍ...؛ به زودی در مسجد شما سیزده و سیزده مرد جمع می شوند، اهل مکه می دانند آنان فرزندان پدران و اجدادشان نیستند... پس خدای تبارک و تعالی، بادی می فرستد و آن در هر وادی ندا می کند: این مهدی است که به داوری داود و سلیمان، قضاوت می کند و بر آن گواه نمی خواهد.

ص: ۱۷۹

---

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۲۷، حد ۸۹۱؛ «البدء و التاريخ»، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲- «كمال الدين و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۹۰، باب ۵۸، حد ۱۰.

سند این روایت، معتبر است و این حدیث با سند دیگری از ابان بن تغلب در کتاب نعمانی آمده است و از جهت محتوا، شبیه روایت بالاست. در این حدیث آمده است:

... و یبعث الله الريح من كل واد تقول: هذا المهدي يحكم بحکم داود و لایرید بینہ. (۱)

گرچه روایت بالا از حیث سند، معتبر است، ولی منفرد است و روایت دیگری با این محتوا وارد نشده است.

## ه. ندای قبل از پایان دنیا

جدا شدن اهل حق از اهل باطل، پیش از پایان دنیا، در آموزه های ادیان الهی وجود دارد و تبلور آن در دین اسلام، همان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که می آید و اهل حق را بر زمین حاکم می کند و اهل باطل را از میان بر می دارد. در دو حدیث، ندایی با عنوان جدا کننده اهل حق از اهل باطل، قبل از پایان دنیا مطرح شده است:

حدیث اول: ابان بن تغلب می گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

لا تذهب الدنيا حتى ينادى مناد من السماء؛ يا أهل الحق اجتمعوا، فيصيرون في صعيد واحد، ثم ينادى مره اخرى؛ يا أهل الباطل اجتمعوا، فيصيرون في صعيد واحد، قلت: فيستطيع هؤلاء أن يدخلوا في هؤلاء؟ قال: لا والله و ذلك قول الله عزوجل؛ ما كان الله ليذر المؤمنين على ما أنتم عليه حتى يميز

ص: ۱۸۰

---

۱- «الغيبه نعمانی»، ص ۳۲۸، باب ۲۰، حد ۷.

الخبيث من الطيب؛ دنیا به پایان نمی رسد، مگر این که منادی از آسمان ندا می دهد: ای اهل حق، جمع شوید. پس آنان در یک مکان جمع می شوند، سپس بار دیگر ندا می دهد؛ ای اهل باطل جمع شوید، پس آنان در یک خاک جمع می شوند. پرسیدم: آیا آنان می توانند در آنان در آمیزند؟ فرمود: نه به خدا قسم و آن قول خدای عزوجل است: خداوند، مؤمنان را به حالی که شما دارید، رها نمی کند؛ مگر آن که پاک را از پلید، جدا کند. (۱) و (۲).

حدیث دوم: این روایت از عجلان ابی صالح از امام ششم علیه السلام نقل شده و از جهت محتوا، شبیه حدیث اول است. قسمت اول حدیث، این است:

لا- تمضی الأيام و الليالی حتی ینادی مناد من السماء یا اهل الحق اعتزلوا، یا اهل الباطل اعتزلوا، فیعزل هؤلاء من هؤلاء...؛ ترجمه: روزها و شب ها تمام نمی شود تا این که منادی از آسمان ندا می دهد: ای اهل حق، کنار گیرید، ای اهل باطل جدا شوید. پس آنان از آنها جدا می شوند. (۳)

این دو روایت به زمان این جدایی، اشاره ای ندارد و آن را به صورت کلی، قبل از پایان دنیا می داند، یعنی یکی از امور قطعی و سنت الهی، جدایی اهل حق از باطل است و امکان ندارد دنیا پایان یابد و این امر، اتفاق نیفتد.

ص: ۱۸۱

---

۱- «الغیبه نعمانی»، ص ۳۳۵، باب ۲۱، حد ۹؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۶۵، باب ۲۷، حد ۱۴۵.

۲- آل عمران (۳) : آیه ۱۷۹.

۳- «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۰۷، حد ۱۵۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۲۲، باب ۲۵، حد ۸۶.



حدیث اول از جهت سند، معتبر، و روایت دوم به صورت مرسل نقل شده است. و این روایات می تواند به جدایی حق از باطل و صف بندی آنان در مقابل همدیگر اشاره داشته باشد.

ص: ۱۸۲

بخش چهارم: ندای آسمانی از نگاه عامه

اشاره

ص: ۱۸۳

روایاتِ دالّ بر صیحه یا ندای آسمانی در کتاب‌های عامه، سه صوت را مطرح می‌کنند: اولی، صوتی در ماه مبارک رمضان است که اغلب این احادیث، آن را صدایی ترسناک و بدون محتوا می‌دانند. دومی، ندایی است که به بیان نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بر حق بودن ایشان و اطاعت و پیروی از او می‌پردازد و سومی، ندای بعد از خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که فرشته‌ای در بالای سر او ندا می‌دهد.

در این بخش به صورت جداگانه به بررسی سه دسته از روایات مطرح شده می‌پردازیم.

این صدا با تعابیر: «تكون هذّه في شهر رمضان»، (١) «في شهر رمضان الصوت»، (٢) «يكون صوت في رمضان»، (٣) «يكون في رمضان صوت»، (٤) «اذا كانت صيحه في رمضان»، (٥) «تنادوا... في شهر رمضان»، (٦) «الفزعه في شهر رمضان»، (٧) «اذا كان الصوت في شهر رمضان»، (٨) «صوت يسمع من السماء في النصف من شهر رمضان»، (٩) «يسمع في شهر رمضان صوت من السماء»، (١٠) «في رمضان هذّه»، (١١)

ص: ١٨٥

- ١- «المستدرک علی الصحیحین»، ج ٤، ص ٥٦٣، حد ٨٥٨٠؛ «عقد الدرر»، ص ١٤٦.
- ٢- «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ١٩، ص ١٢٣، حد ٢٨٣؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، جلد ٧، ص ٣١٠.
- ٣- «الفتن لابن حماد»، ص ١٥، حد ٦١٤؛ «کنز العمال»، ج ١١، ص ١٩٤.
- ٤- «السنن الوارده في الفتن»، ص ٢٣٨، حد ٥٢٠ و ٥١٩؛ «الفتن لابن حماد»، ص ١٥٠، حد ٦١٣؛ «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ١٨، ص ٣٣٢، حد ٨٥٣.
- ٥- «الفتن لابن حماد»، ص ١٥١، حد ٦١٩؛ «عقد الدرر»، ص ١٤١.
- ٦- «الملاحم لابن المنادی»، ص ٣٠٤، حد ٢٥٤؛ «کنز العمال»، ج ١٤، ص ٢٥١، حد ٣٩٦٧٢.
- ٧- «عقد الدرر»، ص ١٤٣.
- ٨- «البرهان متقی هندی»، ص ٧٤، باب ١، حد ٧؛ «عقد الدرر»، ص ١٤٤.
- ٩- «عقد الدرر»، ص ١٣٩.
- ١٠- «الملاحم لابن المنادی»، ص ٣١٥، حد ٢٦٤.
- ١١- «الفتن لابن حماد»، ص ١٥٣، حد ٦٢٣.

«صوت فی رمضان»، (۱) «فی شهر رمضان صوت» (۲) و «تکون فی رمضان هده» (۳) در احادیث اهل سنت، بر بودنش در ماه رمضان دلالت می کند. معنای واژه های «صوت، صیحه، فزعه، ندا، هده» در بخش اول بیان شد.

اینک به بررسی زوایای مختلف صوت در ماه مبارک رمضان خواهیم پرداخت.

## الف. ویژگی های صوت ماه مبارک رمضان

### یکم: زمان صوت

سه حدیث در مورد زمان صوت ماه رمضان مطالبی را ذکر کرده اند که در پی خواهد آمد:

۱. نیمه ماه مبارک رمضان: سه حدیث با عبارت های: «هده فی النصف من رمضان»، (۴) «فی النصف من شهر رمضان» (۵) بر وقوع صدا در نیمه ماه مبارک رمضان دلالت می کنند.

این روایات از عبدالله بن مسعود و همچنین فیروز الدیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از ابو حمزه ثمالی نقل شده اند.

ص: ۱۸۶

---

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۴۹، حد ۶۱۲.

۲- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴.

۳- «عقد الدرر»، ص ۱۴۶.

۴- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۱.

۵- «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳؛ «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹؛ «عقد الدرر»، ص ۱۳۹.

۲. شب جمعه: دو روایت از سه حدیث بالا- با عبارت «لیله جمعه» و «لیله الجمعة» بر وقوع این صوت در شب جمعه نیمه ماه مبارک رمضان دلالت می کنند.

۳. بعد از طلوع فجر: روایت عبدالله بن مسعود، زمان آن را بعد از نماز صبح معرفی می کند و می گوید:

فاذا صلیتم الفجر من یوم الجمعة... فاذا حسستم بالصیحه؛ وقتی نماز فجر روز جمعه را خواندید... پس وقتی صیحه را حس کردید....

### دوم: مکان صوت

برخی از احادیث بر آسمانی بودن صیحه دلالت می کنند و با عبارت های: «یکون صوت من السماء»<sup>(۱)</sup> «یسمع فی شهر رمضان صوت من السماء»<sup>(۲)</sup> «هاد من السماء»<sup>(۳)</sup> و «صوت یسمع من السماء»<sup>(۴)</sup> بر این مطلب اشاره دارند. این روایات از فیروز دیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ابوهریره و شهر بن حوشب و ابوحمزه ثمالی نقل شده اند.

### سوم: ندا دهنده

برخی از روایات، این صدا را از جبرئیل امین علیه السلام با عبارت های: «فالصوت الأول

ص: ۱۸۷

---

۱- «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج ۷، ص ۳۱۰؛ «عقد الدرر»، ص ۱۳۹.

۲- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۵، حد ۲۶۴.

۳- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴.

۴- «عقد الدرر»، ص ۱۳۹.

صوت جبرئیل»، (۱) «هو صوت جبرئیل الروح الامین علیه السلام» (۲) و «انه صوت جبرئیل» (۳) می دانند. روایت اول، همان حدیث فیروز دیلمی از پیامبر اسلام، و دو روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است.

#### چهارم: محتوای صیحه

احادیث عامه، صوت در ماه مبارک رمضان را فقط صدای شدیدی مانند رعد از آسمان معرفی می کنند. وقتی عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره «صیحه» سؤال می کند؟ حضرت پاسخ می دهد: «هده فی النصف من رمضان» (۴) یا در روایت شهر بن حوشب که تابعی است، آمده: «قيل له: و ما الصوت؟ قال: هاد من السماء». (۵) در این دو حدیث از صیحه و صوت به «هده» و «هاد» تعبیر شده و در کتاب های لغت، این دو به معنای صدای شدیدی است که از افتادن دیوار یا قسمتی از کوه یا صدای شدیدی که ساحل نشینان از طرف دریا می شنوند، ترجمه شده است.

در این میان، تنها یک روایت \_ که از اصبح بن نباته از حضرت علی علیه السلام نقل شده است \_ صدای ماه مبارک رمضان را دارای محتوا می داند. در این حدیث آمده است:

ص: ۱۸۸

- 
- ۱- «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹؛ «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳.
  - ۲- «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، باب ۴، حد ۲۱؛ «عقد الدرر»، ص ۶۴۵.
  - ۳- «البرهان متقی هندی»، ص ۷۴، باب ۱، حد ۷؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴.
  - ۴- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۱.
  - ۵- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳.

تنادوا عند اصطلام اعداء الله باسمه و اسم ابیه فی شهر رمضان ثلاثاً؛ در ماه مبارک رمضان، سه بار به نام او و نام پدرش، هنگام ریشه کن شدن دشمنان خدا ندا می دهند. (۱)

این حدیث از جهت واژه و دارای محتوا دانستن صحیحه با احادیث دیگر عامه تفاوت دارد. در روایات دیگر از واژه های «صوت»، «صیحه»، «هده» و «فزه» استفاده شده، ولی در این حدیث، از واژه «تنادوا» به کار رفته است.

«تنادوا» از باب تفاعل است و اگر به معنای مشارکت باشد که بیشتر در این باب به این معناست، در این صورت معنای آن چنین می شود: یکدیگر را با خبر کردند و در این صورت، مراد از آن ندای آسمانی نیست، ولی قید «فی شهر رمضان ثلاثاً»، بیان گر این است که باید چیزی فراتر از خبر کردن همدیگر باشد.

اتفاقاً یکی از معانی باب تفاعل، معنای ثلاثی مجرد آن فعل است، یعنی «تنادوا» به معنای «نادوا» است. و جمع آمدن آن می تواند به دلیل تکرار ندا باشد. در نتیجه، ندای مطرح شده در حدیث، همان ندای آسمانی به اسم حضرت و نام پدرش است. این حدیث از این جهت که ندای ماه مبارک رمضان را دارای محتوا می داند، با احادیث شیعه سازگار است.

### پنجم: مخاطبان صوت

احادیث صوت در ماه مبارک رمضان، تنها اشاره به صدایی بلند و ترسناک در

ص: ۱۸۹

---

۱- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۰۴، حد ۲۵۴؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۲۵۱، حد ۳۹۶۷۲.



این ماه دارند و هیچ گونه قیدی بر این که عده خاصی، مخاطب صیحه باشند، ندارند و در یک روایت \_ که از شهر بن حوشب نقل شده است \_ آمده:

يسمعه الناس كلهم فلايجيء رجل من أفق من الآفاق إلا حدث أنه قد سمعه؛ صوت را تمامی مردم می شنوند و فردی از گوشه ای از جهان نمی آید؛ مگر این که می گوید آن صدا را شنیده است. (۱)

### ششم: تأثیرات صیحه

#### اشاره

در روایات عامه، تأثیراتی برای صوت ماه مبارک رمضان بیان شده که نشان دهنده ترسناکی این صدای هولناک است. برخی از تأثیرات این طلیعه عبارتند است:

#### ۱. بیدار شدن افراد خواب

عبارت «توقظ النائم» در احادیث ابوهریره (۲) و عبدالله بن مسعود (۳) از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و روایات ابوهریره (۴) و کعب الاحبار (۵) آمده و عبارت «یوقظ النائم» در حدیث شهر بن حوشب (۶) نقل شده است. این دو عبارت، نشان گر تأثیر صیحه بر افراد خواب و بیدار کردن آنها است.

ص: ۱۹۰

---

۱- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳.

۲- «المستدرک علی الصحیحین»، ج ۴، ص ۵۶۳، حد ۸۵۸۰.

۳- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹.

۴- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۳، حد ۶۲۳.

۵- «عقد الدرر»، ص ۱۴۶.

۶- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳.

## ۲. وحشت افراد بیدار

عبارت «تفزع اليقظان» که به معنای وحشت افتادن افراد بیدار بر اثر شنیدن صداست، در حدیث ابوهریره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و روایت کعب الاحبار آمده است و عبارت «یفزع اليقظان» در روایت شهر بن حوشب نقل شده است.

## ۳. خارج شدن دختران پرده نشین

دختران و زنانی که به طور معمول از خانه ها و اتاق های مخصوص خود بیرون نمی آیند، بر اثر شنیدن این صوت بیرون می آیند. در حدیث عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «و تخرج العواتق من خدورهن». همچنین روایت ابوهریره: «و تخرج العواتق من خدورها» و در روایت شهر بن حوشب نیز آمده است: «و يخرج الفتاه من خدرها». این مطلب، نشان از تأثیر فوق العاده صوت بر مخاطبان دارد که حتی کسانی که به طور معمول بیرون نمی آیند، خارج می شوند تا بفهمند چه خبر است. مأخذ این روایات و احادیث مورد قبلی در پاورقی های تأثیر اولی صیحه آمد.

## ۴. نشستن افراد ایستاده

از وحشت صیحه آسمانی، افراد ایستاده، می نشینند. عبدالله بن مسعود از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «و تقعد القائم»<sup>(۱)</sup> و یکی از تأثیرات صوت را نشستن افراد ایستاده معرفی می کند.

در میان احادیث «صیحه»، «هده»، «صوت»، روایت فیروز دیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تأثیراتی را ذکر می کند که در احادیث دیگر دیده نمی شود و

ص: ۱۹۱

---

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹.

می توان گفت این روایت در مطالبش منفرد است. در این حدیث آمده است:

يَصْعَقُ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفًا وَيُخْرَسُ سَبْعُونَ أَلْفًا وَيَعْمَى سَبْعُونَ أَلْفًا وَيَصْمُ سَبْعُونَ أَلْفًا؛ از شنیدن آن هفتاد هزار نفر، بیهوش می شوند و هفتاد هزار نفر، لال می شوند و هفتاد هزار نفر، کور می شوند و هفتاد هزار نفر، کر می شوند. (۱)

در نسخه دیگر همین روایت، مطالب دیگری به صورت اضافه آمده است که عبارتند از:

«بیته سبعون ألفاً» و «ينفتق فيه سبعون الف عذراء». (۲)

## ب. حوادث قبل و بعد از صوت

### اشاره

برای شناخت درست زمان صیحه لازم است حوادث پیرامون آن را بشناسیم.

### یکم: حوادث قبل از صیحه

تنها در روایت اصبح بن نباته از حضرت علی علیه السلام، سخن از هرج و مرج و کشتار قبل از وقوع ندا در ماه مبارک رمضان است و گفتیم این روایت در میان احادیث صیحه از جهت قائل شدن محتوا برای صوت ماه مبارک رمضان، منفرد است. در این روایت آمده است:

بعد هرج و قتال، وضنك و خبال، و قیام من البلاء علی ساق؛ بعد از هرج و مرج و کشتار و فلاکت باری و فساد و

ص: ۱۹۲

---

۱- «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳.

۲- «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹.

فراگیری بلا و سختی به نامش و نام پدرش در ماه رمضان، سه بار ندا می دهند.<sup>(۱)</sup>

### دوم: حوادث بعد از صبحه

تعدادی از روایات صبحه برای بعد از ماه مبارک رمضان \_ که صوت در آن واقع می شود \_ نشانه هایی را برای هر ماه تا ماه محرم برشمرده اند و برخی از آنها، ماه محرم را ماه ظهور معرفی می کنند.

روایات شهر بن حوشب<sup>(۲)</sup> و فیروز دیلمی<sup>(۳)</sup> از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و احادیث ابوهریره<sup>(۴)</sup> بر این مطلب دلالت دارند. در روایتی از شهر بن حوشب، این توالی به وضوح بیان شده است.

شهر بن حوشب می گوید:

بلغنی أن رسول الله صلى الله عليه وسلم، قال: يكون في رمضان صوت و في شوال مهمه و في ذي القعدة تحازب القبائل و في ذي الحجه ينتهب الحاج و في المحرم ينادى مناد من السماء ألا إن صفوه الله من خلقه فلان فاسمعوا له و اطيعوا؛ در ماه رمضان، صوت می باشد و در ماه شوال، بازداشتن (بر اساس برخی روایات «معمعه»، یعنی گرمای شدید یا جنگ و آشوب) و در ماه ذی

ص: ۱۹۳

- 
- ۱- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۰۴. حد ۲۵۴؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۲۵۱، حد ۳۹۶۷۲
  - ۲- «السنن الوارده فی الفتن»، ص ۲۳۹، حد ۵۲۰؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۵، حد ۲۲۶.
  - ۳- «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳؛ «السنن الوارده فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹.
  - ۴- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۵، حد ۲۶۴؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۳، حد ۶۲۳.

قعه، جدا شدن قبائل (و طبق برخی روایات «تحارب»، یعنی جنگ میان قبایل) و در ماه ذی الحجه، حاجیان غارت می شوند و در ماه محرم، منادی از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید همانا برگزیده خدا از میان بندگانش فلا نیست؛ به فرمان او گوش دهید و از او اطاعت کنید. (۱)

### ج. وظیفه مخاطبان صوت

وظایفی برای مردم در هنگام وقوع صیحه آسمانی در دو حدیث عبدالله بن مسعود (۲) و فیروز دیلمی (۳) از پیامبر گرامی اسلام بیان شده که به شرح ذیل است:

اول: در خانه ماندن؛ هر دو حدیث با عبارت های: «من لزم بیده» و «فادخلوا بیوتکم» بر این مطلب اشاره دارند. البته حدیث عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اضافاتی دارد و آن، این که:

فادخلوا بیوتکم و اغلقوا ابوابکم و سدوا کواکم و دثروا انفسکم و سدوا آذانکم؛ وقتی نماز صبح را روز جمعه خواندید، داخل خانه هایتان شوید و درب ها و پنجره ها را ببندید و خود را بپوشانید و گوش هایتان را بگیرید.

دوم: سجده کردن؛ وظیفه دومی که هر دو حدیث به آن اشاره می کنند، پناه بردن به خداوند به وسیله سجده است. عبارت های «فاذا حسستم بالصیحه فخرولله سجداً» و «تعوذ بالسجود» از آنها نقل شده است.

ص: ۱۹۴

---

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۱۲۲، حد ۳۸۷۰۲

۲- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۱.

۳- «السنن الوارده فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج ۷، ص ۳۱۰.

سوم: ذکر گفتن؛ روایت فیروز دیلمی با عبارت «و جهر بالتکبیر» از مردم می خواهد هنگام وقوع صیحه، صدا به تکبیر بلند کنند و حدیث عبدالله بن مسعود آورده است:

و قولوا: سبحان القدوس، سبحان القدوس، ربنا القدوس؛ وقتی به سجده رفتید، بگویید: سبحان القدوس، سبحان القدوس، ربنا القدوس.

هر دو روایت، برای نجات از صیحه آسمانی، این دستور العمل ها را به مردم می دهند و در آنها آمده است:

من فعل ذلك نجا و من لم يفعل ذلك هلك؛ هر کس، اینها را انجام دهد، نجات یابد و هر کس، انجام ندهد، هلاک شود.

و در حدیث دوم، وقتی فیروز دیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می پرسد: «فمن السالم من امتك؟»؛ پس چه کسی از امت تو سالم می ماند؟ حضرت، دستور العمل های بالا را بر اساس این حدیث ارائه می دهد.

این ندا در روایات عامه با تعابیر «ینادی مناد من السماء»، (۱) «نادی مناد من السماء»، (۲) «مناد ینادی من السماء»، (۳) «منادیا من السماء»، (۴) «یسمع صوت من السماء»، (۵) «مناد من السماء»، (۶) «ینادی مناد»، (۷) و «لینادین باسم رجل من السماء»، (۸) مطرح شده است. در این بخش به بررسی ابعاد مختلف ندای

ص: ۱۹۶

۱- «السنن الوارده فی الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳ و ص ۲۳۸، حد ۹۳۸ و ص ۲۳۵، حد ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ص ۲۳۶ حد ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج ۳، ص ۳۳۵؛ «المعجم الاوسط للطبرانی»، ج ۵، ص ۶۰.

۲- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۱۹۶، حد ۱۴۳؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴ و ص ۱۸۴؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۶۶، حد ۹۸۹.

۳- «عقد الدرر»، ص ۷۹ و ص ۱۵۰.

۴- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۷.

۵- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۷، حد ۹۳۵؛ «العرف الوردی»، ص ۸۵، حد ۱۶۵.

۶- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۹، حد ۹۴۱؛ «العرف الوردی»، ص ۸۰، حد ۱۴۷.

۷- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۶، حد ۹۳۳؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۵؛ «العرف الوردی»، ص ۸۵، حد ۱۶۴.

۸- «العرف الوردی»، ص ۳۹، حد ۳۲؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۲، حد ۳.

## الف. ویژگی های ندای آسمانی

### یکم: زمان ندا

در میان احادیث ندای آسمانی، سه روایت، زمان مشخصی را برای آن مطرح می کنند. روایت اول، حدیثی است که از شهر بن حوشب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. این حدیث با سه تعبیر متفاوت و هر سه در کتاب الفتن ابن حماد مروزی به عنوان اولین مصدر آن آمده است. و زمان ندا در هر سه حدیث، ماه محرم معرفی شده است که با عبارت «و فی المحرم ینادی مناد من السماء»<sup>(۱)</sup> به بیان آن می پردازد. البته شهر بن حوشب، خود نمی تواند از پیامبر گرامی اسلام نقل حدیث کند؛ زیرا از تابعین است.

حدیث دوم که از اصبع بن نباته از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است، زمان ندای آسمانی را ماه مبارک رمضان می داند.<sup>(۲)</sup>

روایت سوم، زمان ندا را هنگام موسم حج می داند. این حدیث از ابن شهاب نقل شده است:

فاذا كانوا بالموسم سمعوا منادياً من السماء؛ پس وقتی مردم در موسم حج هستند، می شنوند منادی از آسمان ندا می دهد.<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۹۷

---

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳ و ص ۲۳۶، حد ۹۳۱ و ص ۲۳۸، حد ۹۳۸؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۱۲۲، حد ۳۸۷۰۲.

۲- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۰۴، حد ۲۵۴.

۳- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۷.



## دوم: مکان ندا

تقریباً تمام احادیث مربوط به ندا، مکان آن را آسمان معرفی می کنند و این امکان وجود دارد که قید آسمانی بودن ندا به دلیل پخش شدن آن از آسمان یا از طرف خداوند بودن آن و یا هر دو باشد.

## سوم: ندا دهنده

تنها در یک حدیث به ندا دهنده اشاره شده و آن را جبرئیل امین علیه السلام معرفی کرده است و آن روایت مرسلی است که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده و «مقدسی شافعی»، آن را از کتاب های حدیثی شیعی نقل کرده است. (۱)

## چهارم: محتوای ندا

عبارت های مختلفی به عنوان محتوای ندای آسمانی در روایات عامه آمده است و محوریت در آنها معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حقانیت اوست و همچنین بیان امارت و حکومت و پیروی از او.

در این جا به بیان عبارت های مختلف محتوای ندای آسمانی خواهیم پرداخت:

۱. شهر بن حوشب از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «الا إن صفوه الله من خلقه فلان فاسمعوا له و اطیعوا»؛ آگاه باشید همانا برگزیده خدا از آفریدگانش، فلانی است، سخنش را بشنوید و از او اطاعت کنید. (۲)

ص: ۱۹۸

---

۱- «عقد الدرر»، ص ۱۴۵؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، حد ۲۱؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳، ص ۲۳۶، حد ۹۳۱.

۲. «إن الحق في آل محمد». ابي رومان از حضرت علي عليه السلام و جابر جعفي از ابي جعفر عليه السلام آورده اند. (۱)

۳. «الا- ان الامير فلان» و «ان اميركم فلان»، از زهري و سعيد بن مسيب و ابن شهاب و عمار ياسر و از طلحه بن عبید الله از رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم نقل شده اند. (۲)

۴. «الا إن اولياء الله اصحاب فلان يعنى المهدي» از زهري نقل شده است. (۳)

۵. حذيفه از رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: ... محتوای ندا چنین است:

ايها الناس إن الله عزوجل قد قطع عنكم مده الجبارين و المنافقين و اشياعهم و اتباعهم و ولاكم خير أمه محمد صلی الله عليه و آله و سلم، فالحقوا به بمكة فإنه المهدي و اسمه احمد بن عبدالله؛ ای مردم! همانا خدای عزوجل، زمان حکومت جباران و منافقان و پیروانشان را پایان داد و برترین فرد از امت محمد صلی الله عليه و آله و سلم، ولی شماسست در مکه به او ملحق شوید و نام او احمد بن عبد الله است. (۴)

۶. «عليكم بفلان» از سعيد بن مسيب و ام مغیره بن عبدالرحمن

ص: ۱۹۹

---

۱- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۱۹۶، حد ۱۴۳؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵ حد ۹۲۶ و ص ۲۳۷ حد ۹۳۴.

۲- «المعجم الاوسط للطبرانی»، ج ۵، ص ۶۰؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۵ و ۹۲۷ و ص ۲۳۶، حد ۹۳۲ و ص ۲۳۹، حد ۹۴۱.

۳- «العرف الوردی»، ص ۸۵ حد ۱۶۵، عقد الدرر، ص ۱۴۴؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۷، حد ۹۳۵.

۴- «السنن الواردة في الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۳، حد ۲۲۵.

نقل شده است. (۱)

در احادیث دیگر اشاره شده است که به اسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (۲) ندا می دهد یا به اسم مردی از فرزندان ابوطالب (۳) و یا به اسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدرش (۴) و یا به اسم مردی از آسمان (۵) ندا می دهد.

حدیث پنجم، قسمتی از محتوا را بیان اسم حضرت و نام پدرش با عنوان «و اسمه احمد بن عبدالله» عنوان می کند. این حدیث که از منابع عامه، وارد کتب شیعه شده، بدون ذکر این قسمت از حدیث و با اندکی تفاوت در کتاب های شیعه آمده است. (۶) برای مثال در منبع شیعه، لفظ «قائم» در اول حدیث آمده، ولی در نقل عامه به جای آن در محتوای ندا، نام «مهدی» اضافه شده است و این مطلب حاکی از این است که بر اساس اختلاف عقیده، حدیث تغییر کرده است؛ چون لقب «قائم» را عامه در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی آورند.

### پنجم: مخاطبان ندای آسمانی

تنها یک حدیث در میان احادیث عامه، در همگانی بودن مخاطبان ندای آسمانی صراحت دارد و آن حدیثی است که مقدسی شافعی از ابی جعفر

ص: ۲۰۰

- 
- ۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۸ و ۹۲۹؛ «العرف الوردی»، ص ۸۴، حد ۱۶۱؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۴، حد ۸.
  - ۲- «عقد الدرر»، ص ۱۴۵ و ص ۱۸۵؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، حد ۲۱.
  - ۳- «عقد الدرر»، ص ۱۵۰.
  - ۴- «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۰۴، حد ۲۵۴؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۲۵۱، حد ۳۹۶۷۲.
  - ۵- «العرف الوردی»، ص ۳۹، حد ۳۲؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۲، حد ۳.
  - ۶- «الاختصاص»، ص ۲۰۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴، باب ۲۶، حد ۷۳.

محمد بن علی علیهما السلام در کتاب خود آورده است. این حدیث چنین است: «فیسلم من بالشرق و من بالمغرب» (۱). این روایت از منابع حدیثی شیعه توسط ایشان نقل شده است. (۲) حدیث دیگری که از آن می توان استفاده همگانی بودن مخاطبان ندای آسمانی را کرد، روایت حذیفه بن یمان از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که در بیان محتوای ندای آسمانی آورده است: «ایها الناس...» (۳) و اطلاق ناس، دال بر همگانی بودن مخاطبان آن است. علاوه بر این، در روایات دیگر، مخاطبان مخصوصی برای ندا معرفی نشده است.

## ب. حوادث قبل از ندای آسمانی

### اشاره

قبل و بعد از ندای آسمانی، جهان در چه وضعی خواهد بود و چه اتفاقی رخ می دهد؟ با شناسایی این مطالب، دوران ظهور و زمان ندای آسمانی برای ما بهتر نمایان می شود.

### ۱. ظهور سفیانی و حاکمیت او بر دمشق

در حدیث حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: سفیانی بعد از فساد علنی که در مسجد دمشق انجام می دهد و مرد مسلمانی، او را از آن کار زشت نهی می کند و می گوید: «إن هذا لایحل»، او آن مرد مسلمان و همفکران وی را

ص: ۲۰۱

---

۱- «عقد الدرر»، ص ۱۴۵؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، حد ۲۱.

۲- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

۳- «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۳، حد ۲۲۵.

در همان مسجد به قتل می رساند. در آن هنگام، منادی از آسمان ندا می دهد:

فعند ذلك ينادى مناد من السماء؛ ايها الناس إن الله عزوجل قد قطع عنكم مده الجبارين و... فالحقوا به بمكة فإنه المهدي؛(۱) در آن هنگام، منادی از آسمان ندا می دهد: ای مردم، همانا خدای عزوجل، مدت حکومت جباران و منافقان و پیروانشان را برداشت و ولی شما برترین امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. به او در مکه ملحق شوید؛ همانا او مهدی است.

## ۲. سلسله حوادثی که از ماه رمضان شروع می شود و در ماه محرم ندای آسمانی داده می شود

در حدیث شهر بن حوشب از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به این مطلب اشاره شده است.(۲) این حدیث در فصل قبل در حوادث بعد از صیحه مطرح شد.

## ۳. ظهور فتنه و خاموش نشدن آن

در چند حدیث به فتنه ای اشاره شده است که فروکش نمی کند و در آن هنگام، منادی از آسمان ندا می دهد.

از طلحه بن عبید الله از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است:

ستكون فتنه لا يهدأ منها جانب إلا جاش منها جانب حتى ينادى...؛ فتنه ای خواهد آمد که گوشه ای از آن آرام

ص: ۲۰۲

---

۱- «السنن الواردة في الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۳، حد ۲۲۵.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۱۲۲، حد ۳۸۷۰۲.

نمی گیرد؛ مگر این که گوشه دیگر آن شعله ور می شود تا این که منادی ندا می دهد. (۱)

در روایت دیگری، وقتی مغیره بن عبدالرحمن به مادرش می گوید: در فتنه عبدالله بن زبیر، مردم هلاک می شوند، مادر او پاسخ می دهد:

کلا- یا بنی و لکن بعدها فتنه یهلهک فیها الناس لایستقیم امرهم حتی ینادی مناد من السماء علیکم بفلان؛ هرگز چنین نیست فرزندم، ولی فتنه ای خواهد آمد که مردم در آن هلاک می شوند و امرشان سامان نمی یابد تا این که منادی از آسمان ندا می دهد بر شماست پیروی از فلانی. (۲)

و در حدیث دیگری که از سعید بن مسیب نقل شده، به ظهور این فتنه قبل از ندا اشاره شده است. (۳)

#### ۴. وقوع خسف قبل از ندا

در حدیثی از ابی رومان از حضرت علی علیه السلام، ندای آسمانی، بعد از خسف مطرح شده است، ولی مشخص نیست آیا خسف بیداء، مراد است یا خسف دیگری. اما به دلیل مشهور بودن خسف بیداء در روایات عامه و شیعه در میان خسف ها می توان مراد از خسف را در این روایت، خسف بیداء دانست.

ص: ۲۰۳

---

۱- «المعجم الاوسط للطبرانی»، ج ۵، ص ۶۰؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج ۳، ص ۳۳۵.

۲- «العرف الوردی»، ص ۸۴، حد ۱۶۱؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۴، حد ۸؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۸.

۳- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۶، حد ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۳؛ «کنز العمال»، ج ۱۱، ص ۲۵۸، حد ۳۱۴۴۴.

عبارت حدیث:

بعد الخسف ینادی مناد من السماء...؛ بعد از خسف، منادی از آسمان ندا می دهد. (۱)

### ۵. هنگام مواجهه سپاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی

در حدیثی، «زهری»، وقت ندا را هنگام رویارویی سپاه سفیانی و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کند:

إذا التقى السفیانی و المهدی للقتال یومئذ یسمع صوت من السماء ألا إن اولیاء الله اصحاب فلان یعنی المهدی؛ وقتی سفیانی و حضرت مهدی برای جنگ با هم روبه رو می شوند؛ در آن هنگام، صدایی از آسمان شنیده می شود که آگاه باشید همانا اولیای خدا یاوران فلانی، یعنی مهدی هستند. (۲)

### ۶. قتل نفس زکیه

بر اساس نقلی که از عمار بن یاسر شده است، ندای آسمانی را بعد از قتل نفس زکیه معرفی می کند و می دانیم که قتل نفس زکیه، پانزده روز قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد. در این حدیث آمده است:

إذا قتل النفس الزکیه و اخوه، یقتل بمکه ضیعه، نادی مناد من السماء إن امیرکم فلان و ذلك المهدی الذی یملاً الارض حقاً

ص: ۲۰۴

---

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۵؛ «الملاحم لابن طاووس»، ص ۵۶، باب ۱۲۲.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۷، حد ۹۳۵؛ «العرف الوردی»، ص ۸۵، حد ۱۶۵؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴.

و عدلاً؛ وقتی نفس زکیه و برادرش کشته می شوند، در مکه، خونشان بی جهت می ریزد، منادی از آسمان ندا می دهد قطعاً  
امیر شما فلانی است و آن مهدی است؛ کسی که زمین را سرشار از حق و عدل می کند. (۱)

این حدیث از منابع عامه در منابع حدیثی شیعه وارد شده است. البته شیخ طوسی، آن را با اضافات و مقداری اختلاف، از عمار  
بن یاسر نقل کرده است. (۲)

### ج. پی آمدهای ندای آسمانی

#### یکم: ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ندای آسمانی، خود، اعلان آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که با محتوای ندا این مطلب روشن می  
شود. عباراتی چون: «ولا کم خیر امه محمد صلی الله علیه و آله و سلم فالحقوا به بمکه فإِنَّه المهدی» و «الا ان صفوه الله من  
خلقه فلاین فاسمعوا له و اطیعوا» یا «إن امیرکم فلان» یا «علیکم بفلان»، همگی بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه  
الشریف در آن زمان دلالت دارند. مردم نیز بعد از ندا، ظهور و دیدن حضرت مهدی را می طلبند و حرف آمدن او بین دهانها  
می چرخد و عشق او از دلها لبریز می شود.

در روایتی از ابی رومان از حضرت علی علیه السلام آمده است که فرمود:

ص: ۲۰۵

---

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۶، حد ۹۳۲؛ «العرف الوردی»، ص ۸۵، حد ۱۶۳؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۱۲.

۲- «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۶۳، حد ۴۷۹؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۰۷، باب ۲۵، حد ۴۵.



اذا نادى مناد من السماء إنّ الحق في آل محمد فعند ذلك يظهر المهدي على افواه الناس و يشربون حبه و لا يكون لهم ذكر غيرة؛ وقتی منادی از آسمان ندا می دهد: همانا حق با آل محمد است. در آن هنگام، ذکر مهدی بر دهان های مردم ظاهر می شود و عشق به او را می نوشند و غیر از او را یاد نمی کنند. (۱)

تنها در یک روایت \_ که به صورت مرسل از حضرت علی علیه السلام نقل شده \_ به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ندای آسمانی اشاره شده است:

اذا نادى منادى من السماء إنّ الحق في آل محمد فعند ذلك يظهر المهدي؛ وقتی منادی از آسمان ندا می دهد: قطعاً حق از آن آل محمد است؛ در آن هنگام، مهدی ظاهر می شود. (۲)

### دوم: ندای شیطانی

از طرف دیگر اهل باطل بیکار نمی نشینند و شیطان بر آنان ندایی می دهد و آنها را به دنبال خود می کشد. در روایات عامه به صورت محدود و مجمل به ندای ابلیس اشاره شده است.

در حدیث ابی رومان از حضرت علی علیه السلام آمده است:

بعد الخسف ينادى مناد من السماء أنّ الحق في آل محمد في اول النهار، ثم ينادى مناد في آخر النهار، إنّ الحق في ولد

ص: ۲۰۶

---

۱- «الملاحم لابن المنادي»، ص ۱۹۶، حد ۱۴۳؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۲۴۹، حد ۳۹۶۵۸؛ «عقد الدرر»، ص ۸۳؛ «البيان في اخبار صاحب الزمان»، ص ۷۸، حد ۴۸.

۲- «عقد الدرر»، ص ۱۴۴ و ص ۱۸۴.

عیسی و ذلك نخوه من الشيطان؛ بعد از خسف، منادی از آسمان ندا می دهد: قطعاً حق با آل محمد است و این در اول روز است. پس در آخر روز منادی ندا می دهد همانا حق با فرزندان عیسی است و آن فریبی از طرف شیطان است. (۱)

در روایت دیگری از جابر بن یزید جعفی از ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام می خوانیم:

ینادی مناد من السماء، ألا إن الحق فی آل محمد و ینادی مناد من الأرض ألا إن الحق فی آل عیسی أو قال: لعباس - انا اشک فیه - و انما الصوت الأسفل من الشيطان لیلبس علی الناس، شک ابو عبدالله نعیم؛ منادی از آسمان ندا می دهد آگاه باشید، همانا حق با آل محمد است و منادی از زمین ندا می دهد: آگاه باشید، همانا حق با آل عیسی است یا این که (ابوجعفر علیه السلام) گفت: حق با عباس است - من در آن شک دارم - و همانا صوت پایین از شیطان است تا مردم را گمراه کند. ابو عبدالله نعیم این شک را دارد. (۲)

در دو حدیث دیگر که از زهری و ابن شهاب توسط ابن حماد نقل شده است، نیز اشاره ای به ندای زمینی دارند. (۳)

این احادیث، ندا را از جانب شیطان و زمینی و در آخر روز معرفی

ص: ۲۰۷

---

۱- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۷، حد ۹۳۴؛ «الملاحم لابن طاووس»، ص ۵۶، باب ۱۲۲؛ «الصراط المستقیم»، ج ۲، ص ۲۵۹.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۶؛ «العرف الوردی»، ص ۸۴، حد ۱۶؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۴، حد ۶.

۳- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۷ و ص ۲۳۹، حد ۹۴۱.

می کنند و حدیث دوم، دلیل ندای شیطانی را مشتبه کردن امر بر مردم بعد از ندای آسمانی می داند و محتوای ندای زمینی را اعلان حق برای آل و فرزندان عیسی علیه السلام معرفی می کنند؛ هر چند، روایت دوم، شکی در این مورد مطرح می کند. اما در مقابل صوت آسمانی در ماه رمضان، روایت فیروز دیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطلبی دارد که نشان از صوت شیطان در مقابل صدای جبرئیل امین علیه السلام است. در این حدیث آمده است:

... و يتبعه (معه) صوت آخر، فالصوت الأول صوت جبرئیل و الصوت الثانی صوت الشیطان فالصوت فی رمضان...؛ و به دنبال آن، صوت آسمانی، صدای دیگری است؛ پس صدای اول، صوت جبرئیل و صدای دوم، صوت شیطان است و صدا در رمضان است. (۱)

گرچه روایات صوت و این حدیث، محتوایی برای صوت ماه مبارک رمضان نیاورده اند، ولی این عبارت می رساند که صوت در ماه مبارک رمضان باید دارای محتوا باشد که شیطان در مقابل آن، صوتی مطرح می کند.

البته این روایت، تأثیرات عجیبی برای صوت ماه مبارک رمضان نقل می کند که در فصل اول بدان پرداختیم. به هر صورت، همان طور که مشاهده می شود به سبب جانبداری از بنی امیه، نامی از «سفیانی» در ندای شیطان مطرح نیست و به جای آن، «آل عیسی» و «بنی عباس» مطرح می شوند.

ص: ۲۰۸

---

۱- «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳؛ «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹.

اشاره

وقتی ندای آسمانی داده شد، مردم چه وظیفه ای در مقابل آن دارند؟ روایاتی از عامه، وظایفی را برای مخاطبان ندای آسمانی مطرح می کنند که در این قسمت به آنها می پردازیم:

**یکم: رفتن به سوی مکه**

در روایت حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در محتوای ندای آسمانی، دستور رفتن به مکه با این عبارت «فالحقوا به بمکه»<sup>(۱)</sup> آمده است، یعنی در مکه به او ملحق شوید و در برپایی حق، او را یاری کنید.

**دوم: اطاعت و پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**

در حدیث شهر بن حوشب از پیامبر گرامی اسلام در محتوای ندای آسمانی، اطاعت و پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده است. در این حدیث آمده است: «فاسمعوا و اطیعوا»<sup>(۲)</sup>، یعنی حرف او را بشنوید و از او اطاعت کنید.

البته در دو حدیث که از منابع شیعه به منابع عامه راه یافته، اجابت ندای آسمانی در پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده است. در یکی از این دو روایت آمده است:

ص: ۲۰۹

---

۱- «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۳، حد ۲۲۵.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۶، حد ۹۳۱؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۱۲۲، ح ۳۸۷۰۲.

فرحم الله عبداً سمع ذلك الصوت فأجاب؛ خدا رحمت کند بنده ای را که به آن صدا گوش دهد و آن را اجابت کند. (۱)

علاوه بر این، عباراتی چون «علیکم بفلان» (۲) که به عنوان محتوای ندای آسمانی مطرح شده اند، دالّ بر لزوم پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

ص: ۲۱۰

---

۱- «عقد الدرر»، ص ۱۴۵ و ص ۱۵۰؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، حد ۲۱؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۲- «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۸ و ۹۲۹؛ «العرف الوردی»، ص ۸۴، حد ۱۶۱.

چند روایت به ندای فرشته ای بعد از خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث عامه اشاره دارند.

عبدالله بن عمرو از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ عَلَيَّ رَأْسَهُ عِمَامَةً، فِيهَا مَلِكٌ يَنَادِي، هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ. (۱)

در نقل دیگر به جای «عمامه»، «غمامه» ذکر شده و به جای «ملک»، «مناد» آمده است. (۲)

ترجمه حدیث: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خارج می شود درحالی که بر روی سرش، عمامه ای (ابر سفیدی) است و در آن، فرشته ای (منادی) ندا می دهد: این مهدی، خلیفه خداست؛ از او پیروی کنید.

در روایت دیگری با همین سند آمده است:

ص: ۲۱۱

- 
- ۱- «عقد الدرر»، ص ۱۸۳؛ «العرف الوردی»، ص ۳۸، حد ۳۰؛ «الکامل ابن عدی»، ج ۵، ص ۲۹۶.
  - ۲- «البيان في اخبار صاحب الزمان»، ص ۷۶، حد ۴۶؛ «فرائد السمطين»، ج ۲، ص ۳۱۶، باب ۶۱، حد ۵۶۸.

یخرج المهدي و علی رأسه ملک ینادی إن هذا المهدي فاتبعوه؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خارج می شود و بر روی سرش، فرشته ای است که ندا می دهد همانا این مهدی است؛ از او پیروی کنید. (۱)

این ندا که در منابع عامه مطرح شده، شبیه ندای بعد از بیعت در احادیث شیعه است که در بخش سوم مطرح شد. البته این حدیث در منابع شیعه نیز راه یافته است، و سند آن نشان می دهد که نقل از کتاب های عامه است. عبدالرحمن بن ابی لیلی از حضرت علی علیه السلام و ایشان از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

... فیخرج من الیمن من قریه یقال لها أکرعه، علی رأسه عمامه متدرع بدرعی متقلد بسیفی ذی الفقار و مناد ینادی هذا المهدي خلیفه الله فاتبعوه...؛ حضرت مهدی از یمن از روستایی به نام أکرعه خارج می شود، بر روی سرش عمامه ای است؛ در حالی که زره مرا پوشیده و شمشیر مرا - ذوالفقار - به کمر بسته است و منادی ندا می دهد این مهدی، خلیفه خداست؛ از او پیروی کنید. (۲)

و یا اربلی از عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم \_ حدیث دومی را که مطرح

ص: ۲۱۲

- 
- ۱- «العرف الوردی»، ص ۳۸، حد ۳۱؛ «البيان فی اخبار صاحب الزمان»، ص ۷۷، حد ۴۷؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۲، باب اول، حد ۲؛ «مسند الشامیین»، ج ۲، ص ۷۲، حد ۹۳۷.
  - ۲- «کفایه الاثر»، ص ۱۴۷؛ «بحار الانوار»، ج ۳۶، ص ۳۳۳، باب ۴۱، حد ۱۹۵؛ «میزان الاعتدال»، ج ۲، ص ۶۸۰.

شد \_ می آورد. (۱) البته اختلاف در «ابن عمر» بودن یا «ابن عمرو» بودن عبدالله در منابع عامه نیز مشاهده می شود.

## نکته پایانی

در پایان متذکر می شویم روایات دیگری در مورد ندای آسمانی را مقدسی شافعی در کتاب «عقد الدرر» آورده است که به نظر می رسد ایشان از منابع شیعه گرفته باشد و جزء احادیث عامه محسوب نمی شود. برای مثال به روایتی از حضرت علی علیه السلام به صورت مرسل اشاره می کند (۲) که در ذیل آیه ۴ سوره شعراء حضرت مراد از «آیه» را «فزع» معرفی می کند. این حدیث در منابع شیعه از داوود دجاجی از امام محمد باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل شده است. (۳)

یا در حدیث دیگری، صاحب عقد الدرر برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پنج علامت به نقل از امام حسین علیه السلام آورده است که:

عن ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام، أنه قال: للمهدی خمس علامات السفیانی و الیمانی و الصیحه من السماء و الخسف بالیداء و قتل النفس الزکیه. (۴)

ولی این روایت از امام جعفر صادق علیه السلام است که به دلیل یکی بودن کنیه ایشان با امام حسین علیه السلام، «مقدسی شافعی» خیال کرده مراد از «ابی عبدالله»،

ص: ۲۱۳

---

۱- «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۴۷۱؛ «بحار الانوار»، ج ۳۶، باب ۴۱ و ج ۵۱، ص ۸۱، باب ۱۰.

۲- «عقد الدرر»، ص ۱۴۳، باب چهارم، فصل سوم.

۳- «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۰، باب ۱۴، حد ۸.

۴- «عقد الدرر»، ص ۱۵۱، باب چهارم، فصل سوم؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۱۴.



امام حسین علیه السلام است؛ به خصوص این که در منابع شیعه به دلیل کثرت روایات از امام جعفر صادق علیه السلام، کنیه ابو عبدالله، برای امام جعفر صادق علیه السلام عَلَم شده است و فقط ایشان را با این کنیه و بدون ذکر نام می آورند. همین روایت را منابع شیعی از امام جعفر صادق علیه السلام به صورت متعدد نقل کرده اند. (۱)

البته ایشان نیز قائل به وجود دو نداست و نظر خود را در باب شمارش علامات قیام، این گونه بیان می کند:

و نداء من السماء یعمّ اهل الارض و یسمع کل اهل لغه بلغتهم و مسخ قوم من اهل البدع و خروج العیید عن طاعه ساداتهم و صوت فی ليله النصف من رمضان یوقظ النائم و یفرع الیقظان و...؛ و ندایی از آسمان که تمام اهل زمین را فرا می گیرد و هر کسی با زبان خود آن را می شنود و مسخ گروهی از اهل بدعت و خروج بندگان از اطاعت مولاهایشان و صدایی در شب نیمه ماه رمضان که افراد خواب را بیدار و افراد بیدار را به وحشت می اندازد. (۲)

ص: ۲۱۴

---

۱- «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۷؛ «الغیبه شیخ طوسی»، ص ۴۳۶، حد ۴۲۷؛ «الغیبه نعمانی»، ص ۲۶۱، باب ۱۴، حد ۹.

۲- «عقد الدرر فی اخبار المنتظر»، ص ۱۵۵، باب چهارم، فصل سوم.

خاتمه

اشاره

ص: ۲۱۵

با وجود کثرت روایات شیعه در مورد ندای آسمانی و دو برابر بودن آن نسبت به احادیث عامه و حتمی معرفی شدن ندا نزد شیعه، در بسیاری از موارد، شیعه و عامه در مورد ندای آسمانی و اصل وقوع آن اشتراک نظر دارند. در این جا به نقاط اشتراک و افتراق شیعه و عامه در مورد ندای آسمانی می پردازیم:

### **الف. اشتراکات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی**

۱. با وجود حدود صد روایت از شیعه و عامه، اصل ندای آسمانی برای هر دو اثبات پذیر است.
۲. هر دو قائل به وجود صوت در ماه مبارک رمضان هستند.
۳. ندا دهنده، جبرئیل امین علیه السلام است.
۴. تأثیرات صیحه که عبارتند از: بیدار شدن افراد خواب، وحشت افراد بیدار، نشستن افراد ایستاده و خارج شدن دختران پرده نشین.
۵. وقوع هرج و مرج و کشتار و ناامیدی قبل از وقوع ندای آسمانی.
۶. اشاره به بودن قیام از کنار کعبه در محرم، بعد از وقوع صیحه آسمانی.
۷. محتوای ندا، معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیان حقانیت و خواندن مردم به سوی اوست.

۸. تمامی مردم، مخاطبان ندا هستند.

۹. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ندای آسمانی.

۱۰. ندای شیطانی به عنوان پی آمده برای ندای آسمانی.

۱۱. وظیفه مخاطبان در رفتن به سوی مکه و پیروی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

## **ب. افتراقات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی**

۱. غالب روایات عامه، صیحه در ماه مبارک رمضان را بدون محتوا و صدای شدیدی چون صدای رعد می دانند و ندای آسمانی که زمان آن به صورت دقیق مشخص نیست، را دارای محتوا می دانند، ولی در احادیث شیعه، صیحه ماه مبارک رمضان با محتوا معرفی می شود که در آن به بیان نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد.

۲. روایات عامه، زمان صیحه را نیمه ماه مبارک رمضان می دانند، ولی در احادیث شیعه، این زمان، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان معرفی می شود.

۳. در احادیث شیعه، از مخاطبان خواسته شده تا از صیحه ماه مبارک رمضان پیروی کرده و به آن گوش دهید؛ ولی در روایات عامه چون آن را بدون محتوا و شدید می دانند، دوری از آن و گرفتن گوش ها مطرح است.

۴. در روایات عامه، دو نداء و صوت، یکی بدون محتوا و دیگری بامحتوا معرفی می شود، ولی در احادیث شیعه، ندای آسمانی، با محتوا معرفی می شود.

۵. زمان ندای آسمانی بامحتوا در روایات عامه در حدیثی، ماه محرم و در

روایت دیگر، ماه رمضان است و در حدیث دیگری، هنگام موسم معرفی می شود، ولی احادیث شیعه، فقط ماه مبارک رمضان را به عنوان زمان ندا معرفی می کنند.

۶. ندای ابلیس به عنوان پی آمده برای ندای آسمانی در احادیث شیعه \_ که به بیان حقانیت عثمان و بیان مظلومیت او و حقانیت سفیانی می پردازد \_ مطرح است، ولی در روایات عامه، ندا از شیطان معرفی می شود؛ نه ابلیس. و محتوای آن، بیان حقانیت فرزندان عیسی است و به صورت محدود در چند حدیث آمده است.

۷. به صورت کلی، ندای آسمانی به صورت دقیق تر و شفاف تر در احادیث شیعه آمده و تمام مطالب در مورد آن به صورت ریز مطرح شده است، ولی این شفافیت در روایات عامه مشاهده نمی شود.

ص: ۲۱۸

قرآن کریم.

۱. آیتی، نصرت الله، سفیانی از ظهور تا افول، قم، ثانی عشر، ۱۳۸۴ش.

۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون الاخبار الرضا، بی جا، جهان، ۱۳۷۸ق.

۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، ترجمه علی اکبر غفاری، قم، چ ۷، نشر اسلامی، ۱۴۲۶ق.

۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، مکتبه داوری، بی تا.

۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، منصور پهلوان، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.

۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۱ش.

۷. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، نشر اسلامی، چ ۳، ۱۴۱۳ق.

۸. ابن حنبل، احمد، احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، قم، نشر اسلامی، چ ۵، ۱۴۰۹ق.

۹. ابن عدی، عبدالله، غزاوی، یحیی مختار، الکامل، لبنان، دارالفکر، چ ۳، ۱۴۰۹ق.

۱۰. ابن فارس، احمد، معجم المقاييس اللغه، لبنان، دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۲ق.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، لبنان، دارصادر، بی تا.
۱۲. ابن نعمان (شيخ مفيد)، محمد بن محمد، الارشاد، قم، كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
۱۳. ابن هاشم، على بن ابراهيم، تفسير القمى، قم، چ ۳، مؤسسه دارالكتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. ابى الحديد معتزلى، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى، ۱۴۰۴ق.
۱۵. اختصاص؛ قم، كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
۱۶. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه، تبريز، مكتبه بنى هاشمى، ۱۳۸۱ق.
۱۷. اردبيلى، محمد بن على، جامع الرواه، قم، مكتبه آيت الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۳ق.
۱۸. اموى داني، عثمان بن سعيد، السنن الوارده فى الفتن، اردن، بيت الافكار الدوليه، [بى تا].
۱۹. بحراني، سيد هاشم، البرهان فى تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۲۰. بحراني، سيد هاشم، ميلانى، محمد منير، المحججه فيما نزل فى القائم الحجه، قم، بينا، بى تا.
۲۱. جمعى از نويسندگان، چشم به راه مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، بوستان كتاب، چ ۳، ۱۳۸۲ش.
۲۲. جوينى، ابراهيم بن محمد، فرائد السمطين، لبنان، مؤسسه المحمودى، ۱۳۹۸ق.
۲۳. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، لبنان، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۱ق.
۲۴. حر عاملى، محمد بن حسن، اثبات الهداه، قم، مطبعه العلميه، بى تا.
۲۵. حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، لبنان، دار احياء التراث العربى، چ ۶، ۱۴۱۲ق.

۲۶. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۷. حسین بن علی، ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۲۸. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۲۹. حمیری (ابن هشام)، عبدالملک بن هشام، السیره النبویّه، لبنان، دارالمعرفه، بی تا.
۳۰. حمیری عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، کتابخانه نینوا، تهران، بی تا.
۳۱. حبیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، لبنان، البلاغ، ۱۴۱۹ق.
۳۲. خراسانی، جواد، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، لاهوت، چ ۴، ۱۳۸۴ش.
۳۳. خزار قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۳۴. دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النهایه، لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۳۵. ذهبی، ابی عبد الله محمد بن احمد، میزان الاعتدال، لبنان، دارالمعرفه، ۱۳۸۲ق.
۳۶. راغب اصفهانی، الحسین بن محمد، المفردات غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۳۷. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق.
۳۸. راوندی، قطب الدین، قصص الانبیاء، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۲ق.
۳۹. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ش.
۴۰. سلیمان، کامل، یوم الخلاص، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چ ۶، ۱۴۱۵ق.
۴۱. سید بن طاووس، الملاحم و الفتن، قم، نشر گنج معرفت، ۱۴۲۵ق.



٤٢. سيد شرف الدين، المجالس الفاخره فى مصائب العتره الطاهره، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ١٤٢١ق.
٤٣. سيوطى، جلال الدين، العرف الوردى فى اخبار الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، دمشق، دارالكوثر، ١٤٢٢ق.
٤٤. شيخ آقا بزرگ تهرانى، الذريعه الى تصانيف الشيعة، قم، اسماعيليان، ١٤٠٨ق.
٤٥. شيخ طوسى، اختيار معرفه الرجال (رجال الكشى)، قم، آل البيت، ١٤٠٤ق.
٤٦. صافى گلپايگانى، لطف الله، منتخب الاثر، قم، مؤلف، ١٤٢٢ق.
٤٧. صدر، سيد محمد، تاريخ الغيبه الكبرى، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١٢ق.
٤٨. صدر، سيد محمد، تاريخ ما بعد الظهور، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١٢ق.
٤٩. طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم، نشر اسلامى، ج ٥، ١٤١٧ق.
٥٠. طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الأوسط، عربستان، دارالحرمين، ١٤١٥ق.
٥١. طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، مصر، مكتبه ابن تيميه، ١٩٨٣م.
٥٢. طبرانى، سليمان بن احمد، مسند الشاميين، لبنان، مؤسسه الرساله، ج ٢، ١٤١٧ق.
٥٣. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضى، ١٤٠٣ق.
٥٤. طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى، تهران، دارالكتاب اسلاميه، ج ٣، بى تا.
٥٥. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، لبنان، دار التراث، ج ٢، ١٣٨٧ق.
٥٦. طبرى، محمد بن جرير، دلائل الامامه، قم، دار الذخائر للمطبوعات، ج ١.
٥٧. طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تهران، مرتضوى، ج ٢، ١٣٦٢ش.
٥٨. طوسى (شيخ طوسى)، محمد بن الحسن، الغيبه، عباد الله تهرانى و على احمد ناصح، قم، المعارف الاسلاميه، ج ٣، ١٤٢٥ق.

۵۹. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ترجمه احمد قصیر عاملی، لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۶۰. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، التهذیب، تهران، دار الکتب اسلامیة، چ ۴، ۱۳۶۵ ش.

۶۱. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، رجال الطوسی، ترجمه جواد قیومی، قم، نشر اسلامی، چ ۲، ۱۴۲۰ ق.

۶۲. طوسی، محمد بن الحسن، قم، چاپخانه ستار، ۱۴۱۷ ق.

۶۳. طوسی، محمد بن حسنی، الفهرست، جواد قیومی، بی جا، مؤسسه نشر الفقاهد، چ ۲، ۱۴۲۲ ق.

۶۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، درسه فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء، قم، جبل عامل الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.

۶۵. عروسی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۲ ش.

۶۶. فانی اصفهانی، سید علی علامه، بداء از نظر شیعه، ترجمه سید محمد باقر بنی سعید لنگرودی، تهران، دُرسا، چ ۲، ۱۳۷۴ ش.

۶۷. فتال نیشابوری، محمد، روضه الواعظین، مترجم غلام حسین مجیدی و مجتبی فرجی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۱ ش.

۶۸. فراهیدی، الخلیل بن احمد، الهمین، بی جا، دارالهجره، چ ۲، ۱۴۰۹ ق.

۶۹. فصلنامه تخصصی، تراثنا، قم، مؤسسه آل البیت، سال چهارم، عدد دوم، ش ۱۵.

۷۰. فصلنامه علمی تخصصی انتظار، ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مرکز تخصصی مهدویت.

۷۱. فقیه، محمد، حسینی، سید شاهپور، سفیانی و نشانه های ظهور، تهران، موعود، ۱۳۸۵ ش.

۷۲. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چ ۲، ۱۴۰۲ ق.

۷۳. قزوینی، سید محمد کاظم، الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف من المهد الی الظهور، قم، محلاتی، ۱۳۸۰ ش.

۷۴. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، قم، الشریف الرضی، ج ۲، ۱۳۷۵ ش.

۷۵. کتاب مقدس.

۷۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری، لبنان، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق.

۷۷. کنجی شافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ترجمه مهدی احمد فتلاوی، لبنان، دارالمحججه البیضاء، ۱۴۲۱ ق.

۷۸. کورانی، علی و دیگران، معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۷۹. کورانی، علی، المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، بی نا، ۱۴۲۶ ق.

۸۰. گرگانی، امیر فریدون، گنجینه ای از تلمود، کهن، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰ ش.

۸۱. گرینستون، جولیس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ ش.

۸۲. متقی هندی، علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تهران، شرکت رضوان، ۱۳۹۹ ق.

۸۳. مجلسی (علامه مجلسی)، محمد باقر، بحار الانوار، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۸۴. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.

۸۵. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، لبنان، دارالأضواء، ج دوم، ۱۴۰۹ ق.

۸۶. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۶ ق.

۸۷. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، بی جا، مکتبه بور سعید، بی تا.

۸۸. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب اسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۸۹. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، نسل جوان، ج ۳، ۱۳۸۴ ش.

۹۰. منادی، احمد بن جعفر، الملاحم، قم، دارالسيره، ۱۴۱۸ق.
۹۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، حائری قزوینی، سید مهدی، مکیال المکارم، قم، ایران نگین، ۱۳۸۱ش.
۹۲. موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث، قم، مدینه العلم، چ ۴، ۱۴۰۹ق.
۹۳. موسوی سبزواری، میر لوحی، کفایه المهتدی، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۴ش.
۹۴. نباطی بیاضی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، عراق، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴ق.
۹۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ترجمه سید موسی شبیری زنجانی، قم، نشر اسلامی، چ ۶، ۱۴۱۸ق.
۹۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، فارس حسون کریم، قم، مدین، ۱۴۲۶ق.
۹۷. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، لبنان، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ ۲، ۱۴۰۸ق.
۹۸. نیلی نجفی، علی نب عبدالکریم، منتخب الانوار المفیئه، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ق.
۹۹. هندی، المتقی بن حسام الدین، کنز العمال، لبنان، دارالکتب العلمیه، چ ۲، ۱۴۲۴ق.
۱۰۰. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، لبنان، دارالکتب العربی، چ ۳، ۱۴۰۲ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹